

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روان شناسی

رشته‌های ادبیات و علوم انسانی – علوم و معارف اسلامی

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه

۱۳۹۶



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب: روان‌شناسی - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۲۲۴

پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: حسین زارع، سعید راصد، حمیدرضا شرف بیانی، مهناز علی‌اکبری، میترا عبدوس، لیلا سوهانی و سوسن نیکو (اعضای شورای برنامه‌ریزی)

مدیریت آماده‌سازی هنری: حسین زارع، مهناز علی‌اکبری و سعید راصد (اعضای گروه تألیف) با همکاری حمیدرضا شرف‌بیانی - سید باقر میر عبداللهی (ویراستار)

شناسه افزوده آماده‌سازی: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

نشان‌های سازمان: لیدانیک‌روش (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری و طراح جلد) - الهه یعقوبی (نگاشتارگر [طراح گرافیک]) - خدیجه محمدی (صفحه‌آرا) - سورهش سعادت‌مندی، نوشین معصوم‌دوست، فرشته ارجمند، سبیده ملک‌ایزدی، مریم دهقان‌زاده (امور آماده‌سازی)

نشانی سازمان: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir

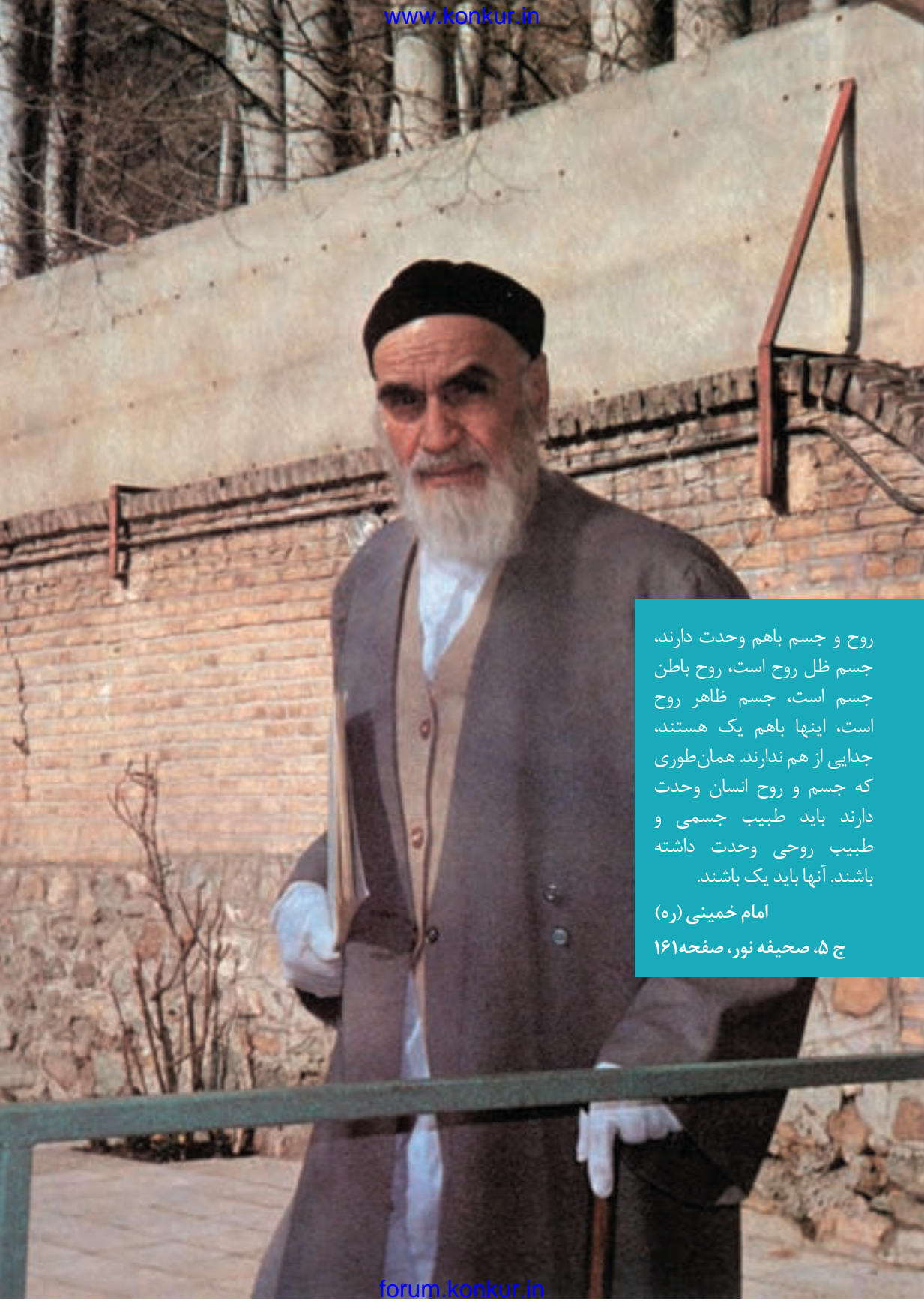
ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹

چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ اول ۱۳۹۶

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۸۲۰-۴

ISBN: 978-964-05-2820-4



روح و جسم باهم وحدت دارند،
جسم ظل روح است، روح باطن
جسم است، جسم ظاهر روح
است، اینها باهم یک هستند،
جدایی از هم ندارند. همان طوری
که جسم و روح انسان وحدت
دارند باید طبیب جسمی و
طبیب روحی وحدت داشته
باشند. آنها باید یک باشند.

امام خمینی (ره)

ج ۵، صحیفه نور، صفحه ۱۶۱

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست

روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه	۸	درس اول
روان‌شناسی رشد	۳۴	درس دوم
احساس، توجه، ادراک	۶۶	درس سوم
حافظه و علل فراموشی	۸۸	درس چهارم
تفکر (۱) حل مسئله	۱۱۲	درس پنجم
تفکر (۲) تصمیم‌گیری	۱۳۴	درس ششم
انگیزه و نگرش	۱۵۸	درس هفتم
روان‌شناسی سلامت	۱۸۶	درس هشتم
	۲۰۷	منابع

مقدمه

دانش روان‌شناسی به واسطه یافته‌های جدید، رشد چشمگیری داشته است. به‌خصوص در بعد شناختی در مقایسه با دیگر ابعاد، این تحول قابل توجه بوده است. یکی از مهم‌ترین دلایل تألیف کتاب جدید روان‌شناسی، به روز کردن محتوا و بهره‌گیری از دستاوردهای جدید در این حوزه و متناسب‌سازی آن با نیازهای مخاطبان است.

در تألیف کتاب حاضر چند راهبرد اساسی مورد تأکید است. نخست اینکه هدف از نگاشت جدید، تدوین یک کتاب روان‌شناسی عمومی نیست. لذا بسیاری از مباحث آن که در یک کتاب روان‌شناسی دانشگاهی موجود است در کتاب حاضر دیده نمی‌شود. مباحثی که برای دانش‌آموزان مناسب است انتخاب گردیده است.

هدف دیگر از تألیف کتاب حاضر ترسیم یک کتاب مثبت، کاربردی و سازنده است. فلذا از طرح بعضی مباحث مانند بیماری‌ها و اختلالات روانی که بخش کوچکی از دانش روان‌شناسی را تشکیل می‌دهد پرهیز شده است.

نکته مهم دیگر این بوده که یادگیری مباحث این کتاب یادگیری دیگر دروس را سهل و آسان نماید و دانش‌آموز بتواند یافته‌های خود در این کتاب از قبیل راه‌های بهبود حافظه، حل مسئله، تصمیم‌گیری درست و ایجاد انگیزه‌های درونی به جای انگیزه‌های بیرونی را به کار گرفته و کمک شایانی به یادگیری خود بنماید.

رویکرد غالب در تألیف اثر حاضر همسو با یافته‌های جدید دانش روان‌شناسی، رویکرد شناختی است در این رویکرد بر کارکرد شناختی و عملکرد ذهنی تأکید می‌شود. رویکرد شناختی کوشش می‌کند تا به این فهم نایل آید که چطور مداخله‌های آموزشی بر فرایندهای شناختی همچون توجه، حافظه و یادآوری اثر می‌گذارند و چطور این فرایندها در اکتساب دانش جدید تأثیرگذار است و چگونه دانش جدید بر عملکرد یادگیرنده اثر می‌گذارد.

رویکرد شناختی، به تأثیر متقابل مداخله‌های آموزشی و خصوصیات یادگیرنده که

شامل کلیه دانسته‌های فرد در موقعیت یادگیری است، توجه می‌کند و در عین حال به فرایند یادگیری و بازده‌های یادگیری و عملکرد یادگیری می‌پردازد.

موضوع اصلی در این رویکرد، دانش و چگونگی پردازش آن است و اینکه چه تغییراتی در ذهن دانش‌آموز اتفاق می‌افتد. این دیدگاه با دیدگاه فراگیر فعال هم‌خوانی دارد، در خلال دروس سعی شده تا با انجام فعالیت‌های گوناگون و متنوع دانش‌آموز در امر یادگیری خود سازنده دانش خود باشد. زیرا یادگیری امری فعال است.

در این رویکرد، یادگیرندگان همچون پردازش‌کنندگان فعال اطلاعات، به حساب می‌آیند و برای دانش و دیدگاه دانش‌آموزان به هنگام یادگیری، سهم اساسی قائل است. همچنین موضوع اصلی در آموزش، فقط کسب اطلاعات نیست، بلکه چگونگی به‌دست آوردن اطلاعات، انتخاب و سازماندهی مطالب و چگونگی ترکیب دانش جدید با دانش کنونی اهمیت بسزایی دارد.

ارزشیابی این درس بر اساس این رویکرد به بازده‌های یادگیری که در حین آموزش اتفاق می‌افتد توجه دارد نه صرفاً نتایج یادگیری در پایان آموزش. ارزشیابی براساس یک سیستم فرایند مدار صورت می‌گیرد. عمده نمرات دانش‌آموزان نیز بر مبنای میزان مشارکت دانش‌آموزان در بحث‌های کلاسی و همچنین شرکت فعال در فعالیت‌های پیش‌بینی شده در کتاب و فعالیت‌های خارج از کلاس به‌دست می‌آید.

این کتاب دارای هشت درس است که هر درس با صلاح‌دید معلم در دو تا چهار جلسه ارائه می‌گردد. همچنین در انتهای هر درس جمع‌بندی درس، توسط دانش‌آموز با پاسخ به سؤالات و یا فعالیت مربوط انجام می‌گیرد تا به نقاط قوت و ضعف خود پی‌ببرد. این فعالیت می‌تواند ملاکی برای ارزشیابی درس باشد.

به دبیران محترم توصیه می‌شود مطالبی که تحت عنوان «برای مطالعه» نگاشته شده است صرفاً جهت ارتباط بهتر مطالب و آشنایی بیشتر است لذا از این بخش در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان استفاده نشود.

روان شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه

۱



از دانش آموز انتظار می‌رود در پایان این درس بتواند:

- ۱ با ذکر نمونه‌هایی از کاربرد روان‌شناسی در امور زندگی فایده مطالعه روان‌شناسی را بیان کند.
- ۲ درخصوص یک موضوع علمی در روان‌شناسی یک فرضیه بسازد و از فرضیه خودش دفاع کند.
- ۳ درخصوص علمی بودن دانش روان‌شناسی دلایل و مستندات قابل قبول ارائه دهد.
- ۴ واژه رفتار را از واژه شناخت تفکیک کرده و وجوه تمایز آنها را بنویسد.
- ۵ با مطالعه روش‌های علوم تجربی (فیزیک و شیمی) و روش‌های مطالعه در روان‌شناسی محدودیت و دشواری‌های مطالعه روان‌شناسی را بیان کند.
- ۶ برای نقش مغز در فعالیت‌های شناختی دو نمونه از دلایل و شواهد عینی را گزارش کند.

مقدمه

در پایه‌های قبل، چند کتاب مرتبط با حوزه روان‌شناسی را مطالعه کردید. در کتاب‌های «تفکر و پژوهش» پایه ششم دوره ابتدایی، «تفکر و سبک زندگی» پایه‌های هفتم و هشتم دوره اول متوسطه و «تفکر و سواد رسانه‌ای» دوره دوم متوسطه با مفاهیم مرتبط با علم روان‌شناسی به‌طور مختصر آشنا شدید. مطالب این کتاب با کتاب‌های مذکور، تفاوت بسیار دارد.

قبل از تعریف علم روان‌شناسی چند پرسش را طرح می‌کنیم:



● چرا هنگام مطالعه، حواسمان مدام پرت می‌شود؟

● چرا مطالعه با فاصله زمانی، بهتر از مطالعه بدون فاصله زمانی است؟

● عوامل مؤثر بر فراموشی چیست؟

● چرا یک فرد وقتی که در جمع قرار می‌گیرد متفاوت از سایر موقعیت‌ها عمل می‌کند؟

● افرادی که مکرر و بدون دلیل موجه تن به جراحی زیبایی می‌دهند، در زیبایی بدنشان نقص دارند یا تصور نادرستی از زیبایی دارند؟

● تماشای برنامه‌های خشونت آمیز رسانه‌ها چه تأثیری بر پرخاشگری کودکان دارد؟

فعالیت ۱-۱

درباره علم روان‌شناسی چه سؤالاتی در ذهن شما مطرح است؟ چند نمونه از این سؤالات را ذکر کنید.

۱

۲

۳

۱۰

پاسخ علمی به پرسش‌های بالا، در قلمرو علم روان‌شناسی می‌گنجد. برای بیان اهمیت ویژگی‌های روان‌شناختی در عملکرد انسان، توجه شما را به یک داستان فرضی جلب می‌کنیم:

فعالیت ۲-۱

فرض کنید در یک همایش علمی، هزار نفر از باتجربه‌ترین جراحان مغز و اعصاب دنیا، قصد گزینش ده نفر از بهترین جراحان را دارند. در این همایش هر یک از آنها تجربه و دانش خود را به دیگر همکاران عرضه می‌کند. در نهایت، بعد از مباحثه و مناظره فراوان،



ده نفر برتر انتخاب می‌شوند. به نظر شما اگر دلایل موفقیت این ده نفر را از آنها پرسیم به چه میزان فقط به دانش پزشکی خودشان اشاره می‌کنند؟ آیا برتری و پیشرفت آنها فقط به دانش تخصصی‌شان مربوط است؟ پاسخ‌های خود را با پاسخ دیگر همکلاسی‌ها مقایسه کنید.

همچنان که در پاسخ به فعالیت ۲-۱ مشاهده کردید پاسخ به این پرسش‌ها منفی است. به‌طور قطع عوامل دیگری چون چگونگی مطالعه، سبک یادگیری، میل به پیشرفت، ویژگی‌های شخصیتی، قدرت اراده و سخت‌کوشی، سبک تربیتی والدین، نظم در امور، علاقه به کار و ده‌ها عامل دیگر در برتر شدن در جراحی مغز و اعصاب مؤثر بوده است. پاسخ دقیق به چنین پرسش‌هایی دغدغه روان‌شناسان است.

هر فردی می‌تواند به این پرسش‌ها پاسخ دهد، اما پاسخ‌های دقیق و معتبر با ارزش است. برای آگاهی از درستی یا نادرستی پاسخ دیگران، باید آنها را با واقعیت‌های تأیید شده علم روان‌شناسی مطابقت دهیم. در صورت ناهمخوانی، پاسخ، پذیرفته نیست. روش دیگر اینکه اگر با پاسخی مواجه شدیم که دانشی از آن وجود نداشت باید آن پاسخ با روش‌های علمی قابل بررسی باشد تا صحت آن تأیید شود.

روان‌شناسی، با پرسش‌های بسیاری مواجه است. پاسخگویی به آنها دانش و پژوهش روزافزونی را می‌طلبد. افراد غیرمتخصص به این پرسش‌ها، پاسخ‌های عامیانه می‌دهند و به تدریج دیدگاه شخصی خود را باور کرده، تبعیت دیگران را می‌طلبند.

فعالیت ۳-۱

با تأمل و اندیشه در رفتار خود و دیگران، با کمک دوستانتان به چند نمونه از باورهای غیرعلمی اشاره کنید؛ مانند:

● عدد ۱۳ نحس است.



علم چیست؟

در زبان فارسی از واژه «علم^۱» استفاده زیادی می‌شود. منظور از علم در اینجا، علم تجربی است که از روش‌ها و ابزارهای دقیق و قابل اندازه‌گیری استفاده می‌کنند و یکی از اقسام علوم بشری است.

در علوم تجربی، با کمک مشاهده و سایر روش‌های عینی، نمادهایی همچون واژگان و اعداد، با قضایا (فرضیه، نظریه و ...) مطابقت داده می‌شود. علوم با نمادها سر و کار دارد. نماد، هر چیزی است که جایگزین چیز دیگری می‌شود؛ مثلاً مفهوم «کتاب» یک نماد است؛ زیرا همه ما به جای اینکه به ویژگی‌های مختلف کتاب همچون شکل، اندازه، رنگ و ماهیت آن اشاره کنیم، فقط با کمک واژه «کتاب» منظور خود را منتقل می‌کنیم.

واژه گزاره^۲ به یک بیان علمی اشاره دارد. در تعریف علم تجربی، برخی از گزاره‌ها اهمیت زیادی دارد؛ مانند مسئله، فرضیه و نظریه. فرضیه، جمله‌ای خبری است که به صورت خردمندانه‌ای در پاسخ به سؤال طرح می‌شود. خردمندانه بودن محتوای یک جمله خبری به این معناست که نه براساس شانس و تصادف، بلکه مبتنی بر دانش و تجربه است. رابطه بین مسئله و فرضیه، رابطه دو سویه است: فرضیه می‌تواند از یک سو در پاسخ به سؤال بیاید و از سوی دیگر نتایج بررسی آن ممکن است پرسش‌هایی را به دنبال داشته باشد. فرضیه، در صورت تأیید، به قانون یا اصل تبدیل می‌شود. در نمودار صفحه بعد روند تکاملی گزاره‌های اشاره شده آمده است.

۱_ science

۲_ Proposition

مسئله

فرضیه

اصول یا قوانین

نظریه

سلسله مراتب گزاره‌های علمی

فعالیت ۱-۴

به نظر شما بین مسئله، فرضیه، قانون و نظریه علمی چه ارتباطی وجود دارد؟ به صورت گروهی بحث کنید و نتیجه را به کلاس گزارش دهید.



مجموعه‌ای از قوانین علمی، نظریه را شکل می‌دهند. به این سؤال توجه کنید: «گذشت زمان بر پایداری حافظه چه تأثیری دارد؟» همه ما می‌دانیم گذشت زمان و استفاده نکردن از مطالبی که وارد حافظه شده است، دوام آنها را کم‌رنگ می‌کند. با توجه به این تجربیات، پاسخ خردمندانه‌ای به سؤال فوق می‌دهیم:

— گذشت زمان باعث تضعیف حافظه می‌شود.

بیان فوق، «فرضیه^۱» نام دارد. هرچند احتمال تأیید شدن فرضیه‌ها بیشتر از تأیید نشدن آن است، اما همه فرضیه‌ها باید به درستی بررسی شوند. یکی از روش‌های بررسی فرضیه‌ها، روش علمی است که در همین فصل به آن اشاره می‌شود.

همه علوم، با نظریه‌ها سروکار دارند. در روان‌شناسی نیز نظریه‌های زیادی وجود دارد؛ مثلاً مفهوم «یادگیری^۲» و چگونگی آن با نظریه‌های متعددی تبیین می‌شود.

نظریه‌های علوم تجربی را براساس «سودمندی» و «کاربردپذیری» آن می‌سنجند. نظریه‌ها دارای دو سطح صوری و تجربی هستند. سطح صوری یک نظریه، ساختار ظاهری و نحوه نگارش آن است. منظور از سطح تجربی، تجربه‌پذیری و پژوهش‌پذیری آن است.

همه نظریه‌های علمی در دو سطح مذکور به یک اندازه رشد نکردند؛ زیرا ساختار صوری برخی نظریه‌ها در زمان ارائه، قابل بررسی تجربی نیست. این موضوع در همه علوم مشهود است؛ چنان‌که در روان‌شناسی هم برخی نظریه‌ها، پشتوانه تجربی قوی ندارند.

با توجه به تعریفی که از علم ارائه شده است، روان‌شناسی نیز مانند بسیاری از علوم تجربی، باید در این چارچوب بررسی شود.

۱- Hypothesis

۲- Learning

علوم تجربی چه هدف‌هایی را دنبال می‌کند؟

هدف علم روان‌شناسی همانند سایر علوم تجربی، توصیف، تبیین، پیش‌بینی و کنترل موضوع پژوهش است.



منظور از «توصیف»^۱، بیان دقیق و روشن مفهوم مورد نظر است؛ مثلاً در مثال مربوط به حافظه، آیا کسی که سخنور خوبی است، حافظه خوبی هم خواهد داشت؟ قطعاً سخنوری معادل داشتن حافظه عالی نیست. نمونه دیگر توصیف یک مفهوم، بیان دقیق مفهوم «جرم» در فیزیک است. یک فیزیک‌دان ابتدا به توصیف دقیق این واژه و تفاوت آن با مفاهیمی همچون وزن می‌پردازد. نمونه دیگر توصیف علمی، تعریف «هوش» است. آیا هوش فرد سختکوش و با پشتکار، بالاتر از متوسط افراد جامعه است؟ توصیف افراد عادی و روان‌شناسان از این پدیده‌ها با یکدیگر متفاوت است. روان‌شناسان در توصیف پدیده‌ها دقیق‌اند و سعی می‌کنند تحت تأثیر پیش‌داوری شخصی قرار نگیرند.

هدف دیگر علم روان‌شناسی «تبیین»^۲ موضوع است. واژه «تبیین»، به بیان چرایی آن پدیده اشاره دارد در حالی که واژه «توصیف» به چپستی مربوط می‌شود. در روان‌شناسی تجربی سعی می‌شود مهم‌ترین علل بروز پدیده، مطالعه شود. وجود بسیاری از پدیده‌های روان‌شناختی تابع علت‌های زیادی است. موفقیت در رسیدن به «پیش‌بینی»^۳ و کنترل^۴ به چگونگی توصیف و تبیین پدیده مورد مطالعه بستگی دارد. روان‌شناسی، در مقایسه با سایر علوم تجربی، در توصیف و تبیین پدیده‌ها با دشواری‌های زیادی روبه‌روست. مهم‌ترین دلیل دشواری این است که پدیده‌های روان‌شناختی تحت تأثیر علت‌های زیادی هستند؛ در حالی که در علوم دیگر این‌گونه نیست. هدف نهایی همه علوم تجربی، پیش‌بینی و کنترل است. آن‌گونه که پیش‌بینی و کنترل در علوم دیگر سهل و روان است، در علم روان‌شناسی نیست.

۱_ Description

۲_ Explanation

۳_ Prediction

۴_ Control

○ فعالیت ۱-۵

- ۱ در گروه‌های دونفره به این دو جمله توجه کنید و بگویید کدام، توصیف و کدام، تبیین است؟ چرا؟
- حافظه یعنی قدرت یادآوری و بازشناسی خاطرات گذشته.
 - تکرار به موقع خاطرات موجب تحکیم حافظه می‌شود.
- ۲ به مثال‌های زیر توجه کنید و بگویید تبیین کدام یک آسان‌تر است؟ چرا؟
- گرما باعث انبساط فلز می‌شود.
 - امید به آینده، انگیزه پیشرفت را افزایش می‌دهد.

همچنان که در فعالیت ۱-۵ ملاحظه می‌کنید در فیزیک، پیش‌بینی انبساط فلز به وسیله گرما امر دشواری نیست. در حالی که پیش‌بینی انگیزه پیشرفت، به مراتب، دشوارتر است؛ چون تحت تأثیر عوامل متعددی است که به راحتی نمی‌توان آنها را تبیین کرد. پیش‌بینی و کنترل موضوعی که توصیف و تبیین روشن‌تری داشته باشد، آسان‌تر است.

○ سؤال

چرا پیش‌بینی و کنترل پدیده‌های روان‌شناختی دشوارتر از مفاهیم فیزیکی است؟

○ منابع کسب شناخت

قبل از اینکه به بیان «روش علمی» پردازیم، شایسته است به این نکته اشاره کنیم که انسان‌ها در پاسخ به سؤال و برای کسب شناخت، از منابع گوناگونی استفاده می‌کنند. فرض کنید از چهار نفر بپرسیم: آیا جهان نظم دارد؟ فرد اول با استناد به آیات الهی و سخن بزرگان دین پاسخ می‌دهد که جهان منظم و باقاعده است. فرد دوم با روش‌های عرفانی و برداشت درونی، به منظم بودن جهان شناخت پیدا می‌کند. فرد سوم با توجه به استدلال‌های منطقی و دلایل فلسفی جهان را قاعده‌مند می‌داند. فرد چهارم تلاش می‌کند با مثال‌های مختلف به این سؤال پاسخ دهد؛ مثلاً می‌گوید: اگر کره زمین چند کیلومتر دورتر یا نزدیک‌تر به خورشید می‌بود، امکان حیات در زمین وجود نمی‌داشت؛ بنابراین حتماً جهان هستی منظم و انضباط دارد. در این پاسخ‌ها به چهار منبع کسب شناخت اشاره شده است:



۱ استناد به نظر صاحب نظران و مقام صلاحیت دار. منظور از «صاحب نظران»، افراد متخصص و با تجربه است. اندیشمندان اسلامی برای کسب شناخت، به آیات الهی و سیره نبوی و تعالیم بزرگان دین مراجعه می کنند.



۲ شیوه های مبتنی بر سیر و سلوک و روش های شهودی. این روش مبتنی بر درک درونی است. روش هایی که عرفا برای کسب شناخت دارند در این مقوله قرار دارد. مهم ترین ویژگی این شیوه، شخصی و غیر قابل تعمیم بودن آن روش ها است.

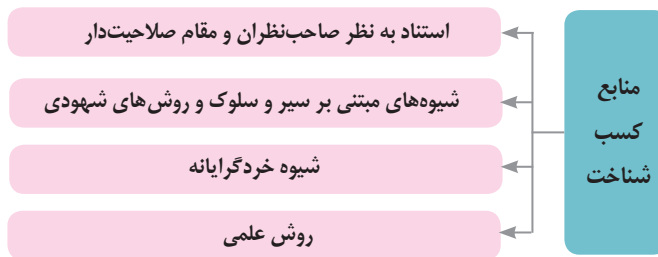


۳ شیوه خردگرایانه. در این شیوه با کمک فلسفه و روش های مبتنی بر منطق، به حقیقت چیزی پی می برند. فیلسوفان از این روش استفاده می کنند.



۴ روش علمی. در این روش از روش های تجربی استفاده می شود. روش های علمی، عینی و قابل تکرار هستند.

روش علمی: روش علمی یکی از روش های کسب شناخت است. ممکن است در پاسخ به یک سؤال، چهار فرد با چهار روش ذکر شده به یک مقصد برسند، اما آنچه مهم است این است که هیچ یک نمی توانند بر درستی روش خویش و انکار روش های دیگران اصرار بورزند.



متأسفانه بسیاری از دانشمندان علوم تجربی در این زمینه دچار اشتباه می شوند. آنها بیش از حد به یافته های خود اعتماد می کنند و منابع دیگر کسب شناخت را نامعتبر می دانند؛ حال آنکه موضع آنها نسبت به سایر منابع شناخت باید «نمی دانم» باشد، نه اینکه بگویند: «نیست!».

سؤال

مریم در یکی از کتاب‌های درسی با این مفهوم مهم مواجه شده است که «جهان دارای نظم است». او برای فهم این جمله مدتی است یکی از کتاب‌های شگفت‌انگیز درباره کهکشان‌ها و منظومه شمسی را مطالعه می‌کند. بعد از مطالعه به این نتیجه رسیده است که امکان ندارد اجزاء منظومه شمسی بدون قاعده در فضا قرار گیرند. مریم با استفاده از کدام یک از منابع شناخت به دانش جدید رسیده است؟



روان‌شناسان در آزمایشگاه‌ها پدیده‌ها را به دقت مطالعه می‌کنند.

از روش علمی تعاریف متنوعی در دسترس است. شاید کاربردی‌ترین تعریف روش علمی عبارت است از:

«فرایند جستجوی با قاعده و نظام‌دار برای مشخص کردن یک موقعیت نامعین». در این تعریف از چند واژه استفاده شده است: «فرایند»^۱ به جریان یک عمل اشاره دارد. وقتی از مبدأ به سوی مقصد در حال حرکت هستیم، جریان رسیدن به هدف را «فرایند» گویند. در روش علمی همواره به دنبال جستجوی چیزی هستیم. در جستجوی چیزی بودن باعث می‌شود تا روش علمی، هدفمند باشد. گاهی ممکن است، بدون هدف اقدامی صورت بگیرد؛ در این صورت اقدام محقق شده، به دلیل توجه نداشتن به هدف مشخص، نتیجه بخش نخواهد بود. واژه مهم دیگر، «نظام‌دار بودن»^۲ است. روش علمی تابع قواعد مشخصی است که به صورت

۱_ Process

۲_ Systematic

منظم طی می‌شود. مهم‌ترین تفاوت دانشمند با فرد عادی در این است که، هرچند هر دو با مسئله مواجه می‌شوند، اما مواجهه دانشمند، برخلاف فرد عادی، منظم و قاعده‌مند است. آخرین مفهوم در تعریف روش علمی، «موقعیت نامعین» است. دانشمند به دنبال ابهام‌زدایی و روشن‌سازی است. دانشمند با طرح مسئله، موقعیت ناشناخته را خلق می‌کند. به واسطه روش علمی، موقعیت ناشناخته روشن می‌شود. روشن‌سازی موقعیت نامعین همانند نور در شب تاریک است؛ هرچه بر شدت نور افزوده می‌شود، از مقدار تاریکی کاسته می‌شود.

فعالیت ۱-۶

سعی کنید، با کمک دوستان خودتان، همانند مثال زیر مسئله‌ای را طرح و با استفاده از روش علمی، بهترین پاسخ (فرضیه) به آن مسئله را بررسی کنید.

مثال:

مهم‌ترین علت افزایش دمای کره زمین چیست؟ (مسئله)
گازهای گلخانه‌ای باعث افزایش دمای کره زمین شده است. (فرضیه)

● (مسئله)

● (فرضیه)

ویژگی‌های روش علمی: روش علمی، روش مورد نظر روان‌شناسان است. در روش علمی هر «متغیر^۱» باید به طور دقیق بیان شود. به این ویژگی، «تعریف عملیاتی^۲» می‌گویند. منظور از «تعریف عملیاتی» این است که در روش علمی متغیر مورد نظر باید به صورت عینی

و دقیق تعریف شود؛ به گونه‌ای که همه افراد با مطالعه تعریف متغیر مورد نظر، به برداشت یکسان و یا تقریباً یکسانی برسند. متغیر یعنی هر چیزی که تغییر می‌کند. متغیر در برابر «ثابت» است. نمره یک درس، مقادیر مختلفی از یک تا بیست را شامل می‌شود، پس یک متغیر است. تعریف عملیاتی باعث سهولت اندازه‌گیری می‌شود. اندازه‌گیری یعنی نسبت دادن عدد به ویژگی‌های اشیا و افراد. هرچه متغیر دقیق‌تر تعریف شود، اندازه‌گیری هم دقیق‌تر است.



۱_ Variable

۲_ Operational Defenition

به نظر شما تعریف عملیاتی کدام یک از واژگان زیر سخت تر است:



جرم، اتم، اضطراب، پیشرفت تحصیلی، کلسترول، تصمیم گیری، سوخت و ساز، استدلال، قضاوت، هورمون؟ ویژگی دیگر روش علمی، «تکرارپذیری» است. یافته‌های به دست آمده از روش علمی، خصوصی و شخصی نیست، بلکه هر فردی، در صورت رعایت ضوابط علمی، می‌تواند یافته‌های دیگران را تکرار کند. بسیاری از انسان‌ها با روش‌هایی منحصر به فرد، مسئله حل می‌کنند. هرچند این افراد ممکن است به نتیجه مورد نظر برسند، اما چون پاسخ آنها به وسیله دیگران قابل تکرار نیست، در مجموعه روش علمی قرار نمی‌گیرد. همانند طرح سؤال در ویژگی

پیشین روش علمی، در اینجا هم به بیان این پرسش می‌پردازیم که «آیا همه علوم به یک میزان دارای یافته‌های تکرارپذیر هستند؟» اگر فیزیک‌دان، یافته مربوط به تأثیر گرما بر انبساط فلز را بارها تکرار کند، آیا روان‌شناس هم می‌تواند این گونه عمل کند؟ در برخی موارد، روان‌شناسان نمی‌توانند به راحتی همانند فیزیک‌دانان عمل کنند. به دلیل رعایت مسائل اخلاقی و نیز پیچیدگی پژوهش‌های مربوط به انسان، روش علمی همواره با محدودیت‌هایی مواجه است. شاید به همین دلیل است که استفاده از روش علمی تاکنون نتوانسته است به همه پرسش‌های بشر امروز پاسخ دهد.

تعریف روان‌شناسی

اگر از شما بپرسند در روان‌شناسی چه چیزی مطالعه می‌شود، شاید به تعداد افراد کلاس، تعریف ارائه شود. شگفت‌آور آن است که در بین روان‌شناسان هم، تعریف واحدی برای روان‌شناسی وجود ندارد. این موضوع تعجب‌آور نیست. گذشت زمان و پیشرفت دانش، باعث تغییر اطلاعات ما می‌شود؛ در نتیجه، از پدیده‌ها فهم دقیق‌تری خواهیم داشت. به علاوه، پدیده‌های جهان چنان پیچیده است که دانشمندان مجبورند از زوایای گوناگون به آن نگاه کنند. همین امر موجب پیدایش نظریه‌های مختلف می‌شود؛ بنابراین، دلیل اصلی وجود تعاریف مختلف در روان‌شناسی، گذر زمان و پیشرفت دانش از یک‌سو، و زاویه نگاه دانشمند از سوی دیگر است.

برخی، روان‌شناسی را علم مطالعه رفتار و تجارب انسانی می‌دانند. در آغاز قرن بیستم اکثر روان‌شناسان آن را مطالعه زندگی روانی، ذهن و هوشیاری می‌دانستند.

بسیاری عقیده دارند جامع‌ترین تعریف روان‌شناسی عبارت است از «علم مطالعه رفتار و فرایندهای ذهنی (شناخت)». به هر نوع فعالیت مورد مشاهده جاندار، «رفتار^۱» می‌گویند. حرکت جمعی پرندگان، لانه‌سازی برخی حیوانات، راه رفتن انسان‌ها و بسیاری حرکات دیگر، نمونه‌هایی از رفتار است. مطالعه رفتار، محدود به انسان نیست، بلکه همه موجودات زنده را شامل می‌شود. واژه «فرایندهای ذهنی» نیز، به دلیل عدم مشاهده مستقیم بسیاری از رفتارها و تأکید بر



کنش‌های انسانی، در تعریف روان‌شناسی لحاظ شد. امروزه از فرایندهای ذهنی با واژه «شناخت^۲» تعبیر می‌شود. در کتاب حاضر بر مفاهیم شناختی تأکید زیادی می‌شود؛ بنابراین، آن را جداگانه تعریف می‌کنیم.

○ فعالیت ۱-۷

به مثال‌های زیر توجه کنید و بگویید کدام‌یک از آنها به صورت مستقیم (رفتار) و غیرمستقیم (شناخت) قابل مشاهده است:

- حسین با دیدن دوستش به سمت او می‌رود.
- فاطمه، با نگاه به آینده، به رشته تحصیلی دانشگاهی‌اش می‌اندیشد.
- کودکان حرکت مادران را با چشم ردیابی می‌کنند.
- تصاویر زیبایی معابر شهری، احساس خوشایندی به شهروندان می‌دهد.

○ شناخت چیست؟

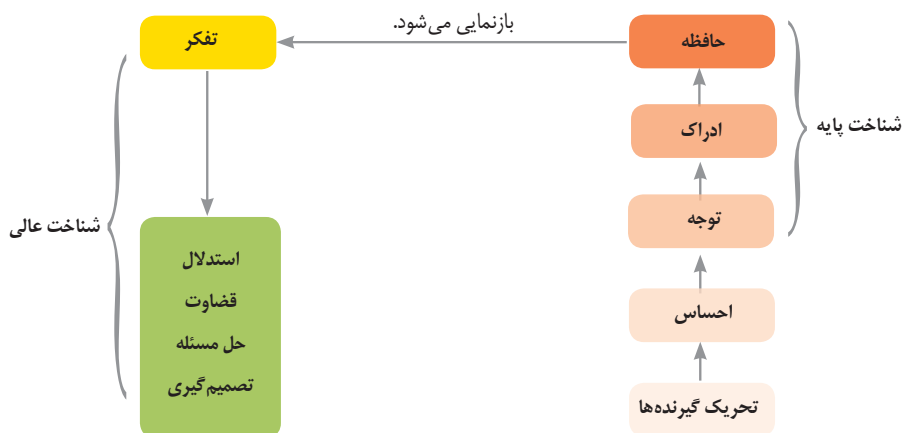
روان‌شناسی نوین، در تبیین موضوعات مورد مطالعه، با واژه «شناخت» بسیار سروکار دارد. ما در این بخش از کتاب به صورت دقیق و سلسله‌مراتبی، شناخت را تعریف می‌کنیم. محیط ما لبریز از محرک‌های مختلف است. این محرک‌ها گیرنده‌های حسی همچون گوش و چشم را تحریک می‌کنند که به نتیجه آن احساس می‌گویند. به کمک «توجه^۳»، یک یا چند محرک احساس شده را انتخاب می‌کنیم؛ سپس محرک انتخاب شده را تعبیر و تفسیر می‌کنیم.

۱- Behavior

۲- Cognition

۳- Attention

به فرایند تفسیر محرک‌های انتخابی، «ادراک»^۱ گفته می‌شود. در مرحله بعد، تفسیرهای خود را در محفظه‌ای نگهداری می‌کنیم که به آن «حافظه»^۲ می‌گویند. اندیشمندان تمایل ندارند همانند لوح فشرده، حاوی اطلاعات خام باشند، بلکه سعی می‌کنند از اطلاعات موجود در حافظه، استنباط‌های زیادی داشته باشند؛ به عبارت دیگر سعی می‌کنند با بازنمایی آنچه در حافظه است به مراتب بالاتر شناخت دست یابند. فرایند بازنمایی اطلاعات موجود در حافظه، «تفکر»^۳ نام دارد. تفکر شامل استدلال، قضاوت، حل مسئله و تصمیم‌گیری است. با توجه به اهمیت موضوع حل مسئله و تصمیم‌گیری، این دو موضوع در فصل‌های ۵ و ۶ به تفصیل توضیح داده خواهد شد.



چگونگی شکل‌گیری سطوح مختلف شناخت

فعالیت ۱-۸

با توجه به مراحل شکل‌گیری شناخت، تفکر به چه چیزی نیاز دارد؟ آیا فردی که حافظه قوی دارد، متفکر است؟

با توجه به شکل بالا می‌توان گفت که از توجه تا تصمیم‌گیری شناخت نامیده می‌شود. متخصصان به فرایندهایی همچون توجه، ادراک و حافظه، «شناخت پایه» و به انواع تفکر، «شناخت عالی» می‌گویند. هرچه از شناخت پایه به سوی شناخت عالی پیش می‌رویم، عمل

۱ - Perception

۲ - Memory

۳ - Thought

پردازش پیچیده‌تر می‌شود. پردازش به معنای دریافت و فهم بیشتر است. انسان‌ها در پردازش به یک شیوه عمل نمی‌کنند. برخی از پردازشگران، صرفاً بر ویژگی‌های حسی، همانند اندازه و شکل ظاهری محرک، تکیه دارند: نوع پردازش در چنین حالتی، «پردازش ادراکی^۱» است. برخی دیگر سعی می‌کنند به ویژگی‌های مشترک محرک‌های مختلف دسترسی داشته باشند؛ به عبارت دیگر به مفهوم می‌رسند. نوع پردازش این قبیل افراد، «پردازش مفهومی^۲» است. هرچه پردازش ما مفهومی‌تر باشد، شناخت شکل گرفته، پایدارتر و کارآمدتر خواهد بود. با توجه به شکل صفحه قبل عالی‌ترین مرتبه شناخت حل مسئله و تصمیم‌گیری است. حل مسئله و تصمیم‌گیری مبتنی بر پردازش مفهومی، کارآمدتر از تصمیم‌گیری مبتنی بر پردازش ادراکی است.

○ فعالیت ۱-۹

موقعیت زیر را مطالعه و نوع پردازش آن را مشخص کنید.
سارا ۵ ساله و سپیده ۱۷ ساله با هم خواهند و به همراه مادرشان برای خرید لباس به فروشگاه رفته‌اند. سارا با دیدن لباس قرمزی بر خرید آن اصرار دارد. برخلاف سارا، سپیده لباس را از نظر نرمی، کیفیت، دوام و قیمت بررسی می‌کند و سپس تصمیم به خرید می‌گیرد.

کدام تصمیم‌گیری کارآمدتر است؟ چرا؟



۱ - Perceptual processing

۲ - Conceptual processing

روان‌شناسی نزد پیشینیان

انسان از گذشته دور سعی کرده است «من» و «خویشتن» خویش را بشناسد. در تعلیم دینی هم، سودمندترین معارف بشری را «معرفت نفس» دانسته‌اند. شناخت ابعاد غیر جسمانی انسانی ابتدا در معارفی همچون فلسفه مطالعه می‌شد. به تدریج، ضرورت مطالعه تجربی ابعاد روان‌شناختی انسان محسوس‌تر شد. در سال ۱۸۷۹ برای اولین بار ویلهلم وونت آلمانی در شهر لایپزیک آلمان اولین آزمایشگاه روان‌شناسی را تأسیس کرد. محققان، این سال را مبدأ شکل‌گیری روان‌شناسی علمی می‌دانند. از آن سال به بعد، روان‌شناسی، با شتاب بسیار و به مدد روش‌های نوین، در کشورهای مختلف رشد یافته است.

در کنار یافته‌های مغرب زمین و حتی قبل از آن، دانشمندان اسلامی از دیرباز با الهام از قرآن کریم و دیگر تعلیم دینی سعی کردند به تبیین مضامین روان‌شناختی بپردازند. از نظر قرآن کریم حیات انسان به دو شکل دنیوی (که مشترک با سایر جانداران است) و اخروی یا ابدی مطرح می‌شود (سوره نحل، آیه ۹۷). قرآن، زندگی دنیوی را متاعی فریبنده (سوره انعام، آیه ۳۲) و سرای آخرت را سرای زندگانی و آرامش می‌داند (سوره عنکبوت، آیه ۶۴). از نظر قرآن کریم عامل تغییر و تحول اجتماعی، خود انسان است (سوره انفال، آیه ۵۳). هر جامعه‌ای از دید قرآن در گرو کردار خویش است (سوره بقره، آیه ۱۳۴).



جاحظ (۲۵۵-۱۵۰ ق) از پیشگامان روش علمی - تجربی است. ابزارهای شناخت انسان از نظر وی، حس، عقل و الهام است. ابن‌سحنون (۲۵۶-۲۰۲ ق) از دیگر دانشمندانی است که درباره هدف‌های آموزشی و وظایف معلم و آموزش، مطالب ارزنده‌ای دارد. کندی (۲۶۰-۱۸۵ ق) اولین فیلسوفی است که در اسلام به شرح و توصیف «نفس» و اقسام آن به شیوه ارسطو پرداخته است.

ابن سحنون (۲۵۶-۲۰۲ ق)



ابونصر فارابی (۳۳۹-۲۵۸ ق)



ابن سینا (۴۲۸-۳۷۰ ق)

ابونصر فارابی (۳۳۹-۲۵۸ ق) در نظم بخشیدن به علوم و ایجاد هماهنگی میان آنها تلاش علمی وافر کرده است. به نظر فارابی برای رسیدن به سعادت باید بعد مثبت انسان تقویت شود. از نظر او شکوفایی فطرت‌ها از طریق «آموزش» امکان‌پذیر است.

ابن سینا (۴۲۸-۳۷۰ ق) بر اهمیت ادراک حسی در جریان شناخت تأکید دارد شناخت راستین را «شناخت عقلی» می‌داند. خودشناسی و تربیت نفس، توجه به تفاوت‌های فردی، شناخت استعدادها، در نظر گرفتن مراحل رشد، آموزش گروهی و تشویق، از اصول و روش‌های تربیتی ابن‌سینا است.

از جمله مشاهیر دیگری که در موضوع نفس و مراتب شناخت، آثار علمی گرانبغایی نگاشته‌اند، می‌توان از ابو حامد غزالی، شهاب‌الدین سهروردی، خواجه نصیرالدین طوسی، مولوی، سعدی و ابن‌خلدون نام برد.

با بررسی اجمالی پژوهش‌های اندیشمندان اسلامی می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر این مطالعات جنبه صوری نظریه‌پردازی بوده است. لیکن در بعد تجربی با اینکه این دانشمندان آغازگران خوبی بوده‌اند، متأسفانه تداوم نیافت. خوشبختانه در عصر جدید، در دنیای اسلام، به‌خصوص در کشور عزیز ما پژوهش‌های چشمگیری در حوزه روان‌شناختی صورت گرفته است.

فعالیت ۱-۱۰

- با استفاده از اینترنت، با کلیدواژه «پر تولیدترین محققان علوم انسانی کشور» را جستجو کنید و فعالیت‌های علمی آنها را مورد توجه قرار دهید، چه تعدادی از این محققان در حوزه روان‌شناسی فعالیت داشته‌اند؟

نقش دستگاه عصبی در عملکرد روان‌شناسی

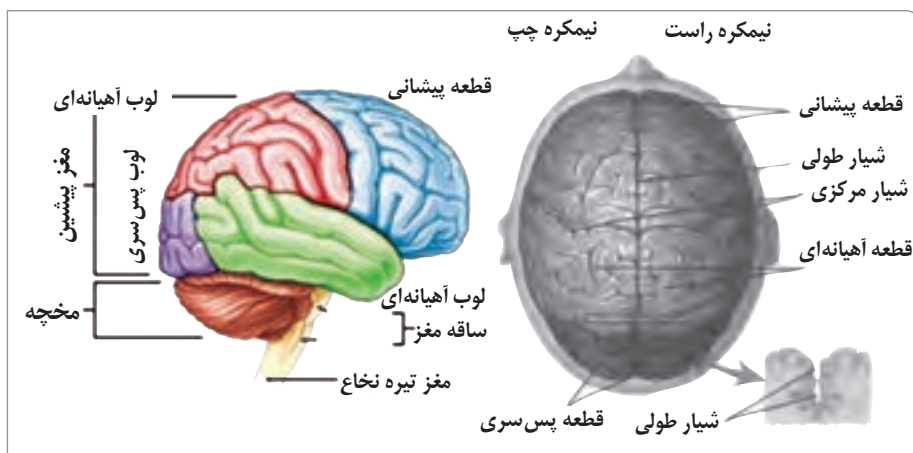
شما در سال‌های گذشته در کتاب‌های مختلف با مبانی زیستی رفتار انسان، به اختصار، آشنا شدید. دستگاه عصبی، به خصوص مغز، اساس توانایی ما در زمینه توجه، ادراک، حافظه، تفکر و تعامل با دنیای اطراف است. در اینجا قصد نداریم ساختار دقیق و جزئی دستگاه عصبی، به‌ویژه مغز را تشریح کنیم. روان‌شناسان به این دلیل که کارکردهای روان‌شناختی با بخش‌هایی از مغز مرتبط است، مطالعه کارکردهای مغز را ضروری می‌دانند.

مغز را می‌توان به سه منطقه اصلی پیش مغز، میان مغز و مغزپسین تقسیم کرد. این واژگان برگرفته از نحوه قرار گرفتن این بخش‌ها از جلو تا عقب دستگاه عصبی در جنین در حال رشد است.

پیش مغز در سمت جلو و بالای مغز قرار دارد که شامل قشر مخ، هسته‌های قاعده‌ای، دستگاه لیمبیک یا کناری، تالاموس و هیپوتالاموس است. در بین بخش‌های پیش مغز، قشر مخ اهمیت بسزایی دارد؛ چون در تفکر و سایر فرایندهای ذهنی نقش اساسی دارد. دستگاه لیمبیک برای هیجان، انگیزش، حافظه و یادگیری اهمیت دارد. موجوداتی همچون ماهی‌ها و خزندگان، به دلیل اینکه دستگاه لیمبیک رشد نایافته‌ای دارند، عمدتاً به صورت غریزی به محیط پاسخ می‌دهند. تالاموس، اطلاعات حسی را به قشر مخ منتقل می‌کند. هیپوتالاموس، رفتار مربوط به بقای نوع را تنظیم می‌کند؛ جنگیدن، تغذیه، فرار کردن و جفت‌گیری.

میان مغز، ساختار متعددی دارد که مهم‌ترین آن دستگاه فعال‌ساز شبکه‌ای است. پیام‌های مربوط به خواب و برانگیختگی از این طریق منتقل می‌شود. مغزپسین شامل بصل‌النخاع، پل مغزی و مخچه است. بصل‌النخاع دارای کارکردهای متعددی است که مهم‌ترین آن کنترل فعالیت قلبی، تنفس، بلع و هضم است. پل مغزی شامل رشته‌های عصبی است که علائم را از یک بخش به بخش دیگر مغز منتقل می‌کند. کنترل هماهنگی بدن، توازن و کشش عضلانی با مخچه است.

مطالعه کارکرد نیمکره‌های مغز برای روان‌شناسان مهم است. مغز به دو نیمکره چپ و راست تقسیم می‌شود. نیمکره چپ در زبان‌آموزی و حرکت نقش مهمی دارد. افرادی که در حرکات مهارتی مشکل دارند، غالباً نیمکره چپ آنها دچار آسیب است. نیمکره راست، گنجینه دانش معنایی است. نیمکره‌های مغز و قشر مخ برای مقاصد عملی به چهار قطعه پیشانی، آهیانه‌ای، گیجگاهی و پس‌سری تقسیم می‌شوند.



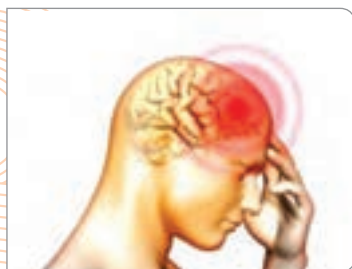
بخش‌های دو نیمکره مغز

قطعه پیشانی، با پردازش حرکت و فرایندهای عالی مانند تفکر سر و کار دارد. قطعه آهیانه‌ای با پردازش تنی - حرکتی سر و کار دارد. قطعه پس‌سری به پردازش اطلاعات دیداری مربوط می‌شود.

اگر مغز انسان آسیب ببیند، کارکرد شناختی وی مختل می‌شود. یکی از این آسیب‌ها اختلال عروقی است که در اثر سکتته پدید می‌آید. وقتی جریان خون مغز دچار اختلال ناگهانی می‌شود، سکتته رخ می‌دهد. دو نوع سکتته وجود دارد: نوع اول سکتته کم‌خونی^۱ است. این سکتته زمانی اتفاق می‌افتد که در طی سالیان دراز، بافت‌های چربی در رگ‌های خونی به وجود آید و تکه‌ای از این بافت جدا شده، در سرخرگ مغز متوقف شود.

نوع دوم، سکتته خون‌ریزی^۲ است و هنگامی به وجود می‌آید که یک رگ خونی در مغز پاره شود؛ در نتیجه باریزش خون، سلول‌های مغزی موجود در منطقه آسیب‌دیده، می‌میرند.

عامل دیگری که باعث آسیب به مغز می‌شود، تومور مغزی یا نئوپلاسم^۳ است.



۱ - Ischemic stroke

۲ - Hemorrhagic

۳ - Neoplasms

یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث اختلالات مغزی می‌شود، آسیب مستقیم به سر است. متأسفانه در کشور، ما به دلیل بروز سوانح رانندگی و موارد مشابه دیگر، آسیب مستقیم به مغز خیلی زیاد است. برخورد سر با شیشه جلو خودرو یا پرت شدن از موتور در اثر تصادف می‌تواند علت بروز چنین آسیب‌هایی باشد.

فعالیت ۱- ۱۱

همه اعضای بدن مفید و مهم هستند، اما سیستم مغزی اهمیت مضاعفی دارد. چرا آن‌گونه که مواظب اندام‌های دیگر بدن همچون مو و ناخن هستیم، به فکر مواظبت از مغز نیستیم؟ با راهنمایی دبیرتان آمار تصادفات رانندگی و افرادی که به دلیل تصادف سر آنها آسیب دیده است را استخراج کنید. سعی کنید برای کاهش این آسیب‌ها اقدام‌های پیشگیرانه‌ای ارائه دهید.

روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در روان‌شناسی

اطلاعات در علم روان‌شناسی با کمک روش‌های مختلفی جمع‌آوری می‌شود. به اختصار به برخی از این روش‌ها اشاره می‌کنیم:

مشاهده: در مراحل اولیه پژوهش، بررسی آزمایشگاهی امکان‌پذیر نیست؛ در نتیجه، از راه مشاهده، موضوع مورد مطالعه تبیین می‌شود. بسیاری از محققان به مشاهده رفتار حیوانات و آدمیان می‌پردازند؛ مثلاً ما با مشاهده دقیق رفتار حیوانات می‌توانیم رفتار نوع‌دوستانه را به صورت تکاملی مطالعه کنیم. فیلم‌برداری از نوزادان می‌تواند جزئیات الگوهای حرکتی آنان را پس از تولد نشان دهد. مشاهده باید همراه با ثبت دقیق و به دور از پیش‌داوری شخصی باشد. برخی از محققان در محیط آزمایشگاهی به مشاهده رفتار موردنظر می‌پردازند.



۱- Observation

فعالیت ۱-۱۲

با کمک یک دوربین ساده، واکنش‌های هیجانی تماشاگران مسابقه ورزشی دو تیم پرترفدار را ثبت کنید. بعد از ثبت دقیق آنها سعی کنید نحوه ابراز هیجان‌ها و واکنش‌های عاطفی آنها را تحلیل نمایید. از نحوه واکنش‌های هیجانی تماشاچیان چند اصل اساسی را استنباط کنید.



پرسش‌نامه ۱: مسائلی را که با کمک مشاهده مستقیم امکان‌پذیر نیست، می‌توان با استفاده از پرسش‌نامه‌ها مطالعه کرد. در این حالت، محقق از خود فرد درباره رفتار یا افکار خاص او می‌پرسد. پرسش‌نامه‌ها باید دقیق و معتبر باشد. پرسش‌نامه به صورت‌های مختلف نمره‌گذاری می‌شود. از نتایج پرسش‌نامه‌ها باید با احتیاط استفاده کرد.

مصاحبه ۲: برخی موضوعات را نمی‌توان به صورت از پیش تعیین شده مشاهده و یا با کمک پرسش‌نامه‌ها مطالعه کرد؛ محققان در چنین حالتی از روش مصاحبه استفاده می‌کنند. در این حالت، محقق بعد از شنیدن پاسخ سؤال قبلی، پرسش بعدی را سازمان می‌دهد. مصاحبه، برخلاف گفتگوی معمولی، هدفمند و سازمان‌یافته است.

انواع مصاحبه‌ها با توجه به موقعیت مصاحبه شکل می‌گیرد. هر چند مصاحبه‌ها را به صورت‌های مختلف اجرا می‌کنند، ولی دو شکل «کاملاً ساختار یافته» و «بدون ساختار» متداول‌تر است.

پاسخ دهنده در مصاحبه‌های کاملاً ساختار یافته (نظام‌دار) با بلی یا خیر و یا انتخاب یکی از گزینه‌ها به سؤال پاسخ می‌دهد. این نوع مصاحبه‌ها، شبیه پرسش‌نامه است. مصاحبه ساختار یافته بر پرسش‌نامه ترجیح دارد؛ زیرا امکان اخذ اطلاعات بیشتری وجود دارد. در همه‌پرسی‌ها معمولاً از مصاحبه ساختار یافته استفاده می‌کنند.

وقتی نتوانیم موضوعی را به صورت مستقیم از فردی بپرسیم، از مصاحبه بدون ساختار (بدون نظام) استفاده می‌شود. در این شیوه، با پیروی از برخی اصول و طرح کلی، فرد مصاحبه‌شونده را به سمت پاسخ‌های مورد نظر هدایت می‌کنند. از این شیوه برای اخذ اطلاعات عمیق استفاده می‌شود. محققان در استفاده از این شیوه باید به نکات اخلاقی توجه کنند. این روش بسیار وقت‌گیر و نیازمند آموزش‌های ویژه است.

آزمون‌ها: شاید بیش از هر روشی، افراد عادی جامعه با استفاده از آزمون‌های روان‌شناختی مواجه شده باشند. آزمون‌ها ابزاری برای کمی کردن ویژگی‌های روان‌شناختی هستند. ساخت آزمون‌ها بسیار دشوار است و فرایند پیچیده‌ای را طی می‌کند. ترازو در اندازه‌گیری وزن استفاده می‌شود. وزن به دست آمده ارتباطی با حجم ندارد. از طرفی اگر چند بار با یک ترازوی سالم وزن یک شیء را بسنجیم، به یک عدد می‌رسیم. این ابزار دارای دو ویژگی مهم است: آزمون‌ها هم باید دقیقاً چیزی را اندازه‌گیری کند که برای آن ساخته شده است. علاوه بر این، آزمون‌ها در دفعات متعدد اجرا باید نمره یکسان یا تقریباً یکسانی به ما بدهند.



○ فعالیت ۱-۱۳

با استفاده از اینترنت و با کمک دبیر درباره یکی از مفاهیم روان‌شناسی (مثلاً حل مسئله یا سبک‌های تصمیم‌گیری) یک آزمون پیدا کنید.

استفاده از آزمون‌ها، چگونگی اجرا و تفسیر آن باید به همراه سایر روش‌ها باشد. استفاده افراد کم‌تجربه از آزمون‌ها، بیش از آنکه راه‌گشا باشد، مشکل‌آفرین است.

روش‌های نوین گردآوری اطلاعات

به دلیل دسترسی به فناوری‌های جدید و روش‌های نوین عصب‌شناختی، روش‌های جدیدی شکل گرفته است. اغلب روان‌شناسان از نرم‌افزارهای رایانه‌ای برای مطالعه پدیده موردنظر استفاده می‌کنند. در فصول دیگر این کتاب به برخی از این نرم‌افزارها اشاره خواهیم کرد.

بسیاری از روان‌شناسان با استفاده از روش‌های نوین، کارکردهای مغز را مطالعه می‌کنند. مغز شامل حدود ۵۰ بیلیون نورون (رشته عصبی) است که هریک از آنها می‌توانند با ده هزار نورون دیگر در ارتباط باشند. با روش‌های نوین مطالعه مغز سعی می‌شود مناطق و زمان درگیری یک فعالیت در مغز ثبت شود. روش‌هایی همچون «پتانسیل‌های وابسته به رویداد، برش‌نگاری با انتشار پوزیترون (PET)، تصویربرداری تشدید مغناطیسی عملکردی (fMRI)، موج‌نگاری مغناطیسی مغز (MEG)، و تحریک مغناطیسی سراسر جمجمه (TMS)» از جمله این روش‌ها هستند. تهیه نوار مغزی و استفاده از MRI یکی از متداول‌ترین ابزارهای بهره‌گیری از این روش‌ها است.



یکی از روش‌های نوین مطالعه مغز

مهم ترین گرایش های روان شناسی

در این فصل با کلیات روان شناسی آشنا شدید. روان شناسان، با توجه به حوزه مورد علاقه، گرایش هایی همچون روان شناسی تربیتی، روان شناسی شناختی، روان شناسی سلامت، روان شناسی اجتماعی، روان شناسی صنعتی و سازمانی، روان شناسی رشد و خانواده، روان شناسی ورزشی، روان شناسی بالینی، کودکان استثنایی و... دارند. با توجه به علایق و توانمندی، روان شناسان در محیط های مختلف به آموزش، پژوهش و ارائه خدمات تخصصی مشغول اند. روان شناس، بعد از اخذ دیپلم، چهار سال در دانشگاه در مقطع کارشناسی روان شناسی تحصیل می کند. سپس حدود سه سال در یکی از گرایش های ذکر شده به تحصیل ادامه می دهد. بعد از دریافت کارشناسی ارشد، به مدت چهار سال در مقطع دکتری تخصصی روان شناسی تحصیل می کند. روان شناس با روان پزشک تفاوت دارد. روان پزشک کسی است که بعد از دوره پزشکی عمومی، ۳ سال در زمینه اختلالات روانی، تشخیص و درمان، آموزش می بیند. روان پزشکان، با کمک درمان های دارویی اختلالات روانی را درمان می کنند.

اکنون که در پایان این فصل با مفاهیم پایه ای و بنیادی روان شناسی آشنا شدید، توجه شما را به مطالعه فصل بعدی این کتاب، یعنی روان شناسی رشد معطوف می کنیم. آیا می توانید حدس بزنید در فصل بعد درباره چه مفاهیمی خواهید خواند؟

جمع بندی درس

دانش آموز عزیز! با توجه به آنچه در این درس فراگرفتید مهم ترین پیام درس را به شکلی خلاقانه با استفاده از کلمات (درخت، بلبل، عینک، رایانه) در سه یا چهار عبارت نوشته و در کلاس بخوانید.

عبارت خلاقانه من:

.....

.....

.....

.....

.....

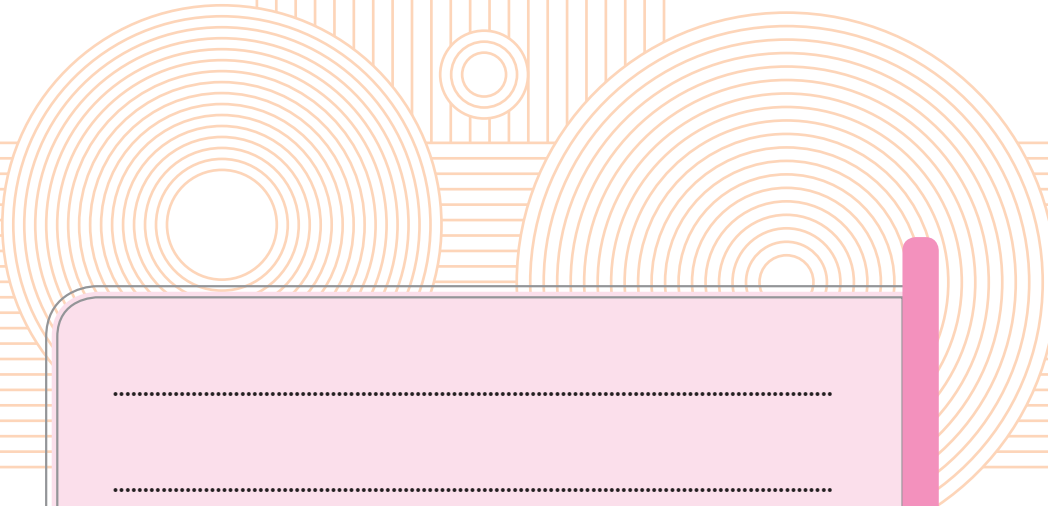
.....

.....

.....

.....





.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

واژگان اصلی

علم ، مسئله ، فرضیه ، قانون ، نظریه ، سطح صوری و تجربی ، روش علمی ،
متغیر، تعریف عملیاتی ، تکرارپذیری ، رفتار ، شناخت ، پردازش ادراکی ، پردازش
مفهومی ، دستگاه عصبی، مشاهده ، مصاحبه ، پرسش نامه ، آزمون.



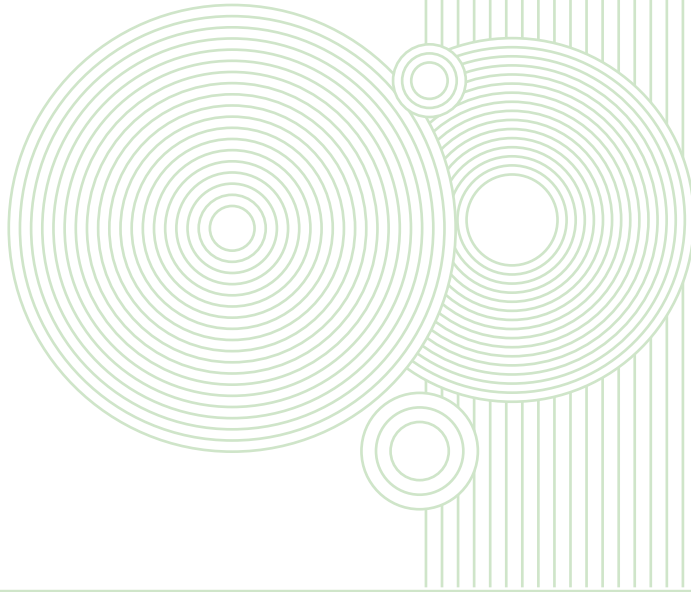
روان شناسی رشد

۲



از دانش آموز انتظار می‌رود در پایان این درس بتواند:

- ۱ با گردآوری اطلاعات و شواهدی در ارتباط با ویژگی‌های رشد در خود و دیگران تعریفی از روان‌شناسی رشد به زبان خود بیان کند.
- ۲ با بررسی دو تصویر از کودکی و نوجوانی خود ابعاد و فرایندهای رشد (وجه اشتراک و تفاوت) آنها را مشخص کند.
- ۳ اهمیت برخی دوره‌ها و برخی ابعاد رشد را با توجه به نقش آنها در زندگی به شکل اجمالی گزارش کند.
- ۴ رشد و شکل‌گیری هویت در دوره نوجوانی و ضرورت کسب هویت در این دوره را به اختصار تبیین کند.



مقدمه

ندا با مادرش، برای ثبت نام در کلاس اول، به مدرسه آمده است. مدیر مدرسه از مادر می‌پرسد: «دختر شما چند ساله است؟» مادر جواب می‌دهد: «شش ساله». سپس می‌پرسد: دختر شما سنجش شده است؟ مادر خیلی ناراحت می‌شود و می‌گوید: «دختر من برای رفتن به مدرسه و یادگیری خواندن و نوشتن چه سنجشی لازم دارد؟ معلوم است که الان چیزی بلد نیست.» در حین حرف زدن مادر، مدیر نیم نگاهی هم به دختر بچه دارد و احساس می‌کند او در حال بیرون کشیدن دست خود از دست مادر است. بنابراین می‌گوید: «ندا جان خسته شدی؟ عزیزم می‌خواهی شما پشت میزی که مداد رنگی و دفتر نقاشی دارد بنشیننی و نقاشی بکشی؟» ناگهان ندا شروع به گریه کردن و جیغ زدن می‌کند و به گفت‌وگوی مادر و مدیر مدرسه خاتمه می‌دهد.

به نظر شما چه اتفاقی برای ندا افتاد؟ منظور مدیر مدرسه از سنجش چه بود؟ آیا ندا آمادگی رفتن به مدرسه و تحصیل را داشت؟ آیا رفتن به مدرسه و تحصیل نیاز به آمادگی دارد؟ روان‌شناسی رشد^۱، به عنوان یکی از گرایش‌های روان‌شناسی، به این گونه سؤالات پاسخ می‌دهد.

۱- Developmental Psychology

تعریف روان‌شناسی رشد

آیا تاکنون به ویژگی‌های مشترک خودتان با دیگر افراد خانواده، از بزرگ‌ترین فرد مثل پدربزرگ تا کوچک‌ترین فرد تازه به دنیا آمده فکر کرده‌اید؟ سؤال آن است که این افراد چه ویژگی‌های متفاوت یا مشابهی دارند؟ آیا می‌توان پیش‌بینی کرد جنین در آینده چه صفاتی خواهد داشت؟ خود شما نسبت به یک سال، سه سال و شش سال گذشته چه تغییراتی کرده‌اید؟ در سال‌های آینده در زمان تحصیل یا بعد از آن در مرحله ازدواج و هنگام مادر و پدر شدن چه تغییراتی خواهید داشت؟ دوره سالمندی شما چگونه خواهد بود؟ به عبارت دیگر آیا می‌توان تغییراتی را که در طول زندگی رخ می‌دهد شناسایی و پیش‌بینی کرد؟



شناسایی و پیش‌بینی تغییرات در طول زندگی که به آن «فراخوانی زندگی»^۱ نیز گفته می‌شود، مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است. روان‌شناسی رشد، شاخه‌ای از علم روان‌شناسی است که تلاش می‌کند تغییراتی را که در طول

زندگی، از زمان تشکیل نطفه تا زمان مرگ، در آدمی رخ می‌دهد مطالعه کند. مهم است که بدانیم این تغییرات از چه نوعی است؛ به‌طور مثال شما می‌دانید نسبت به گذشته تغییر کرده‌اید و در شش سال گذشته به‌طور کلی چیز متفاوتی بودید؟ اما سؤال این است که برای شناخت بهتر این تفاوت کلی آیا می‌توان این تغییرات را طبقه‌بندی کرد؟ تغییرات شما نسبت به گذشته کدام است؟ قد شما بلندتر شده؟ مطالب بیشتری فرا گرفته‌اید؟ مسائل را بهتر حل می‌کنید؟ کم‌حوصله‌تر و هیجانی‌تر شده‌اید؟ اجتماعی‌تر شده‌اید؟

در پاسخ به پرسش‌های فوق می‌توان جنبه‌های مختلف انسان را از یکدیگر تفکیک کرد؛ جنبه‌های جسمانی (بلند شدن قد)، شناختی (حل مسائل)، هیجانی (ابراز خشم)، اجتماعی (روابط با همسالان) و اخلاقی (رعایت حقوق دیگران) بر همین اساس، روان‌شناسی رشد دامنه گسترده‌ای از حیطه‌های رشد جسمانی، شناختی، هیجانی، اجتماعی و اخلاقی در فراخوانی زندگی فرد را شامل می‌شود.

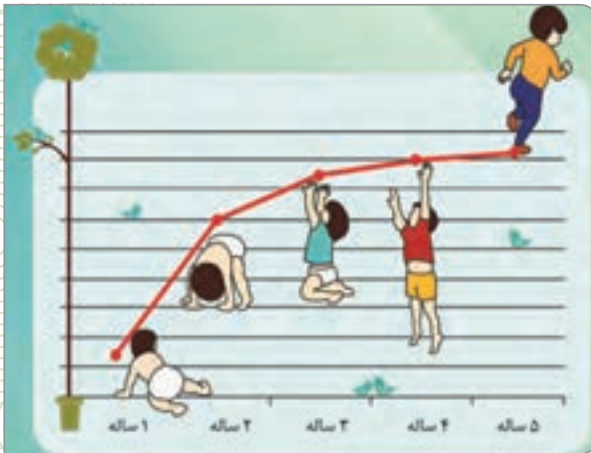
سؤال

در چه سنی دوچرخه‌سواری را یاد گرفتید؟ آیا این مهارت در نتیجه تغییرات رشدی حاصل شده است، یا با تمرین و آموزش مکرر؟

عوامل مؤثر بر رشد

آیا تاکنون به شما گفته شده چقدر شبیه پدر یا مادر خود هستید؟ یا اینکه شما و پدرتان مثل سببی هستید که از وسط نصف شده باشد؟ اندازه تفاوت خود با دوستان و هم‌کلاسی‌هایتان را درک کرده‌اید؟ به تفاوت ظاهر جسمانی و خصوصیات رفتاری و اخلاقی خود با دیگران پی برده‌اید؟ به نظر شما علت این تشابه‌ها و تفاوت‌ها چیست؟ آیا هر فردی از ابتدای تشکیل نطفه خصوصیات ثابتی به دست می‌آورد یا برای شکل‌گیری خصوصیات در افراد به آموزش و محیط‌های مناسب نیاز است؛ مثلاً یکی از هم‌کلاسی‌های شما بلندقد است دلیل آن تغذیه مناسب و ورزش است یا بلند قامت بودن پدر و مادرش، به گونه‌ای که این ویژگی موروثی در زمان مناسب در طول دوره رشد بروز کرده است؟ پاسخ به سؤال‌های فوق آسان است، اما به مطالب زیر به راحتی نمی‌توان پرداخت: علی بسیار فعال و زود جوش است و دوستان زیادی دارد، اما احمد در کلاس تا از وی سؤال نشود حرف نمی‌زند و دوستانش بسیار محدود و در گروه دوستان هم کم حرف است.

روان‌شناسان رشد معتقدند ویژگی‌های افراد و تغییراتی که در طول دوره زندگی، از دوره جنینی تا دوره سالمندی، در افراد رخ می‌دهد می‌تواند معلول دو دسته عوامل زیستی و محیطی باشد.



فعالیت ۱-۲

با توجه به اشعار زیر مشخص کنید کدام یک به عامل زیستی و کدام به عامل محیطی اشاره دارد:

● زینهار از قرین بد زینهار و قِنَا رَبَّنَا عَذَابَ النَّارِ

.....

● پرتو نیکان نگیرد هر که بنیادش بد است تربیت ناهل را چون گردکان برگنبد است

.....

● عاقبت گرگ زاده گرگ شود گرچه با آدمی بزرگ شود

.....

● با سیه دل چه سود گفتن وعظ نرود میخ آهنین در سنگ

.....

● پسر نوح با بدان بنشست خاندان نبوتش گم شد

سگ اصحاب کهف روزی چند پی نیکان گرفت و مردم شد

.....

● گلی خوشبوی در حمام روزی رسید از دست محبوبی به دستم

بدو گفتم که مشکى يا عبیری که از بوی دلاویز تو مستم

بگفتا من گلی ناچیز بودم ولیکن مدتی با گل نشستم

کمال همنشین در من اثر کرد و گرنه من همان خاکم که هستم

.....

(سعدی)

عوامل وراثتی

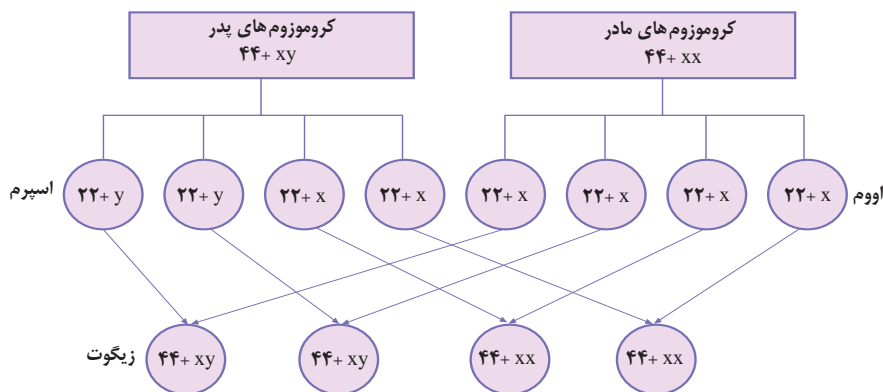
تاکنون برادر یا خواهر دوقلو دیده‌اید؟ آیا به هم شبیه بودند؟ شباهت آنها فقط در دوره نوزادی و کودکی بوده است یا به موازات رشد به هم شبیه‌تر شده‌اند؟ شباهت‌های دوقلوها از لحاظ ظاهری بود یا رفتاری؟ شاید دوقلوهایی را دیده باشید که نه تنها هم‌جنس بودند (یعنی هر دو دختر و یا هر دو پسر بودند) بلکه از لحاظ ظاهر و رفتار هم بیشتر اوقات قابل تشخیص نبودند. به این دوقلوها، **دوقلوی همسان** می‌گویند. دوقلوهای همسان دارای ویژگی‌های وراثتی یکسان هستند؛ زیرا هر دو از یک تخمک به وجود آمده‌اند. برخی دوقلوها را **ناهمسان** می‌نامند؛ یعنی از دو تخمک جدا به وجود آمده‌اند.



دوقلوهای ناهمسان



دوقلوی همسان



وراثت به عنوان یک عامل زیستی مؤثر بر رشد شناخته شده است. عوامل زیستی، ایجادکننده صفاتی هستند که از قبل در فرد نهفته است. برخی از این صفات از بدو تولد در رفتار نوزاد ظاهر می‌شود؛ مثلاً نوزادی را در نظر بگیرید که در هفته اول تولدش تمام بستگان و اطرافیان تلاش می‌کنند تشخیص دهند از لحاظ ظاهری شبیه به کیست؟ پدر، مادر، مادر بزرگ و ... ؟

بروز برخی صفات دیگر نیازمند گذر زمان است و در شرایط خاص ظهور می‌کند؛ مثلاً درباره همان نوزاد می‌شنوید که اطرافیان می‌گویند: خدا کند مثل پدرش باهوش یا مثل دایی‌اش خوش اخلاق باشد! سؤال این است که آیا از همان ابتدای تولد معلوم است نوزاد مورد نظر ما در چه سنی راه می‌افتد و یا آمادگی حرف زدن و یا قلم به دست گرفتن پیدا می‌کند؟ یعنی برای راه افتادن، حرف زدن و یا آموختن خواندن و نوشتن یک آمادگی خاص نهفته لازم است تا کودک شروع به حرف زدن و یا خواندن و نوشتن بکند؟

در روان‌شناسی به رفتارهایی که وابسته به آمادگی زیستی است «**ریشش یا پختگی**»^۱ گویند. ریشش یا پختگی به معنای آمادگی زیستی است که خود دارای برنامه رشد طبیعی و منظمی است. براساس فرایند ریشش، آدمی، از دوره جنینی تا مرگ، برخی خصوصیات را در جنبه‌های مختلف رشد نشان خواهد داد. مثلاً از لحاظ رشد جسمانی به‌طور میانگین، کودک در ۱۵ ماهگی بدون کمک می‌تواند راه برود یا به‌طور میانگین، نوجوان در ۱۱ تا ۱۴ سالگی به بلوغ می‌رسد. از آنجا که وراثت نقش تعیین‌کننده‌ای در ریشش یا آمادگی زیستی افراد برای تغییرات دارد، در بسیاری از موارد با توجه به بررسی خصوصیات افراد فامیل نزدیک و دور می‌توان احتمال وقوع برخی از ویژگی‌های رفتاری و شناختی را در دامنه‌های سنی خاص پیش‌بینی کرد.



بزرگسالی



۱- ریشش اسم مصدر «ریشیدن» است مانند گمارش، گزینش maturation - ۱

عوامل محیطی



متخصصان رشد معتقدند علاوه بر عوامل زیستی، عوامل محیطی نیز در تغییرات رشدی مؤثر هستند. عوامل محیطی در بیرون از فرد وجود دارد و بر بروز تغییرات در جنبه‌ها و در مراحل مختلف رشد تأثیرگذار

است. **یادگیری** یکی از مهم‌ترین عوامل محیطی است که بر روی تغییرات رشدی تأثیر بسزایی دارد. بسیاری از توانمندی‌های جسمانی و شناختی به موازات افزایش سن در کودکان از طرق مختلف به یادگیری نیاز دارد؛ مثلاً با افزایش سن، تعداد لغاتی که کودکان می‌توانند به زبان بیاورند افزایش می‌یابد، به شرطی که کودکان در محیط خود این لغات را به صورت مکرر شنیده باشند و امکان یادگیری این لغات برای آنها فراهم شده باشد.

سؤال

۱ در یک خانواده پرجمعیت و خانواده تک فرزند همه کودکان در سن یکسانی شروع به صحبت می‌کنند. اما در خانواده پرجمعیت، کودک لغات بیشتری می‌آموزد. به نظر شما علت این تفاوت چیست؟

۲ کدام یک از عوامل زیستی یا محیطی باعث ایجاد تفاوت شده است؟

مراحل مهم رشد در «فراخوانی زندگی»

آیا به خاطر دارید هفت سال پیش قد شما چند سانتی‌متر بود؟ چند هزار کلمه بلد بودید؟ چند نفر را می‌شناختید؟ چند مسئله ریاضی را می‌توانستید حل کنید؟ الان احساس می‌کنید چقدر تغییر کرده‌اید؟ از اندازه قد، تعداد لغاتی که بلد هستید و یا تعداد افرادی که در زندگی خود می‌شناسید و یا مسائلی که می‌توانید حل کنید چقدر آگاهی دارید؟ آیا تغییر در تعداد آنها است یا ویژگی‌های شما تغییر اساسی و کیفی کرده است؟ ویژگی‌های مربوط به رشد انسان را به دلیل پیوستگی رشد، نمی‌توان به راحتی به مراحل مشخص تقسیم کرد، اما امروزه اکثر روان‌شناسان رشد، به رشد مرحله‌ای اعتقاد دارند. بر همین اساس، ابعاد مختلف رشد در طول زندگی یا فراخوانی زندگی، به مراحل مختلف تقسیم می‌شود.



فعالیت ۲-۲

شما تاکنون حدود ۱۷ سال از زندگی خود را پشت سر گذاشته‌اید. سعی کنید سال‌های طی شده را به مراحل مختلف تقسیم کنید. ملاک تقسیم‌بندی شما چیست؟ تفاوت عمده مرحله کنونی شما با مرحله‌ای که دانش‌آموز سال اول ابتدایی بودید چیست؟ ملاک تقسیم‌بندی خود را با دیگر دوستان مقایسه کنید. برای تکمیل اطلاعات خود می‌توانید به مجلات و شبکه‌های مجازی مراجعه و مراحل خود را اصلاح کنید.

عمر انسان به سه دوره کودکی (طفولیت از تولد تا دو سالگی، کودکی اول از دو سالگی تا هفت سالگی و کودکی دوم هفت تا دوازده سالگی)، نوجوانی و بزرگسالی (جوانی، میان‌سالی و پیری) تقسیم می‌شود.



جدول ۱-۲- مراحل رشد انسان

دوره زندگی	دامنه سنی
۱- طفولیت	دو سال اول زندگی
۲- کودکی اول (قبل از دبستان)	۲ تا ۷ سالگی (برخی کودکان ۱ تا ۳ ساله را که تازه راه می‌افتند، «نوپا» می‌نامند.)
۳- کودکی دوم	۷ تا ۱۲ سالگی (تا شروع بلوغ جنسی)
۴- نوجوانی	۱۲ تا ۲۰ سالگی (برخی پایان نوجوانی را زمانی می‌دانند که فرد شروع به کار کند و از والدین مستقل شود.)
۵- جوانی (بزرگ سالی اول)	۲۰ تا ۴۰ سالگی
۶- میان سالی (بزرگ سالی دوم)	۴۰ تا ۶۵ سالگی
۷- پیری	۶۵ سال به بالا

در اسلام مراحل رشد انسان، تا ۲۱ سالگی، به سه مرحله تقسیم می‌شود. پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: کودک هفت سال آقا و سرور است و هفت سال فرمانبردار و هفت سال وزیر و مشاور است.^۱ در هفت سال اول باید آزاد باشد که بازی کند. باید عواطف و احساسات صحیح او را رشد داد و با رفتار خوب و گفتار پسندیده او را پرورش داد و بدون توقع اطاعت از او، سعی کرد که با عمل و گفتار صحیح از حس تقلیدش بهره گیرد.

در هفت سال دوم کم‌کم باید زشتی‌ها و زیبایی‌ها را به او فهماند و در تأدیب او کوشش کرد و او را به ارزش‌ها و دوری از زشتی‌ها رهنمون ساخت.

در هفت سال سوم باید با او به منزله مشاور رفتار کرد. دیگر نباید به صورت آمرانه با او رفتار شود. باید وی را چون عضو بزرگ خانواده دانست و مانند دیگران او را در تصمیم‌گیری‌ها دخالت داد.

۱- الولد سید سبع سنین و عبد سبع سنین و وزیر سبع سنین.

ویژگی های رشد در دوره قبل از تولد

رشد انسان از زمان تشکیل نطفه شروع می شود. وقتی اسپرم پدر، تخمک مادر را بارور می کند، نطفه تشکیل می شود. تخمک بارور شده طبیعی دارای ۴۶ کروموزوم است (۲۳ کروموزوم از مادر و ۲۳ کروموزوم از پدر). از طریق همین کروموزوم ها و ژن های روی آنها است که صفات به ارث برده می شوند.

عواملی همچون سن مادر، کیفیت تغذیه، فشار روانی، آلودگی محیط، حالت های هیجانی، آرامش به ویژه ارتباط معنوی با خالق هستی و استفاده از داروها بر چگونگی رشد قبل از تولد تأثیر دارد.

فعالیت ۲-۳

آیا تاکنون درباره آثار مخرب عوامل شیمیایی بر جنین در جنگ های مختلف شنیده اید؟ با مراجعه به منابع اطلاعاتی (مجلات و شبکه های مجازی) یک تصویر مربوط به این موضوع و توضیح آن را با خود به کلاس بیاورید و درباره آن بحث کنید.

ویژگی های رشد در دوره کودکی



منظور از رشد در دوره کودکی، از زمان تولد تا ۱۱-۱۲ سالگی است. رشد در دوره کودکی با سرعت و تغییرات بسیاری همراه است. بسیاری بر این باورند که روان شناسی رشد فقط خصوصیات دوره کودکی را بررسی می کند، در حالی که روان شناسی رشد، مطالعه علمی انسان از زمان انعقاد نطفه تا پایان زندگی اوست. این دوره سنی، نسبت به سایر دوره های بعدی رشد، اهمیت زیادی دارد. امام صادق علیه السلام در یک حدیث زیبا در ارتباط با کودک می فرماید: «آدمی اگر در سنین کودکی آموخت، صالح و رستگار می شود و گرنه دیگر در او خیری نیست».

و در جای دیگری حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «هرکسی در کودکی تعلیم نبیند، در بزرگی به مقام ارجمندی نمی رسد».

📍 رشد جسمانی - حرکتی در کودکی

به نظر شما منظور از «رشد جسمانی» چیست؟ اگر وزن نوزاد پس از گذشت ۶ ماه از تولد دو برابر و پس از پایان سال اول ۳ برابر شود و قد وی نسبت به تولد بلندتر شود، می گوییم رشد جسمانی رخ داده است؟ آیا تغییرات در اعضای بدن (مثل افزایش وزن مغز و یا استحکام استخوان ها) نیز رشد جسمانی محسوب می شود؟



ابتدایی ترین و شاخص ترین جنبه رشد، رشد جسمانی - حرکتی^۱ است. از زمان تولد تا نوجوانی، رشد جسمانی- حرکتی با سرعت و تغییرات بسیاری همراه است.



چهار دست و پا راه رفتن



سینه خیز رفتن نوزاد

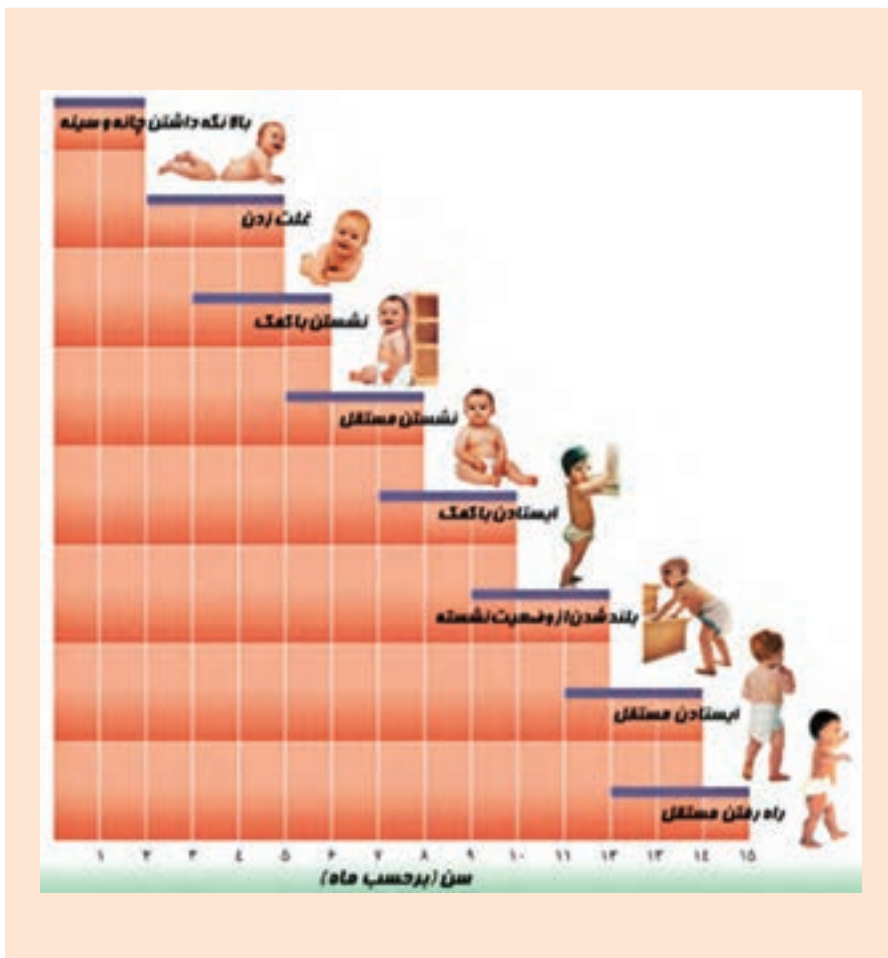


۱۰ سالگی



۳ سالگی

۱- Physical-Motor Development



کودکان در ابتدا قادر به حرکات درستی همچون بالا رفتن از پله‌ها هستند سپس مهارت حرکات ظریف همچون بستن بند کفش را به دست می‌آورند.



○ رشد شناختی^۱ در دوره کودکی

رشد شناختی جنبه مهم دیگری از حیطه‌های رشد در دوره کودکی است. رشد شناختی، به رشد توانایی‌های مرتبط با فرایندهایی همچون توجه، ادراک، حافظه، استدلال، قضاوت، حل مسئله، تصمیم‌گیری و توانایی‌های زبانی کودک اطلاق می‌شود؛ مثلاً تصور کنید شیشه شیر کودک شش ماهه‌ای را جلوی چشم وی پشت سرمان پنهان کنیم. در این حالت کودک برای برداشتن شیشه شیر خود چه می‌کند؟

○ سؤال

با توجه به آشنایی شما با انواع پردازش (مفهومی، ادراکی) چرا کودکان قبل از دبستان، هدایای بزرگ کم ارزش را بر هدایای کوچک پر ارزش ترجیح می‌دهند؟



کودکان تحت تأثیر ویژگی ظاهری اشیاء قرار می‌گیرند. تصور کنید می‌خواهیم $\frac{1}{4}$ لیتر شیر را در دو لیوان با حجم مساوی بریزیم. یکی از لیوان‌ها بلند و باریک است و دیگری پهن و کوتاه. شیر را به مقدار مساوی در هر دو لیوان می‌ریزیم و مقابل کودک ۴ یا ۵ ساله قرار می‌دهیم و از او می‌خواهیم یکی را انتخاب کند. به نظر شما کدام لیوان را ترجیح می‌دهد؟ چرا؟

۱- Cognitive Development

سؤال

عوامل محیطی در تسلط کودکان بر لغات تأثیر بسزایی دارد. یکی از مهم‌ترین عوامل محیطی، اسباب‌بازی است. به نظر شما چه عوامل محیطی دیگری در رشد زبانی دوره کودکی مؤثر است؟

رشد هیجانی در دوره کودکی

رضا سه ساله است و اصرار دارد که همه کارها را خودش انجام دهد و اگر به خواسته‌اش عمل نکنیم، به راحتی خشمگین می‌شود. در عین حال رضا به والدین و اطرافیان ابراز محبت می‌کند و وقتی با لحنی آرام و محکم در مورد مسائلی که باعث خشم وی و ناراحتی دیگران شده است با او صحبت می‌کنیم، نظر مخالف را قبول می‌کند و حس آرامش در وی ایجاد می‌شود. اصرار بر خواسته، خشمگین شدن، ابراز محبت و حس آرامش داشتن، همگی، شکل‌های مختلف هیجان است.

رشد هیجانی^۱ در کودکی، فرایندی پیچیده است که نه تنها مستلزم آگاهی از هیجانات خود کودک، بلکه مستلزم آگاهی از هیجانات اطرافیان اوست؛ مثلاً وقتی پای کودکی دو ساله به طور تصادفی به لیوان می‌خورد و لیوان می‌شکند، مادر با تعجب فریاد می‌زند: چرا لیوان شکست؟ ممکن است کودک این فریاد را به عنوان نشانه هیجان مثبت درک کند و حتی ممکن است دوباره رفتار شکستن را تکرار کند تا این هیجان یا توجه را از طرف مادر دریافت کند. بنابراین بروز این هیجان، مشروط به آگاهی فرد و رابطه دو طرفه کودک با مادرش بوده است. کودکان، با دریافت واکنش دیگران، به هیجانات خود جهت می‌دهند.

رشد هیجانی در دوره کودکی، معطوف به سه هیجان ساده ترس، خشم و محبت است. با توجه به رشد آگاهی کودکان از هیجان‌های مختلف و واکنش اطرافیان (به خصوص واکنش مادر) سه هیجان فوق به هیجان‌های مرکب دیگر، همچون احساس پشیمانی، سپاسگزاری و ترحم تعمیم می‌یابد.



۱- Emotional Development

سؤال

حیوانات هم مانند انسان‌ها هیجان‌های خود را بروز می‌دهند. به نظر شما در کدام یک از هیجان‌ها (ساده و مرکب) انسان با حیوان مشترک است؟ چرا؟



رشد هیجانی در کودکان نسبت به حیوانات، به دلیل آگاهی بیشتر و برقراری تعامل با محیط بازتر و متنوع‌تر، رشد یافته‌تر است.

رشد اجتماعی در دوره کودکی

انسان موجودی اجتماعی است و از بودن با دیگران لذت می‌برد. آگاهی انسان از این ویژگی مهم در فرایند رشد، به تدریج حاصل می‌شود و او را اجتماعی‌تر می‌کند. بسیاری از کودکان در سنین اولیه دوره کودکی در کنار همدیگر بازی می‌کنند، ولی هر کودک به بازی انفرادی خود می‌پردازد. بازی همین کودکان در سنین بالاتر قاعده‌مند می‌شود و مشترکاً بازی می‌کنند. این تغییر، بیانگر رشد اجتماعی^۱ آنهاست.

یکی از ابتدایی‌ترین علائم رشد اجتماعی در کودکان، لبخند اجتماعی است که در حدود ۲-۳ ماهگی بروز می‌یابد. ترس از غریبه نیز در ۸-۷ ماهگی رخ می‌دهد.

فعالیت ۲-۴

به این تصاویر نگاه کنید.
چه تفاوتی در رفتار کودکان می‌بینید؟
به نظرتان کدام یک رشد اجتماعی بیشتری دارند؟ چرا؟



۱- Social Development

برخی از رفتارهای اجتماعی کودک در جدول ۲-۲ نشان داده شده است.

جدول ۲-۲

اولین علامت رشد اجتماعی در ۳-۲ ماهگی لبخند اجتماعی است.	۳-۲ ماهگی
ترس از غریبه در ۸ ماهگی است. بازی‌های موازی در ۴ یا ۵ سالگی است. در این بازی‌ها کودکان علاقه‌مندند در کنار یکدیگر باشند، ولی به تنهایی بازی کنند.	۸ ماهگی
کودکان در دوره دبستان با یکدیگر بازی‌های گروهی می‌کنند، و علاقه خاصی به بازی با هم‌جنسان خود دارند. جمله معروف آنها (دخترها با دخترها و پسرها با پسرها) را همگی شنیده‌ایم.	دوره دبستان

○ رشد اخلاقی در دوره کودکی

آیا راست‌گویی، کمک به دیگران، احترام به بزرگ‌ترها، انجام دادن کارهای خوب و پرهیز از کارهای بد، نمونه‌هایی از رفتار اخلاقی است؟ تشخیص اینکه چه کاری خوب و چه کاری بد است به رشد نیاز دارد.

○ سؤال

به این مثال توجه کنید: مریم ۵ ساله است. مادرش یک کیک خوشمزه برای او و برادرش پخته و آن را در یخچال قرار داده است. مریم، علاوه بر سهم خودش، سهم برادرش را هم می‌خورد، آیا کار مریم اخلاقی است؟ چرا؟

در تبیین فرایند رشد اخلاقی^۱ می‌توان گفت که کودکان در ابتدا، هیچ تصویری از کار خوب و بد ندارند؛ به همین دلیل مسئول رفتار خود نیستند و عنصر اخلاقی به حساب نمی‌آیند. برای تبدیل شدن به عنصر اخلاقی باید یک فرایند تدریجی و پیچیده طی شود. رشد اخلاقی دربرگیرنده آن دسته از قوانین و مقررات اجتماعی است که تعیین می‌کنند انسان‌ها در رابطه با دیگران چگونه باید رفتار کنند. به عبارت دیگر منظور از رشد اخلاقی در اینجا همان انجام عمل اخلاقی است، هر چند ممکن است دلیل انجام عمل اخلاقی متفاوت باشد؛ مثلاً ممکن

۱ - Moral Development

است یک کودک ۶ ساله کاری را اخلاقی بداند که دوستش را خوشحال می‌کند، در حالی که وقتی بزرگ می‌شود کار اخلاقی را به دلیل درستی آن انجام می‌دهد نه صرفاً برای خوشحال کردن دوستش.

فعالیت ۲-۵

به دو مثال زیر توجه کنید.
مینا ۶ ساله است و برای رفع گرسنگی به سراغ قفسه‌های بالایی آشپزخانه می‌رود و بدون اجازه مادر مقداری شکلات برمی‌دارد. هنگام پایین آوردن دستش، یک فنجان می‌شکند.
برادر دوقلوی مینا برای کمک به مادرش ناگهان دستش به سینی فنجان‌ها می‌خورد و سه فنجان را می‌شکند.
عمل کدام یک از اینها اخلاقی نیست؟ این دو مثال را برای دو کودک ۶-۵ ساله تعریف و پاسخ را یادداشت کنید و به کلاس ارائه دهید.

ویژگی‌های رشد در دوره نوجوانی



همه ما به راحتی به یاد می‌آوریم که در دوره‌ای از رشد به‌طور ناگهانی تغییرات زیادی را تجربه کرده‌ایم. به یکباره موتورخانه‌ای در جسم و روان ما روشن شد و انرژی قوی و خاصی را وارد بدن ما کرد و در نتیجه این انرژی در بسیاری از حیطه‌های جسمی و روانی، مثل توانمندی‌های عقلانی و شناختی، هیجانی و اجتماعی، متفاوت شدیم. دیگر بچه نبودیم، ولی مثل آدم‌های بزرگ هم نبودیم. این دوره، همان دوره نوجوانی ما بوده است.

سؤال

آیا شما این احساس را تجربه کرده‌اید که به‌طور ناگهانی تغییراتی در شما رخ دهد؟ در چه سنی؟

دوره بعدی رشد، نوجوانی^۱ است. دوره نوجوانی میان دورهٔ کودکی و بزرگسالی قرار دارد. نوجوان در این دوره نه تنها با تغییراتی در حیطه‌های مختلف رشد روبه‌رو می‌شود، بلکه در انتهای این دوره باید به پختگی برسد و شبیه بزرگسالان عمل کند. از دوازده سالگی تا ۲۰ سالگی را با نام دوره نوجوانی می‌شناسیم. تغییرات در این دوره اهمیت زیادی دارند. در ادامه درباره ابعاد مختلف رشد نوجوانی بحث می‌کنیم.

رشد جسمانی و بلوغ جنسی در دوره نوجوانی

نوجوانان بسیاری هستند که شروع نوجوانی را برای خود شروع یک بحران می‌دانند. آنها می‌گویند به یک‌باره احساس کردم بینی من خیلی بزرگ شده، یا می‌گویند با اینکه خوشحال بودم که در حال قد کشیدن هستیم، ولی بی‌قوارگی و عدم تناسب در قد را احساس می‌کردم. نوجوانی دوره‌ای است که با شدیدترین و گسترده‌ترین تغییرات زیستی همراه است. حوزه‌های اساسی رشد جسمانی، که در این دوره دستخوش تغییر می‌شوند، عبارت‌اند از: قد و وزن، رشد استخوانی و عضلانی، رشد مغز و سیستم عصبی، رشد اندام‌های داخلی و تغییراتی که در هنگام بلوغ روی می‌دهند.



فعالیت ۲-۶

شما دانش‌آموزان، به لحاظ سن، در دوره نوجوانی قرار دارید. در این دوره تغییرات متعددی را در خود مشاهده کرده‌اید.

حسن: احساس غرور کردم.

حسین: فکر کردم آدم دیگری شده‌ام.

علی: احساس خجالت می‌کنم؛ قدم بی‌قواره بزرگ شده است.

شما هم، مانند مثال‌های فوق، تغییرات جسمانی و احساسات خودتان را بنویسید.

۱- Adolescence

یکی از ویژگی‌های رشد در دوره نوجوانی، ناگهانی بودن آن است؛ یعنی اندازه بدن به سرعت افزایش می‌یابد و تناسب بدن به سرعت تغییر می‌کند. این تغییرات در اغلب اجزای بدن دیده می‌شود. وزن و قد نوجوان افزایش می‌یابد. در حدود یک سال پس از افزایش قد و وزن، ماهیچه‌ها رشد بیشتری می‌کنند.

از نظر فیزیولوژیک، در دوره نوجوانی اندام‌های داخلی بدن نیز رشد قابل توجهی دارند؛ به طوری که اندازه و ظرفیت شش سه برابر و اندازه قلب دو برابر قبل می‌شود و حجم کلی خون افزایش پیدا می‌کند. این تغییرات باعث می‌شود نوجوانان احساس توانمندی زیادی کنند.

رشد دستگاه تولید مثل، تغییر اساسی دوره نوجوانی است که با بلوغ جنسی رخ می‌دهد. منظور از بلوغ جنسی، مرحله‌ای است که در آن رشد جنسی رخ می‌دهد. منظور از رشد جنسی وقوع تغییرات مربوط به جنس است. برجسته‌ترین تغییرات مربوط به جنس در نوجوانی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱- تغییراتی که بر توانایی تولیدمثل تأثیر می‌گذارند که آنها را «ویژگی‌های جنسی اولیه» می‌نامند؛ یعنی ویژگی‌هایی که به طور مستقیم در تولیدمثل نقش دارند؛ ۲- تغییراتی که جزئی از علائم رشد و قابل رؤیت‌اند و آنها «ویژگی‌های ثانویه» نامیده می‌شوند مثل رویش موی صورت در پسران.



○ رشد شناختی در دوره نوجوانی



هرچند در بیان تغییرات دوره نوجوانی، به ویژگی‌های جسمانی اشاره می‌شود، اما واقعیت این است که تغییرات شناختی دوره نوجوانی شگفت‌آور است. یکی از این تغییرات، بروز قوه استدلال در نوجوانان است. برای اولین بار در این دوره، تفکر فرضی شکل می‌گیرد؛ به این معنا که

نوجوانان فرضیه‌سازی می‌کنند و در پیش‌بینی یک موقعیت، از تفکر احتمال‌گرا بهره می‌برند؛ در حالی که مبنای استدلال در دوره کودکی، واقعیت‌های ملموس و بیرونی است. مادر رامین، مبلغی را به رامین سیزده ساله و برادرش امین هفت ساله می‌دهد و از آنها می‌خواهد تا برای خرید نمک به مغازه نزدیک منزلشان بروند. هنگام خروج از منزل به مادرشان می‌گویند:

امین: چشم مامان. همین الان سریع می‌روم و بعد از خرید برمی‌گردم.
رامین: چشم مامان. اگر بسته بود چکار کنم؟

تفاوت تفکر رامین و امین آشکار است. رامین چیزی را احتمال می‌دهد که امین هرگز به آن نمی‌اندیشد. به این ویژگی شناختی، تفکر احتمال‌گرا می‌گویند.

توجه نوجوانان، در مقایسه با کودکان، گزینشی‌تر است؛ به این معنا که بر اطلاعات مرتبط متمرکز می‌شوند و با ضرورت‌های تکلیف‌مورد نظر، بهتر سازگار می‌شوند.

پردازشگران، به منظور تمرکز بیشتر، باید قدرت **بازداری** یا **منع محرک‌های نامرتب و بازداری** پاسخ‌های آموخته شده مناسب را داشته باشند. این تحول در دوره نوجوانی شکل می‌گیرد و بعدها به رشد کامل می‌رسد. کودکان چنین مهارتی را ندارند.

شما در فصل مربوط به «حافظه» با روش‌های مختلفی آشنا خواهید شد که برای کمک به حافظه مفید است. نوجوانان بهتر از کودکان قادر به رمزگردانی، اندوزش و بازیابی اطلاعات هستند. یکی از تفاوت‌های مهم دوره نوجوانی با دوره کودکی این است که نوجوانان به دنبال چگونگی تقویت حافظه خود هستند؛ به عبارت دیگر می‌خواهند چگونگی به حافظه سپردن

اطلاعات را فرا بگیرند. به این نوع مهارت آموزشی «فراحافظه» می‌گویند. این تلاش در دوره کودکی وجود ندارد.

نوجوانان، برخلاف کودکان، قادر به نظارت، ارزیابی و تغییر جهت تفکر لحظه به لحظه هستند، در حالی که کودکان بر استدلال‌ها، قضاوت‌ها و تصمیم‌هایشان اشراف ندارند. سرعت تفکر در دوره نوجوانی افزایش می‌یابد؛ در نتیجه، در یک لحظه اطلاعات بیشتری در حافظه آنها نگه داشته می‌شود. نوجوانان، برخلاف کودکان، قادر به ظرفیت‌سازی حافظه خود هستند.

مطالب فصل اول درباره پردازش ادراکی و مفهومی‌را به خاطر آورید. کودکان براساس پردازش ادراکی، یعنی ویژگی‌های حسی و فیزیکی، عمل می‌کنند؛ مثلاً مفید بودن یک کالا را به اندازه و رنگ آن نسبت می‌دهند، در حالی که پردازش غالب نوجوانان، مفهومی‌است. نوجوانان فایده‌مندی یک کالا را براساس ماندگاری، کیفیت و ... می‌سنجند.

هر چند نوجوانان، در مقایسه با کودکان، رشد فزاینده‌ای در توانایی‌های شناختی دارند، اما در نحوه به‌کارگیری این توانایی‌ها، پختگی لازم را ندارند و تغییرات شناختی نوجوانان باعث پیامدهای ناسازگارانه‌ای می‌شود. در جدول ۲-۳ برخی از این پیامدها آمده است.

جدول ۲-۳- پیامدهای تغییرات شناختی نوجوانان و توصیه پیشنهادی

توصیه	پیامد تغییرات شناختی
بهبتر است در حضور دیگران از نوجوانان عیب‌جویی نشود.	حساسیت نسبت به انتقاد دیگران
باید ویژگی‌های منحصر به فرد نوجوانان را پذیرفت تا در زمان مناسب دیدگاه متعادل‌تری ایجاد شود.	احساس منحصر به فرد بودن اغراق‌آمیز
باید به نوجوانان کمک کرد تا دریابند جوامع و افراد، آمیزه‌ای از محاسن و معایب هستند.	آرمان‌گرایی و عیب‌جویی
به جای نوجوانان تصمیم‌گیری نشود. تصمیم‌گیری کارآمد، الگوی تصمیم‌گیری نوجوانان باشد.	مشکل در تصمیم‌گیری روزمره

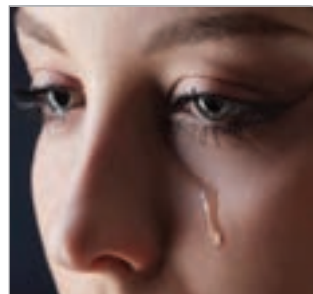
سؤال

آیا شما غیر از موارد مذکور، خصوصیات شناختی و تفکر دیگری، در شروع نوجوانی و هم‌اکنون، در خود احساس می‌کنید؟ توضیح دهید.

رشد هیجانی در دوره نوجوانی

سارا ۱۴ ساله است و بیشتر اوقات احساس می‌کند نمی‌تواند خود را کنترل کند. گاهی آن قدر شاد است که دلش می‌خواهد با صدای بلند بخندد و همه دوستان را به ناهار مهمان کند، و گاهی هم آن قدر غمگین است که دلش می‌خواهد زار زار گریه کند. علی ۱۵ ساله است و می‌گوید: بیشتر اوقات، بدون اینکه خودم بخواهم، یک دفعه و ناگهانی عصبی می‌شوم و چیزی می‌گویم یا رفتاری نشان می‌دهم که بلافاصله پشیمان می‌شوم؛ مخصوصاً به برخی رفتارهای بزرگ‌ترها حساسم و بیشتر عصبانی می‌شوم. تصور کنید این دو نوجوان شما را مشاور خود قرار داده‌اند و از شما می‌خواهند به آنها کمک کنید تا بتوانند احساسات و هیجانات خود را کنترل کنند. آنها نمی‌دانند علت این تحریک‌پذیری و بی‌ثباتی در احساسات و هیجاناتشان چیست و نگران این هستند که نکنند بیمار باشند. شما چگونه این نوجوانان را راهنمایی می‌کنید؟

به دلیل تغییرات فیزیولوژیکی و هورمونی در دوره نوجوانی، تحریک‌پذیری نوجوانان افزایش می‌یابد و حالات هیجانی آنان به سرعت تغییر می‌کند. هیجانات منبع رفتارهای مثبت و سازنده هستند، در صورت هدایت نشدن و به کارگیری غلط آنها، هیجان‌ها به رفتارهای مخرب و پرخطر منجر می‌شوند؛ بنابراین، لازم است در این دوره مهارت‌هایی را بیاموزیم که بتوانیم هیجانات خود را در جهت صحیح به کار گیریم؛ مهارت‌هایی از قبیل کنترل خشم و ورزش کردن.



فعالیت ۲-۷

- ۱ به دو مثال زیر توجه کنید.
 - بهنام، برای هدایت هیجان هایش، تصمیم می‌گیرد هفته‌ای سه روز به صورت فشرده تمرین‌های ورزشی انجام بدهد.
 - پوریا مدتی است تصور می‌کند بسیار پرنرژی است. او، برای نمایش توان خویش، هر روز به همراه برخی از دوستان، در معابر شهری، مزاحم راننده‌ها می‌شود و از این کار احساس لذت می‌کند.
- هر دو مثال، محصول هیجان است، اما یک رفتار، مثبت و سازنده و دیگری مخرب و آزاردهنده است. شما چه رفتار مثبت و منفی دیگری در استفاده از هیجانات را می‌شناسید؟ از هر مورد یکی را توضیح دهید.
- ۲ به نظر شما مهارت‌های شناخت، ارزیابی و کنترل هیجان چه نوع مهارت‌هایی هستند؟ تاکنون در این زمینه تجربه‌ای داشته‌اید؟



رشد اجتماعی در دوره نوجوانی

اگر قصد تفریح، مثلاً رفتن به سینما داشته باشید، ترجیح می‌دهید با چه کسانی به سینما بروید؟ پدر و مادر، دوستان و...؟ اگر از شما بخواهند برای مسافرت در ایام تعطیل، خانواده‌ای را انتخاب کنید که با خانواده شما همسفر شوند، احتمال انتخاب کدام خانواده بیشتر است؟ عمه، خاله، عمو و... یا خانواده‌ای که بچه‌های آن خانواده همسال شما باشند؟ نوع انتخاب شما بیانگر رشد اجتماعی شما است.

رشد اجتماعی در دوره نوجوانی، مانند دیگر ابعاد رشد، دستخوش تغییر می‌شود. در این دوره هم خود نوجوان و هم اطرافیان وی احساس می‌کنند که گرایش نوجوان به گروه همسالان خیلی بیشتر از سابق شده است و در کنار همسالان بودن برای نوجوان بسیار لذت‌بخش است. البته این به آن معنی نیست که نوجوان به ارتباط با والدین و یا خواهر و برادرهای خود علاقه‌ای ندارد.

رشد و شکل‌گیری هویت^۱ در دوره نوجوانی

یکی از تغییرات در رشد اجتماعی دوره نوجوانی، دستیابی به «هویت» است. آیا تاکنون از خود پرسیده‌اید که من کیستم؟ چه ویژگی‌هایی دارم؟ پسرم؟ دخترم؟ خوش قیافه هستم؟ باهوشم؟ احساساتی هستم؟ اجتماعی هستم؟ به دستورات مذهبی وفادارم؟ از چه چیزهایی خوشم یا بدم می‌آید؟ چه رشته دانشگاهی را انتخاب می‌کنم؟ در چه شغلی استعداد دارم؟ از چه آدم‌هایی خوشم می‌آید؟ پاسخ به این سوالات، بیانگر هویت شماست. «من کیستم؟» این سؤال است که ذهن هر فرد، به‌ویژه نوجوانان و جوانان را درگیر کرده است و افراد برای یافتن پاسخ همین سؤال به جستجوی خویشتن و کسب هویت می‌پردازند. به عبارت دیگر هویت همان تمایزی است که فرد بین خود و دیگران می‌گذارد. هویت طرز فکر، عقاید و نحوه ارتباط فرد با دیگران را شامل می‌شود. هویت، اجزای متعددی دارد و شامل ویژگی‌های جسمی، جنسی، اجتماعی، شناختی، اخلاقی، هیجانی، آرمانی و شغلی است.



که در مجموع هویت فرد را می‌سازند. به این ترتیب، افراد ممکن است به لحاظ ویژگی‌های جسمی (قیافه)، جنسی (دختر یا پسر بودن)، ویژگی‌های روانی (ایفای نقش جنسیتی برای نشان دادن رفتارهای زنانه یا مردانه)، اجتماعی (عضویت در گروه‌ها یا انتخاب شغل و پیشرفت)، سیاسی، مذهبی، اخلاقی، ارزشی و یا قومی، خصوصیات رفتاری و شخصیتی متمایزی را دارا باشند. نوجوانانی که خود را می‌پذیرند و هویت مثبتی برای خود قائل‌اند، به لحاظ روانی از افرادی که هویتی منفی داشته و به خود علاقه‌ای ندارند، سالم‌ترند.

به نظر شما تلاش برای هویت‌یابی در بین نوجوانان نسل گذشته با نسل امروز چه تفاوتی کرده است؟

عوامل شکل‌گیری هویت‌یابی در هر دو نسل چه بوده است؟

شما در تلاش برای هویت‌یابی تحت تأثیر کدام یک از عوامل زیر بوده‌اید؟

- | | | |
|------------|----|----|
| ۱- والدین | ۴- | ۷- |
| ۲- همسالان | ۵- | ۸- |
| ۳- مذهب | ۶- | ۹- |

شما هویت خود را مثبت می‌دانید یا منفی؟ چرا؟



همچنان‌که در شکل فوق می‌بینید روان‌شناسان رشد بر این عقیده‌اند که در هویت‌یابی حداقل چهار مسئله اساسی وجود دارد. از این رو، رشد احساس هویت، مستلزم این است که فرد دریابد دارای هویت بی‌نظیر، منحصر به فرد و متفاوت با دیگران است. این گروه از روان‌شناسان رشد معتقدند که شکل‌گیری هویت، به‌عنوان پیشرفت مهم شخصیت نوجوان، گامی مهم در مسیر تبدیل شدن به بزرگسال ثمربخش است. همه نوجوانان فرایند هویت‌یابی را به خوبی طی نمی‌کنند و با دو مشکل اساسی روبه‌رو می‌شوند: یک؛ در پایان دوره نوجوانی هویت شکل نمی‌گیرد و فرد دچار بحران هویت می‌شود؛ دو؛ بسیاری از نوجوانان در دوره نوجوانی دچار سردرگمی نقش می‌شوند که با بحران هویت متفاوت است.

سردرگمی نقش یعنی اینکه در دوره نوجوانی فرد تلاش می‌کند نقش‌ها، ارزش‌ها و ایده‌های مختلف را مطالعه و حتی تجربه کند. مثلاً ممکن است یک روز با این تصور که در آینده یک فوتبالیست بزرگی خواهد شد لباس بپوشد، به استادیوم برود و در کلاس فوتبال ثبت‌نام کند، در حالی که یک هفته از این کلاس نگذشته به این نتیجه برسد که اصلاً ورزشکار بودن در زندگی یعنی مدام در خطر بودن؛ پس بهتر است هنرپیشه شود، در کلاس بازیگری ثبت‌نام کند و در مدرسه تئاتر اجرا کند.

بهزاد نوجوان ۱۸ ساله‌ای است که به مشاغل پر درآمد و فنی علاقه‌مند است. وی بعد از گذراندن یک دوره سه ماهه در شغل ساعت سازی، تغییر شغل می‌دهد و به مکانیکی خودرو روی می‌آورد. بعد از مدتی کوتاه به پدرش می‌گوید: امروز خیابان‌ها پر از تعمیرگاه‌های مکانیکی است و پیشنهاد می‌کند که به سراغ فروشندگی تلفن همراه برود. بهزاد، در دو سال، مشاغل مختلفی را تجربه کرده است. به نظر شما بهزاد در هویت شغلی دچار کدام یک از مشکلات هویت‌یابی است؟ توضیح دهید.

رشد اخلاقی در دوره نوجوانی

نظر شما درباره انجام دادن اعمال اخلاقی در سنین مختلف، با توجه به رشد و تحول چیست؟ آیا الان که شما بزرگ‌تر شده‌اید، نسبت به گذشته راستگوتر شده‌اید؟ بیشتر به دیگران کمک می‌کنید؟ به حق خود قانع هستید و از کسی - حتی وقتی توانش را دارید - سوءاستفاده نمی‌کنید؟ تحول اخلاقی و ارزشی در نوجوانی بیش از هر دوره دیگری است. رشد سریع شناختی در نوجوانی



و جوانی باعث می‌شود که فرد بهتر بتواند درباره مسائل اخلاقی، ارزشی و دینی قضاوت کند و واکنش دقیق‌تری نشان دهد. به عبارت دیگر، روابط اجتماعی نوجوان، در مقایسه با دوران کودکی و بروز احساس خودمختاری و استقلال نسبت به والدین، با مسائل اخلاقی و ارزشی نیز بیشتر درگیر می‌شود و زمینه‌های رشد ارزش‌های اخلاقی

در وی افزایش می‌یابد. یکی از تکالیف اصلی رشد در دوره نوجوانی، شکل‌گیری هویت است. شناخت و تعریف نوجوان از هویت خویش، مستلزم نسبت دادن ویژگی‌های دینی، ارزشی و اخلاقی به خویشتن است. او باید به خود بگوید چه خصوصیات اخلاقی، ارزشی و دینی دارد؛ مثلاً یک نوجوان ممکن است در خلوت به خود بگوید: «من فردی صادق و مهربان هستم» یا «من آدمی دیندار و انسان دوست هستم» یا «من فقط به مصالح خودم اهمیت می‌دهم و مسائل دیگران به من مربوط نیست».

جملات بالا به رشد اخلاقی مربوط می‌شود. نحوه پاسخ نوجوانان به این موضوعات بر نوع تصمیم‌گیری در رفتار او تأثیر می‌گذارد.

هر چند رشد اخلاقی به شکل گیری شناخت وابسته است، اما در بسیاری از موارد صرف داشتن شناخت، به رفتار اخلاقی منجر نمی‌شود. برای اینکه شناخت به اخلاق منتهی شود، شناخت باید به عقاید و باورها و ارزش‌های فرد تبدیل شود. حفظ محیط‌زیست، احترام به پدر و مادر و تواضع نسبت به دیگران در نزد بسیاری از شهروندان، امری اخلاقی است، اما برخی از مردم محیط‌زیست را آلوده می‌کنند؛ چرا؟ پیامبر گرامی اسلام ﷺ در این باره می‌فرماید: اگر در حال کاشتن نهالی بودید و خبر وقوع قیامت را شنیدید، اول نهال را بکارید.^۱

سؤال

به دو مثال زیر توجه کنید.

- پزشکی که می‌داند سیگار کشیدن برای سلامت بدن مضر است، ولی سیگار می‌کشد.
 - شخصی که می‌داند مسواک زدن موجب سلامتی و حفظ دندان‌ها می‌شود، ولی در مسواک‌زدن سهل‌انگاری می‌کند.
- به نظر شما اشکال کار در کجاست؟ شناخت یا باور؟ چرا؟

خود آرمانی و رؤیایپردازی در دوره نوجوانی



تجربه‌ای که همه در دوره نوجوانی خود داشته‌اند، لذت بردن از رؤیایپردازی است. آیا رؤیایپردازی برای سلامت روانی فرد ضرر ندارد؟ آیا باعث کم شدن فعالیت نوجوانان در دنیای واقعی نمی‌شود؟

سؤال

در مورد رؤیایپردازی‌هایی که تاکنون داشته‌اید برای هم‌کلاسی‌های خود در کلاس توضیح دهید و بگویید رؤیایپردازی چه تأثیری بر زندگی شما داشته است؟

۱- کنز العمال، حدیث ۹۰۵۶

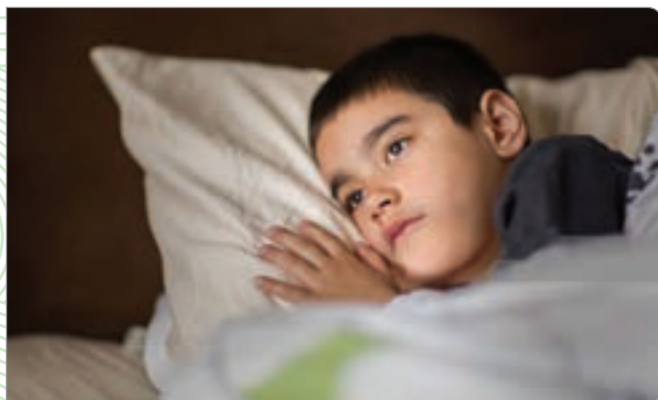
همه افراد یک خود واقعی و یک خود آرمانی دارند. خود واقعی همان ویژگی‌های فردی، و خود آرمانی ویژگی‌هایی است که فرد دوست دارد داشته باشد؛ مثلاً پسری ۱۴ ساله را در نظر بگیرید که قد بلند، دارای هوش متوسط، عملکرد تحصیلی معمولی، روحیه شاد و استعداد نقاشی عالی و علاقه‌مند به مسائل ارزشی است. اگر این نوجوان ایده‌آل‌هایی مثل هنرمند و یا فیلسوف شدن برای خود داشته باشد، این ایده‌آل‌ها خود آرمانی او را شکل می‌دهد.

در روند طبیعی زندگی انتظار می‌رود که این نوجوان برای رسیدن به خود آرمانی تلاش کند. در حالی که بسیاری از نوجوانان به جای تلاش برای کم کردن فاصله بین خود آرمانی و خود واقعی، رؤیاپردازی می‌کنند. هر چند این پدیده در دوره نوجوانی غیر طبیعی نیست، ولی استفاده مکرر از آن باعث افت در عملکرد تحصیلی و سایر عملکردها می‌شود.



فعالیت ۲-۸

شما رؤیاپردازی در دوره نوجوانی را تجربه کرده‌اید؟ رؤیاپردازی چه تأثیری در شما داشته است؟



جمع بندی درس

دانش آموز عزیز! مطالب این درس را به زبان خودتان به صورت خلاصه بنویسید.

من از مطالعه این درس دریافتم که :.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

واژگان اصلی

روان‌شناسی رشد، رسش، یادگیری، عوامل زیستی، عوامل محیطی، فراخنای زندگی، دوره کودکی، نوجوانی، جوانی، بزرگسالی اولیه، میانسالی، سالمندی، رشد شناختی، رشد و تحول، رشد هیجانی، رشد اخلاقی، رشد اجتماعی، رشد جسمانی، خود واقعی، خود آرمانی، رؤیاپردازی، بحران هویت، سردرگمی نقش، خودمحوری

احساس، توجه، ادراک

۳



از دانش آموز انتظار می‌رود در پایان این درس بتواند:

- ۱ فرایند شناخت و مراحل آن (احساس، توجه، ادراک) را در ارتباط با یکی از موضوعات زندگی خود مورد تحلیل قرار دهد.
- ۲ شناخت حسی و عوامل مؤثر بر آن را با استفاده از حواس خود نشان دهد.
- ۳ با توجه به مفاهیم (احساس، توجه، ادراک) توضیح دهد که امکان خطا در کدام یک بیشتر است و چرا؟
- ۴ نقش توجه و کارکردهای آن را در یادگیری یک موضوع درسی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و یک نمونه ارائه دهد.
- ۵ نقش ادراک و خطاهای ادراکی را در یادگیری مفاهیم و مهارت‌های ورزشی مورد ارزیابی قرار دهد و آن را بهبود بخشد.

مقدمه

فعالیت ۱-۳



همین حالا مطالعه این صفحه را متوقف کنید! چه صداهایی از محیط پیرامون را می‌شنوید که هنگام مطالعه، به آن توجه نداشتید؟ آن صداها را بنویسید.



در درس اول با واژگان احساس، توجه و ادراک، به اختصار، آشنا شدید. در این درس به سه پرسش زیر پاسخ می‌دهیم:

- ۱ محرک‌های محیط را چگونه حس می‌کنیم؟
- ۲ دریافت‌های حسی را چگونه انتخاب می‌کنیم؟
- ۳ دریافت‌های حسی انتخاب شده را چگونه تفسیر می‌کنیم؟

هر یک از پرسش‌های بالا، به ترتیب، به سه موضوع احساس^۱، توجه^۲ و ادراک^۳ مربوط می‌شود. موقعیتی را تصور کنید که هیچ چیزی را نبینید، صدایی را نشنوید، قادر به لمس چیزی نباشید، نتوانید چیزی را بچشید و یا قادر به بو کردن نباشید. آیا چنین موقعیتی قابل تحمل است؟

- ۱- Sensation
- ۲- Attention
- ۳- Perception

روان‌شناسان برای یافتن پاسخ این پرسش، دست به آزمایشی زدند. آزمایش‌های مربوط به فقدان حواس، در «شرایط محرومیت حسی» انجام می‌شود. محرومیت حسی یعنی اینکه فرد در شرایطی قرار بگیرد که هیچ یک از گیرنده‌های حسی مثل چشم، گوش و... به وسیله محرک‌های بیرونی تحریک نشود. نتایج مطالعات نشان داد که داوطلبانی که حاضر شدند آزمایش محرومیت حسی بر روی آنها انجام شود، با وجود قول دریافت پاداش، نتوانستند بیشتر از چند ساعت شرایط محرومیت حسی را تحمل کنند. محرومیت حسی به دلیل آزارنده بودن آن، نوعی شکنجه تلقی می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد که موجودات زنده، به‌خصوص انسان، نیاز به «احساس» دارند.



شرایط محرومیت حسی

فعالیت ۲-۳

سه حس از پنج حس خود را از تحریک‌های بیرونی محروم کنید (صدا، نور، بو). تا چه زمانی قادر به تحمل وضعیت ایجاد شده بودید؟
حالات محرومیت حسی خود را از صدا، نور و بو گزارش کنید. احساس عاطفی خود را گزارش کنید.

آبی آسمان، شیرینی شکر، داغی آتش، خوش بویی گل، صدای گوش نواز بلبل و لطافت پنبه را با حواس خود دریافت می‌کنیم. ما از بین دریافت‌های حسی فقط برخی از آنها را انتخاب می‌کنیم. ● وقتی جسمی را انتخاب کردیم، می‌فهمیم که در کجاست، چقدر از ما دور است و چه اندازه‌ای دارد. به عبارت دیگر تحریک اندام‌های حسی موجب «احساس» محرک می‌شود.

- محرک هر چیزی است که گیرنده‌های حسی را تحریک می‌کند.
- انتخاب محرک خاص، از بین محرک‌های بی‌شمار پیرامون ما، «توجه» نام دارد.
- تعبیر و تفسیر کردن و معنی و مفهوم و سازمان دادن به محرک‌های توجه شده «ادراک» نام دارد. فاصله زمانی بین احساس، توجه و ادراک آن قدر سریع است که ما آن را نادیده می‌گیریم.

○ فعالیت ۳-۳

محمد، حسن و جواد در حال مطالعه مطالب درسی هستند. حمید از دور با صدای بلند می‌گوید: «بچه‌ها چه کار می‌کنید؟» دو نفر سرشان را بالا آورده نگاه می‌کنند. یکی اصلاً سر خود را بالا نمی‌آورد. در این مثال صدای حمید به گوش هر سه رسید (احساس)، اما دو نفر سرشان را بالا آوردند (توجه). در بین این دو نفر که سرشان را بالا آوردند یک نفر (محمد) گفت: «چقدر داد می‌زنی!» (ادراک).
این مثال را در مورد موضوع بویایی و سوختن یک غذا یا پختن یک کیک خوشمزه به کار ببرید (اسم سه نفر که این بو را در فاصله‌ای مناسب استشمام می‌کنند، بنویسید).

از نظر تکاملی، احساس محرک‌های بیرونی برای بقای موجود زنده حیاتی است. اگر احساس گرما نمی‌کردیم، به دنبال خنک کردن خودمان هم نبودیم؛ بنابراین، احساس، به حیات موجودات زنده کمک می‌کند.
همچنان که محرومیت حسی آزارنده است، درگیری حواس مختلف با محرک‌های متنوع و مطلوب لذت بخش است.

○ فعالیت ۴-۳

با کمک اینترنت، مفهوم «جبران حسی» را جست‌وجو کنید. با رعایت مطالبی که درباره روش علمی در درس اول خواندید، چند صفحه درباره این موضوع بنویسید.

اگر یک موضوع را بتوان با چند حس دریافت کرد، دریافت ما قوی‌تر می‌شود؛ مثلاً اگر مطلب شنیده شده را به صورت ترسیمی و نوشتاری تبدیل کنیم، یادگیری آن راحت‌تر خواهد بود. زمزمه مطالب هنگام خواندن، باعث درگیر شدن گوش و چشم می‌شود. به نظر شما دریافت تک حسی کارایی بیشتری دارد یا دریافت چند حسی؟ چرا؟

فعالیت ۳-۵

نوشته‌ای را (مانند مطالب همین صفحه) به سه شیوه مطالعه کنید:

- ۱ جملات را با چشم بخوانید و تعقیب کنید.
- ۲ علاوه بر تعقیب چشمی، مطالب را به گونه‌ای بخوانید که گوشتان هم بشنود.
- ۳ علاوه بر تعقیب چشمی و بلندخوانی، اگر یادداشت‌برداری نیز بکنید، نتایج چگونه خواهد بود؟ کدام یک از شیوه‌ها مؤثرتر است؟ چرا؟

حواس مختلف

از حواس، طبقه‌بندی مختلفی وجود دارد. مهم‌ترین حواس عبارت‌اند از: بینایی، شنوایی، چشایی، بویایی و لامسه. تحریک هر یک از گیرنده‌های حسی تابع شدت محرک است؛ یعنی تحریک حواس از سوی محرک باید به میزان خاصی برسد تا آن عضو حسی تحریک شود؛ مثلاً صدا باید به شدت خاصی برسد تا گوش ما آن را بشنود.



یک زنبور چقدر باید به شما نزدیک شده باشد تا وزوز آن را بشنوید؟ از چه فاصله‌ای می‌توانید بوی یک فنجان چای را تشخیص دهید؟ تفاوت چربی دو نوع شیر تا چه حد باید باشد تا یکی را چرب‌تر حس کنیم؟

هر یک از پرسش‌های بالا به شدت محرک مربوط می‌شود. حداقل انرژی لازم برای تحریک یک اندام حسی را **آستانه مطلق**^۱ گویند. در جدول ۳-۱ مقدار تقریبی آستانه مطلق در حواس مختلف را می‌بینید:

۱- Absolute Threshold

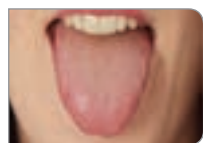
جدول ۳-۱- مقدار تقریبی آستانه مطلق در حواس پنج‌گانه

حس	حداقل شدت محرک مورد نیاز (آستانه)
بینایی	شعله یک شمع در فاصله حدود ۵۰ کیلومتری در یک شب تاریک و صاف
شنوایی	تیک تاک ساعت مچی در فاصله ۶ متری در محیطی کاملاً ساکت
چشایی	یک قاشق چای‌خوری شکر که در حدود ۸ لیتر آب حل شده است.
بوایی	یک قطره عطر که در فضای یک خانه سه خوابه پخش شده است.
لامسه	بال یک مگس که از فاصله یک سانتی‌متری روی گونه شما می‌افتد.



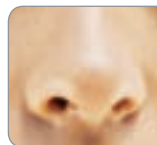
چشم، گیرنده حس بینایی است. در بین حواس مختلف، بیشترین دریافت‌های حسی به‌وسیله چشم صورت می‌گیرد. برای دیدن اشیا به نور کافی نیاز داریم. تیزبینی، توانایی مشاهده جزئیات است. برای مشاهده دقیق اشیا باید به‌طور مستقیم به آنها نگاه کنیم. وقتی روشنایی، اندک است، تیزبینی کم است. یکی از دلایل بروز اغلب تصادفات رانندگی در شب، کاهش تیزبینی به دلیل نور کم است.

گیرنده حس شنوایی، گوش است. هر چیزی که مرتعش می‌شود، مولکول‌های هوا را جابه‌جا می‌کند. اگر این ارتعاش به میزان مشخصی برسد ما صدای آن را می‌شنویم.



حس دیگر چشایی است. برای اینکه مزه شکلاتی را احساس کنیم باید آن شکلات در آب یا بزاق دهان حل شده باشد. مزه‌ها در چهار گروه اصلی ترشی، شوری، شیرینی و تلخی طبقه‌بندی می‌شوند.

حس دیگر بوایی است. بیشتر بوهایی که احساس می‌کنیم، حاصل ذرات گازی شکلی هستند که از هوا سنگین‌ترند. از آنجا که، بشر بر خلاف بیشتر پستانداران، روی دو پا می‌ایستد از درک اغلب بوها محروم می‌ماند. گیرنده‌های بوایی در انتهای حفره‌های بینی قرار دارند.





لامسه حس دیگری است که به واسطه آن برخی از دریافت‌های حسی را انجام می‌دهیم. با کمک حس لامسه، شکل، ابعاد، کناره‌ها، برجستگی‌ها، فرورفتگی‌ها، بافت، زبری و نرمی، وزن و انعطاف‌پذیری اشیاء را احساس می‌کنیم.

پوست، بزرگ‌ترین دستگاه حسی است که گیرنده‌های آن در حدود ۲ مترمربع در سطح بدن گسترده شده‌اند. گیرنده‌های سرما و گرما و درد در پوست قرار دارد. البته احساس درد تحت تأثیر عوامل مختلفی همچون میزان حساسیت نقاط مختلف بدن و عوامل شخصیتی و فرهنگی است.

سؤال

- با توجه به دو مثال زیر بگویید چرا تحمل درد برای این افراد یکسان نیست؟
- ۱ جانبازان جنگ تحمیلی، در مقایسه با افراد عادی، برای جراحی یک عضو به یک اندازه ابراز ناراحتی نمی‌کنند.
 - ۲ درد زایمان برای خانم‌ها، به مراتب قابل تحمل‌تر از درد ناشی از جراحی کلیه است.

توجه: محرک‌های محیطی را چگونه انتخاب می‌کنیم؟ در درس اول گفته شد که



محیط ما پر از محرک‌های مختلف است. فرایند انتخاب یک محرک از بین محرک‌های حسی مختلف را **توجه** می‌نامند. توجه با تمرکز متفاوت است. اگر توجه مداوم و پایدار باشد در آن صورت با تمرکز مواجه هستیم. اغلب به دلیل ارتباط نزدیک میان دو مفهوم توجه و تمرکز، همه افراد قادر به تفکیک آن دو نیستند.

فعالیت ۳-۶

قبل از شروع کلاس، برای یادگیری بهتر، تصمیم می‌گیرید سخنان دبیرتان را به دقت گوش دهید. در دقایق نخست تصمیم شما عملی می‌شود، اما بعد از چند دقیقه حواستان به موضوع‌های دیگر معطوف می‌شود.
در این مثال، توجه شما دچار مشکل شده یا تمرکزتان؟ توضیح دهید.

شما هم در مطالعه و یادگیری مطالب در هر دو مرحله ممکن است با مشکل مواجه شوید؛ یعنی ممکن است موضوع مورد نظر انتخاب نشود و یا بعد از انتخاب، بر روی آن تمرکز نداشته باشید.

منابع توجه

منابع توجه تحت تأثیر سه عامل است. نخست حواس ما به وسیله محرک‌های بیرونی تحریک می‌شود. عامل دوم، اطلاعات موجود در حافظه است. حافظه ما یکی از منابع مهم توجه است. عامل سوم، سبک پردازش افراد و انتظارات آنهاست که باعث می‌شود تا محرک‌های خاصی انتخاب شود؛ وقتی شما با یکی از دوستانتان قرار ملاقات دارید، هر فردی را از فاصله دور، آن دوست تلقی می‌کنید. فرض کنید یک استادکار مکانیک، به صورت گذری، از یک بازارچه فروش کتاب می‌گذرد. چنین فردی در حافظه خودش، آن گونه که از ابزار و آلات مکانیکی اطلاعات دارد، از کتاب ندارد. اگر از همین فرد بپرسیم: آیا شما به هنگام طی مسیر، فلان انتشارات را دیدید؟ شاید به ما بگوید که مگر در مسیر من کتاب‌فروشی وجود داشت! چیزی که توجه مکانیک را به محرک‌هایی غیر از کتاب‌فروشی‌ها سوق داد اطلاعات موجود در حافظه وی بوده است. اگر در بین این همه کتاب‌فروشی، یک فروشگاه وسایل مکانیکی وجود می‌داشت قطعاً به آن توجه می‌کرد.

سؤال

به نظر شما یک دندانپزشک، در گفت‌وگو با دیگران، به کدام یک از اعضای بدن بیشتر توجه می‌کند؟ چرا؟ می‌توانید صاحبان مشاغل دیگری را پیدا کنید که این گونه هستند؟

آیا به همه آنچه توجه داریم آگاهی کامل داریم؟

به همه چیزهایی که در دامنه توجه ما قرار می‌گیرد آگاهی کامل نداریم. گاهی دوست شما می‌خواهد یک بیت شعر را به یاد آورد ولی قادر به بیان آن نیست؛ در همان زمان به شما می‌گوید: آن بیت نوک زبان من است؛ امکان دارد کلمه اول آن را بگویی! در این مثال آن موضوع در توجه وی بوده است، ولی در حال حاضر به آن آگاهی ندارد. پدیده نوک زبانی را بسیاری از افراد تجربه کرده‌اند.

فرض کنید از کتاب‌فروشی محله‌تان چند جلد کتاب می‌خرید. فروشنده، کتاب‌ها را در کیسه‌ای قرار می‌دهد که نام تجاری خودکار خاصی روی آن درج شده است. روزی دیگر وقتی



می‌خواهید خودکار بخرید، میان آن همه خودکار در فروشگاه، خودکاری را انتخاب می‌کنید که قبلاً با نام تجاری آن آشنا شده‌اید. روان‌شناسان به این پدیده، آماده‌سازی^۱ می‌گویند. آماده‌سازی، زمانی اتفاق می‌افتد که شناختِ محرکِ معینی، تحت تأثیر ارائه پیشین همان محرک یا محرک شبیه

آن قرار می‌گیرد. در پدیده آماده‌سازی، ارائه پیشین محرک، دریافت بعدی را آسان می‌کند. در مثال فوق نام تجاری خودکار بر روی کیسه باعث شده است تا موقع خرید، آن خودکار را انتخاب کنیم.

اگر قرار است صبح روز بعد کتابی را مطالعه کنید، اگر آن کتاب را بالای سرتان بگذارید و بخواهید، به هنگام صبح بهتر فرا می‌گیرید تا اینکه بخواهید دنبال کتاب بگردید. در این مثال، علت مطالعهٔ ثمربخش این بوده که شما از شب قبل آمادهٔ مطالعه شده‌اید.

فعالیت ۳-۷

تماشاگران برای مشاهده مسابقه فوتبال به استادیوم می‌روند. دور تا دور زمین فوتبال پُر از تابلوهای تبلیغاتی است. هیچ‌یک از تماشاگران به قصد دیدن آن پیام‌های تبلیغاتی به استادیوم نمی‌آیند. ولی این تصاویر، زمینه ذهنی آنها را برای خریدهای بعدی آماده می‌کند. این مثال، نمونه‌ای از آماده‌سازی است. یک مورد مانند این مثال بیابید و به صورت گروهی آن را تجزیه و تحلیل کنید.

چگونه می‌توانیم تمرکز ایجاد کنیم؟

خوگیری^۲ آفت تمرکز است. خوگیری شامل عادت کردن به محرک خاص است به نحوی که به تدریج کمتر و کمتر به آن محرک می‌پردازیم. بسیاری از دانش‌آموزان موضوع خاصی را برای مطالعه انتخاب می‌کنند، ولی بر خلاف پیشرفت‌های اولیه، در ادامه تصور می‌کنند قادر به یادگیری نیستند. یکی از دلایل آن، خوگیری است. عوامل صفحه بعد باعث ایجاد خوگیری و عدم تمرکز می‌شود:

۱- Priming

۲- Habituation



یکنواختی در مطالعه باعث عادت کردن و خواب‌آلودگی می‌شود.

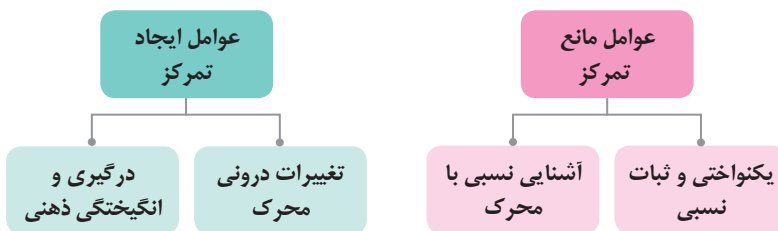
۱ یکنواختی و ثبات نسبی: وقتی موضوع مورد توجه همیشه به صورت یکنواخت ارائه شود، فرد به آن موضوع عادت می‌کند؛ در نتیجه، ابعاد جدید آن را در نمی‌یابد. استفاده از رنگ‌های مختلف به هنگام مطالعه و خط کشیدن روی واژگان مهم به وسیله برخی دانش‌آموزان، روش مفیدی برای خارج شدن از یکنواختی و در نتیجه ایجاد تمرکز است.

فعالیت ۳-۸

اگر بخواهید مطالب این درس را برای آزمون به دقت مطالعه کنید، کدام شیوه مطالعه را انتخاب می‌کنید؟ چرا؟

- مطالعه کل مطالب درس در یک حالت ثابت و بدون وقفه؛
- مطالعه بخشی از درس و سپس قدم زدن، استراحت و خوردن میان‌وعده و پس از استراحت کوتاه، ادامه مطالعه.

۲ آشنایی نسبی با محرک و موضوع مورد توجه: تازگی موضوع ارائه شده، تمرکز ایجاد می‌کند. اگر محرک مورد نظر به دفعات متعدد ارائه شود، خوگیری شکل می‌گیرد. برای اینکه تمرکزتان هنگام مطالعه افزایش یابد، سعی کنید موضوع مورد مطالعه را به صورت‌های مختلف و از زوایای متفاوت ببینید.



عواملی که باعث ایجاد تمرکز می‌شوند عبارت‌اند از:

۱ تغییرات درونی محرک‌ها: موضوع مورد توجه اگر به لحاظ معنایی، شرایط متنوع و جذابی داشته باشد، عادت را از بین می‌برد. برخی از محرک‌ها دارای تغییرات درونی بیشتری نسبت به بقیه هستند. یک فرش دستباف زیبای ایرانی که حاوی نقوش چشم‌نواز است، در مقایسه با زیرانداز ساده، دارای تغییرات درونی بیشتری است. مطالعه همین صفحه از کتاب،

اگر بدون هر نوع تنوع رنگی و تنوع تصویری باشد (عناصر زیباشناختی متن) ایجاد تمرکز نمی‌کند. از این زاویه می‌توانید همه کتاب‌های درسی را با یکدیگر مقایسه و آنها را نقد کنید.

۲ **درگیری و انگیزتگی ذهنی:** همه خودروهایی که در خیابان تردد می‌کنند، قدرت موتور یکسان ندارند. انگیزتگی انسان‌ها نیز با یکدیگر متفاوت است. میزان انگیزتگی ذهنی، تحت تأثیر عوامل فیزیولوژیکی و روان‌شناختی است. تغذیه مناسب و تأمین نیازهای زیستی، یکی از عوامل فیزیولوژیکی ایجاد انگیزتگی ذهنی است. عوامل مهم دیگر نیز (ایجاد هدف و اهمیت‌دهی به آن) در انگیزتگی ذهنی مؤثر است.

کارکردهای توجه

۱- **ردیابی درست علامت:** یکی از کارکردهای توجه، ردیابی درست علامت‌های پیرامون ما است. در هر موقعیت توجه، دو نوع علامت وجود دارد: علامت هدف^۱ و علائم انحرافی^۲ که باعث حواس‌پرتی می‌شوند.

منظور از علامت یا محرک هدف، علامتی است که فرد باید آن را برگزیند. منظور از محرک‌ها یا علائم انحرافی، محرک‌هایی است که همواره مانع انتخاب هدف می‌شود. فرض کنید شما در یک اتاق تاریک به صفحه‌ای نگاه می‌کنید. از شما خواسته می‌شود هر زمان نقطه نورانی کوچکی بر محل مورد نظر تابیده شد گزارش دهید. در این مثال اگر لحظه وقوع تابش آن نور را به درستی گزارش بدهید، تصمیم شما از نوع ردیابی درست علامت حاضر است که تصمیم درستی است. در همین زمان اگر تابش نور را گزارش ندهید یعنی علامت حاضر را ردیابی نکرده‌اید. این نوع تصمیم‌گیری باعث از دست دادن محرک هدف می‌شود.

در مثال فوق ممکن است نور تابانده نشود، ولی شما آن را گزارش کنید؛ در آن صورت محرکی را ردیابی کرده‌اید که غایب بوده است. این حالت را «هشدار کاذب» می‌گویند، درحالی که تصمیم درست این بود که علامت غایب ردیابی نشود. به جدول ۲-۳ توجه کنید:

جدول ۲-۳- موقعیت‌های ردیابی علامت

علامت	ردیابی علامت	ردیابی نشدن علامت
حاضر	اصابت یا تصمیم درست	از دست دادن محرک هدف
غایب	هشدار کاذب	ردّ درست

۱- Goal Signal

۲- Distracting Signals



در هر موقعیت ردیابی هر دو خطا ممکن است رخ بدهد. اینکه از دست دادن را فدای هشدار کاذب بکنیم و یا برعکس، بستگی به اهمیت تکلیف دارد. تکالیف مهم تر با هشدار کاذب همراه است.

○ فعالیت ۳-۹



هنگام عبور از خروجی‌های بازرسی فرودگاه‌ها، مأموران، همه وسایل، حتی کمر بند را هم بازرسی می‌کنند. به نظر شما در این ردیابی، هشدار کاذب وجود دارد یا از دست دادن؟ اگر قرار باشد دو درس با اهمیت متفاوت را مطالعه کنید در کدام درس باید پدیده هشدار کاذب باشد؟ چرا؟

۲- گوش به زنگی: کارکرد دوم توجه، گوش به زنگی^۱ است. به توانایی فرد برای یافتن

محرک هدف در یک دوره زمانی طولانی، گوش به زنگی گویند.

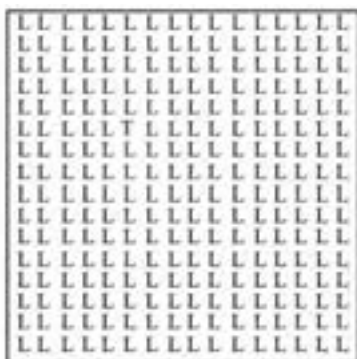
در یک آزمایش از آزمایش‌شوندگان خواسته شد تا به عقربه ثانیه‌شمار ساعت توجه کنند. تکلیف این بود که هر زمان عقربه ثانیه‌شمار به جای یک ثانیه، دو ثانیه پرش داشته است، گزارش کنند. نتیجه این آزمایش جالب بود. آزمایش‌شوندگان فقط تا نیم ساعت توانستند این تکلیف ساده را انجام دهند و بعد از نیم ساعت هر چه عقربه‌های ثانیه‌شمار به جای یک ثانیه، پرش دو ثانیه‌ای داشت هیچ‌کس گزارش نمی‌کرد؛ در واقع کارکرد گوش به زنگی، بعد از نیم ساعت، برای این تکلیف خاص کاهش یافت. مهم‌ترین عامل گزارش نکردن پرش دو ثانیه‌ای عقربه ثانیه‌شمار، خستگی است.

۳- جست‌وجو: کارکرد سوم توجه، جست‌وجو^۲ است. از شما می‌خواهیم حرف T را در

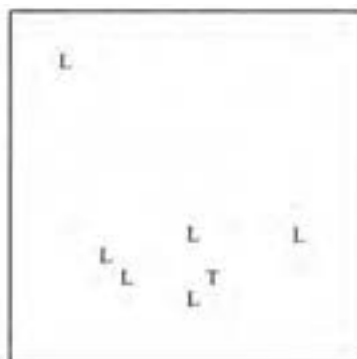
دو مربع الف و ب شکل صفحه بعد پیدا کنید. حرف T را در مربع ب زودتر از مربع الف پیدا می‌کنید؛ چرا؟ علت آن است که تعداد عوامل انحرافی در مربع ب کمتر از مربع الف است. در مربع ج و د دایره توپُر را زودتر از حرف T و دایره توخالی پیدا می‌کنیم؛ چرا؟ چون دایره توپُر کاملاً مشکی بود و از این جهت منحصر به فرد بوده است.

۱- Vigilance

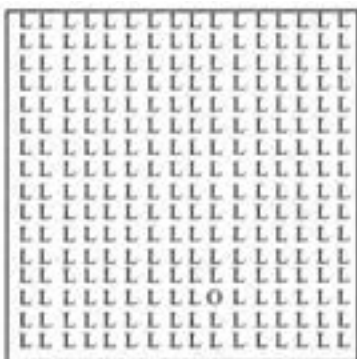
۲- Search



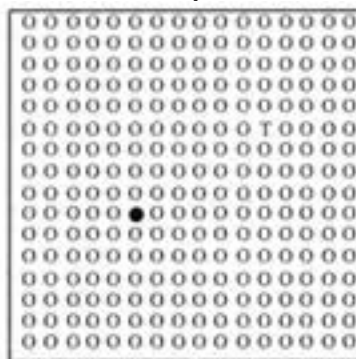
الف



ب



ج



د

پیدا کردن محرک هدف، تابع تعداد عوامل انحرافی و ویژگی منحصر به فرد آن هدف است.

فعالیت ۳-۱۰

یافتن یک خودرو در یک پارکینگ خلوت راحت تر است یا شلوغ؟ یافتن خودرو با رنگ کمیاب چطور؟ در این دو مثال کدامیک از دو عامل مؤثر (تعداد عوامل انحرافی و ویژگی منحصر به فرد آن هدف) رخ داده است؟ شما هم سعی کنید مثال هایی از این دست بیابید.



ساماندهی توجه

با توجه به مطالبی که تاکنون خوانده‌اید، رعایت نکات زیر باعث سامان‌دهی توجه شما می‌شود:

۱ در توجه، هرچه آگاهی شما بیشتر باشد، نوع توجه هم ارادی‌تر خواهد بود. بهتر است از انجام هم‌زمان چند تکلیف، به خصوص در تکالیف جدید، پرهیز کنیم. افزایش هم‌زمان چند تکلیف، باعث تقسیم توجه و کاهش آگاهی می‌شود. در نتیجه میزان خطا افزایش می‌یابد.

۲ برای حفظ توجه و ایجاد تمرکز، باید از انجام فعالیت در ساعات طولانی پرهیز کرد. بهتر است هر از چند گاهی بعد از مطالعه استراحت کنید. با آزمایش مربوط به ثبت عقربه‌ی ثانیه‌شمار،



متوجه شدیم که هرچه مدت انجام تکلیف بیشتر می‌شود، کیفیت انجام آن کاهش می‌یابد. برآورد دقیق حداکثر مدت زمان مفید برای ایجاد توجه مستمر، به ویژگی‌های شخصی و دشواری تکلیف مورد نظر بستگی دارد.

۳ برای ایجاد توجه متمرکز، از حواس مختلف برای انجام دادن یک تکلیف استفاده کنید. اگر حواس مختلف، درگیر انجام دادن یک تکلیف باشد، کارایی خوبی خواهد داشت. خواندن یک مطلب علمی همراه با رویت تصاویر آن، نمونه‌ای برای استفاده از دو حس برای یک تکلیف است. بسیاری از دانش‌آموزان خلاف آن را انجام می‌دهند؛ مثلاً هم درس می‌خوانند و هم فوتبال



تماشا می‌کنند! در این صورت توجه به دو بخش تقسیم می‌شود.

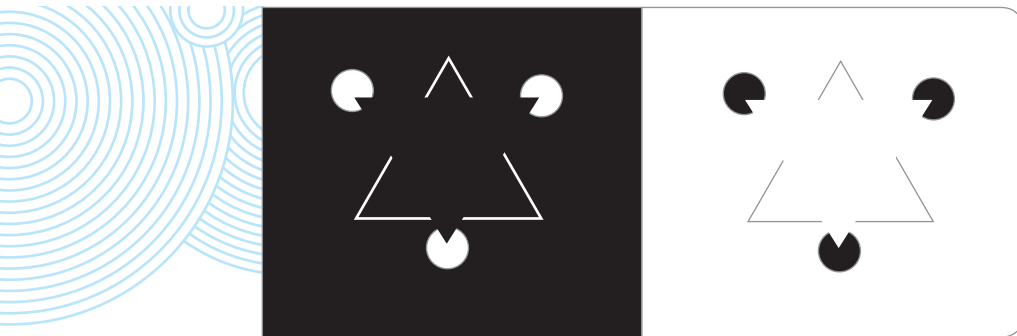
۴ انجام دادن تکلیف هم‌زمان، کارایی توجه را کاهش می‌دهد. در شرایطی که مجبور می‌شویم توجه ما به چند بخش تقسیم شود، میزان شباهت، درجه دشواری و مهارت می‌تواند اثر منفی توجه تقسیم شده را کاهش دهد.

فعالیت ۱۱-۳

آیا می‌توانید حدس بزنید چرا رنگ تابلوهای «ورود ممنوع» قرمز است؟ اگر سبز می‌بود بر میزان توجه رانندگان چه تأثیری می‌داشت؟ حاصل بررسی‌تان را به دیگر دانش‌آموزان ارائه دهید. درباره «اثر استروپ» جست‌وجو کنید. حاصل تحقیقتان را در قالب یک گزارش به دیگر هم‌کلاسی‌ها ارائه دهید.

ادراک: محرک‌های محیطی را چگونه تفسیر کنیم؟

بعد از انتخاب دریافت‌های حسی، آنها را تفسیر می‌کنیم. ادراک، فرایندی است که از طریق آن، محرک‌های مورد توجه را بازشناسی و به آنها معنا می‌بخشیم. همه آنچه را که احساس می‌کنیم، تفسیر نمی‌شوند. به عبارت دیگر بسیاری از محرک‌های حسی در همان حد تحریک گیرنده‌های حسی باقی مانده، وارد فضای ادراکی نمی‌شوند. از طرفی دیگر، گاهی چیزهایی را ادراک می‌کنیم که هیچ موقع احساس نکرده‌ایم. به شکل پایین دقت کنید. همچنان که در این دو شکل می‌بینیم، همه افراد دو مثلث مشکی و سفید را گزارش می‌دهند در حالی که چنین چیزی حس نمی‌شود.

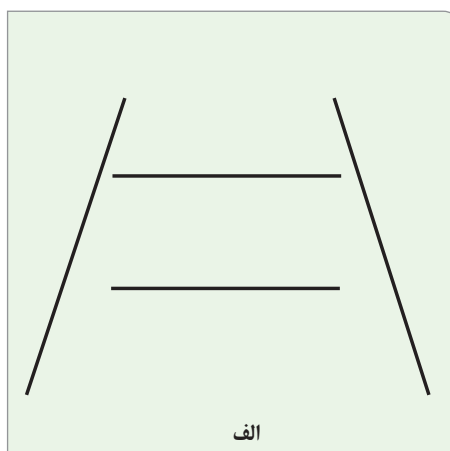
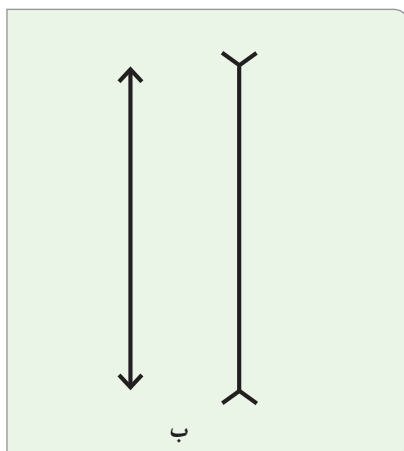


ادراک چیزی که وجود ندارد.

مطالب فوق نشان می‌دهد گاهی چیزی را که وجود خارجی دارد ادراک نمی‌کنیم. گاهی نیز چیزی را ادراک می‌کنیم که وجود خارجی ندارد. مواردی همچون شکل بالا بیانگر خطای ادراکی است. وجود خطاهای ادراکی نشانگر این است که آنچه را حس می‌کنیم الزاماً چیزی نیست که در ذهن خود ادراکش می‌کنیم. به شکل‌های صفحه بعد دقت کنید. در شکل الف، با اینکه طول دو خط وسط برابر است، خط بالایی را بلندتر ادراک می‌کنیم. همین‌طور در شکل ب با دو خط هم اندازه مواجه هستیم. یکی از این خطوط دارای پیکان و اگر با دیگری هم‌گرا است. معمولاً آزمایش‌شوندگان خط و اگر را بلندتر ادراک می‌کنند. به شکل الف پونزو^۱ و به شکل ب خطای مولر^۲ — لایر^۲ گویند.

۱- Ponzo Illusion

۲- Muller –Lyer Illusion



خطای ادراکی یونزو (الف) و مولر- لایر (ب)

فعالیت ۳-۱۲

با جست‌وجو در اینترنت شما نیز چند نمونه از خطاهای ادراکی را جمع‌آوری کرده در کلاس ارائه کنید.

از مطالب مربوط به خطای ادراکی، نتایج مختلفی به دست می‌آید. نتیجه اول اینکه ادراک با احساس متفاوت است. نتیجه دوم این است که اگر تعداد این خطاها زیاد باشد، به عنوان یک «خطای شناختی» وارد نظام ذهنی فرد می‌شود. در آن صورت نتایج آن بسیار خطرناک‌تر از خطاهای ادراکی همچون خطای مولر- لایر است!

سؤال درس اول درباره جراحی زیبایی مکرر را به خاطر بیاورید. بسیاری از این افراد در ادراک خود از بدنشان مشکل دارند. چه بسا این قبیل افراد بسیار زیبا باشند، اما به دلیل خطای شناختی، به طور مکرر، جراحی مکرر می‌کنند.



دانش‌آموزان از درجه دشواری مطالب درسی درک متفاوتی دارند؛ برخی مطالب را سهل و برخی دیگر همان مطلب را دشوار می‌پندارند. مشکل بودن یک درس احتمالاً به دلیل روش غلط مطالعه است، نه اینکه واقعاً دشوار است.

مکتب گشتالت

یکی از مکاتب مهم روان‌شناسی، مکتب گشتالت است. «گشتالت» یک واژه آلمانی به نام کل و هیئت است. روان‌شناسان گشتالت بر این باور بودند که روش‌های جزء‌نگر، درک جامعی ایجاد نمی‌کند.

فعالیت ۳-۱۳

بسیاری از افراد در فضای مجازی، خود را با عکس نیمرخ‌شان (پروفایلشان) به دیگران معرفی می‌کنند. به نظر شما کدام شکل زیر موفق‌تر است؟ چرا؟

- ۱ تصویریری تمام قد و کامل از خود؛
- ۲ تصویریری از نمای بسیار نزدیک یا نیمی از صورت خود.

روان‌شناسان پیرو مکتب گشتالت اعتقاد داشتند «کل بیشتر از مجموع اجزا است.» از نظر آنها کل، علاوه بر مجموع اجزا، شامل روابط بین اجزا هم می‌شود که از جمع اجزا به دست نمی‌آید.

روان‌شناسان پیرو مکتب گشتالت سعی کردند با استفاده از برخی اصول ساده منظور خود را تبیین کنند. یکی از مهم‌ترین این اصول، اصل شکل و زمینه است. منظور از این اصل این است که ادراک ما از یک شکل، تحت تأثیر زمینه‌های مختلف، تغییر می‌کند.

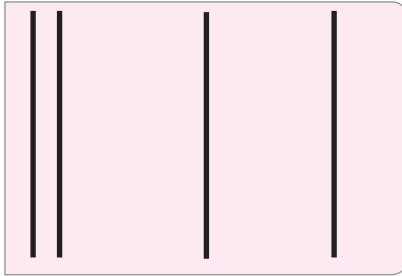
به شکل پایین توجه کنید. همچنان که می‌بینیم در این شکل حرف B بدون توجه به A و C عدد سیزده خوانده می‌شود. در حالی که همین عدد وقتی با حروف A و C می‌آید حرف B خوانده می‌شود. همچنین دو دایره نارنجی وسط دایره‌های مختلف، علیرغم اندازه یکسان به صورت متفاوت ادراک می‌شوند.

	A	
12	13	14
	C	

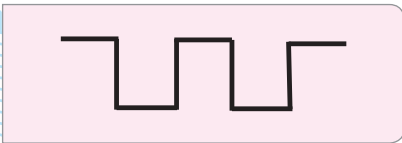
ادراک یک شکل، تحت تأثیر زمینه آن شکل است.

برخی اصول دیگر روان‌شناسی گشتالت به قرار زیر است:

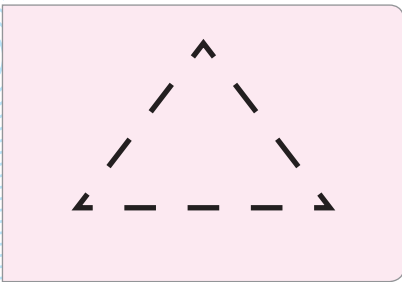
مجاورت: وقتی چند شیء در کنار یکدیگر باشند ما آنها را به صورت یک گروه ادراک می‌کنیم.



مشابهت: ما معمولاً تمایل داریم اشیا را بر اساس شباهت آنها در یک مقوله طبقه‌بندی کنیم. همچنان که در شکل روبه‌رو می‌بینیم ما در این شکل، ۴ خط جداگانه ادراک نمی‌کنیم، بلکه می‌گوییم یک خط دوتایی و دو خط یکی.



استمرار: ما گرایش داریم اشکال را به صورت متصل و پیوسته ببینیم، نه منقطع و غیرپیوسته. اگر به فرد بگوییم این تصویر را ادامه بده همین‌گونه ادامه خواهد داد.



تقارب: ما تمایل داریم اشیای ناقص را به صورت کامل ببینیم.

دانش امروزی از ادراک بسیار فراتر از آن چیزی است که روان‌شناسان گشتالت مطرح کردند. شواهد تجربی جدید نشان می‌دهد که، علاوه بر ویژگی‌های حسی، ادراک به شدت از نوع پردازش افراد اثر می‌پذیرد. مفهوم پردازش ادراکی و مفهومی درس اول را به خاطر آورید. فرض کنید یک فرد نوآموز زبان فارسی و یک فرد مسلط به زبان فارسی، متن داخل شکل صفحه بعد را می‌خوانند.



ادراک تحت تأثیر نوع پردازش است.

واژه «را» به وسیله فرد نوآموز دوبار خوانده می‌شود. در حالی که فرد مسلط به زبان فارسی آن را یک بار می‌خواند. فرد اول دارای پردازش ادراکی و فرد دوم دارای پردازش مفهومی است. شما هم می‌توانید این آزمایش را روی یک بزرگسال و یک دانش‌آموز پایه اول یا دوم ابتدایی اجرا کنید. نتایج آن جالب توجه خواهد بود.

به واسطه ادراک، محرک‌های بیرونی به اطلاعات روان‌شناختی معنادار تبدیل می‌شود. ما این اطلاعات را در مخزنی به نام حافظه نگهداری می‌کنیم. در درس بعد با موضوع حافظه و مهم‌ترین علل فراموشی آشنا خواهید شد.

جمع بندی درس

با توجه به آنچه از این درس فراگرفتیم می‌خواهم مشکلات مربوط به توجه را کاهش دهم.

در این راستا باید این کارها را انجام دهم:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

واژگان اصلی

علم ، مسئله ، فرضیه ، قانون ، نظریه ، سطح صوری و تجربی ، روش علمی ، متغیر، تعریف عملیاتی ، تکرارپذیری ، رفتار ، شناخت ، پردازش ادراکی ، پردازش مفهومی ، دستگاه عصبی، مشاهده ، مصاحبه ، پرسش نامه ، آزمون.

حافظه و علل فراموشی

۴



از دانش آموز انتظار می‌رود در پایان این درس بتواند:

- ۱ جهت ارتقا و بهسازی حافظه راهکارهای عملیاتی ارائه دهد.
- ۲ با بررسی راهکارهای بهبود حافظه چرایی اثربخش‌تر بودن بعضی را توضیح دهد.
- ۳ جهت کاهش فراموشی کودکان و بزرگسالان سه راهکار عملی ارائه دهد.
- ۴ با تحلیل فرایند حافظه (مراحل و انواع) آن را در به‌یادسپاری یک مطلب درسی به نمایش گذارد.
- ۵ با تحلیل و بررسی فراموشی‌های خود و دیگران علل و عوامل آنها را مشخص کند و برای کاهش و بهبود آنها دو راهکار مناسب ارائه دهد.
- ۶ راهکاری مناسب برای کاهش اثر گذشت زمان نشان دهد.

مقدمه

یکی از شگفت‌آورترین پدیده‌های شناختی انسان، حافظه است. لحظه‌ای را تصور کنید که همه اطلاعات موجود در حافظه را از دست بدهیم. در آن صورت، نمی‌توانستیم مسیر برگشت به منزلمان را پیدا کنیم؛ از کنار دوستان و آشنایان با بی‌تفاوتی عبور می‌کردیم؛ قادر به یادآوری هیچ دانشی نبودیم و نمی‌توانستیم دو عدد ساده را در هم ضرب کنیم.



تصورات و ادراکات قبلی ما در حافظه، ذخیره می‌شود. مطالب فصل اول در تعریف شناخت را به خاطر آورید. یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های انسان، قدرت تفکر اوست. اگر حافظه شکل نگیرد، تفکری هم نخواهد بود. حافظه ابزاری برای گذر از شناخت پایه (مثل توجه و ادراک) و ورود به شناخت عالی، یعنی تفکر است.

- ۱ اولین خاطره در چه سنی شکل می‌گیرد؟
 - ۲ آیا می‌دانید نوزادان، در اولین روز تولد، قادر به تشخیص بوی مادرانشان از سایر افراد هستند؟
 - ۳ آیا می‌دانید هر کس از حافظه‌اش بیشتر استفاده کند، دیرتر از دیگران دچار اختلالات حافظه می‌شود؟
 - ۴ آیا می‌دانید در ظرفیت حافظه هیچ محدودیتی وجود ندارد؟
 - ۵ آیا افرادی که در محاکم قضایی به عنوان شاهد، شهادت می‌دهند از هر نوع خطای حافظه مصون هستند؟
- سؤال‌های فوق نمونه‌ای از پرسش‌های جذابی است که درباره حافظه مطرح می‌شود. اطلاعاتی که قبلاً به وسیله توجه و ادراک دریافت کرده‌ایم در حافظه ذخیره می‌شوند.

فعالیت ۴-۱

سعی کنید قدیمی‌ترین خاطره‌ای را که در حافظه خود دارید برای دوستانتان نقل کنید. ضمن نقل آن خاطره قدیمی، زمان آن را هم بنویسید. به نظر شما قدیمی‌ترین خاطره به چه سنی برمی‌گردد؟ سنی را که شما بیان کردید با سن‌های بیان شده از سوی هم‌کلاسی‌ها مقایسه کنید. میانگین به یاد آوردن خاطره به چه سنی برمی‌گردد؟

مراحل حافظه



زهره تصمیم می‌گیرد در نمایشگاه کتاب از غرفه کتاب‌های داستانی هشت سال دفاع مقدس بازدید کند. وی پس از بازدید، کتابی با عنوان «پایی که جا ماند» را ملاحظه می‌کند. تصمیم می‌گیرد این کتاب را بخرد. بعد از مطالعه به دوستش سپیده می‌گوید: من کتاب

جالبی با عنوان «پایی که جا ماند» را خریدم. این کتاب را یکی از آزادگان نوشته است و آن را به یک گروه‌باز عراقی که در زمان اسارت او را خیلی شکنجه می‌کرد تقدیم کرده است. سپیده بعد از شنیدن این اطلاعات از زهره می‌خواهد تا چند روزی کتاب را به وی امانت دهد و زهره قول می‌دهد فردا کتاب را به دوستش بدهد و برای اینکه فراموش نکند یک روبان قرمز روی کیفش می‌گذارد. روز بعد زهره از به یاد ماندن تقاضای دوستش خوشحال است و با شادمانی کتاب را به دوستش امانت می‌دهد.

چطور شد که زهره روز بعد کتاب را با خود به همراه آورد؟

در این مثال، «عمل به وعده»، متضمن شکل‌گیری حافظه بوده است.

در گام نخست باید درخواست سپیده به یک رمز قابل قبول تبدیل شود و به حافظه سپرده شود. بعد از اینکه به حافظه سپرده شد باید تا صبح روز بعد آن اطلاعات حفظ شود. گام آخر، بیرون کشیدن اطلاعات سپرده شده از حافظه است.

در اینجا سه مرحله حافظه شکل گرفته است. گام به حافظه سپردن، **رمزگردانی**^۱ نام دارد. مدت زمان نگهداری اطلاعات، ذخیره‌سازی یا **اندوزش**^۲ نام دارد. آخرین مرحله حافظه، یعنی به خاطر آوردن اطلاعات ذخیره شده، **بازیابی**^۳ نام دارد. حافظه در هر یک از این مراحل امکان خطا دارد.

۱ - Encoding

۲ - Storage

۳ - Retrieval

در شکل زیر مراحل سه‌گانه حافظه آمده است.

بازیابی

ذخیره‌سازی

رمزگردانی

مراحل سه‌گانه حافظه

آیا همه افراد به یک شکل اطلاعات را رمزگردانی می‌کنند؟



رمزگردانی به صورت‌های مختلف صورت می‌گیرد. کودکان به صورت جزء به جزء اطلاعات را رمزگردانی می‌کنند، در حالی که بزرگسالان به صورت کلی و خلاصه رمزگردانی می‌کنند. رمزگردانی جزء به جزء شامل جزئیات یک موضوع یا رویداد است. در حالی که رمزگردانی کلی در برگیرنده خلاصه موضوع است. در رمزگردانی جزء به جزء، امکان خطای بیشتری وجود دارد. به همین دلیل به حافظه کودکان نمی‌توان اعتماد کرد.

فعالیت ۲-۴

با توجه به مثال‌های زیر، نوع رمزگردانی هر یک را مشخص کنید.

- ۱ چشم‌های خود را ببندید. دبیرتان یک عدد هشت رقمی را برای شما می‌خواند و از شما می‌خواهد بعد از شنیدن عدد، آن را به همان ترتیبی که خوانده شده بازگو کنید. رمزگذاری خود را برای یادآوری این شماره بیان کنید.
 - ۲ معلم، شماره تلفنی را بر روی تابلو نوشته و بلافاصله پاک می‌کند و از بچه‌ها می‌خواهد که شماره مورد نظر را بیان کنند.
 - ۳ معلم شماره دیگری را برای بچه‌ها خوانده و آن را روی تابلو یادداشت می‌کند. بچه‌ها با نگاه به اعداد سعی می‌کنند آن را به راحتی به یاد بیاورند. یکی از بچه‌ها درمی‌یابد که اعداد شماره تلفن را می‌تواند به دو مجموعه چهارتایی که مربوط به دو واقعه تاریخی مهم است و از قبل آن را به خوبی یاد گرفته تبدیل کند.
- کدام یک از این سه پایدارتر است؟ چرا؟

همان‌طور که در این فعالیت ملاحظه شد، رمزگردانی به انواع شنیداری، دیداری و معنایی تقسیم می‌شود.

فعالیت ۳-۴



در مثال زیر، علی از کدام رمزگردانی استفاده کرده است؟ چرا؟
علی هنگام برگشت به منزل بسیار گرسنه بود. به تابلوی
ساندویچی سر کوجه نگاه کرد و شمارهٔ تلفن را در ذهن خود
مرور کرد. سپس هنگامی که به خانه رسید بلافاصله گوشی
تلفن را برداشت و برای نهار خود ساندویچ سفارش داد.

آیا همه افراد اطلاعات را با دوره زمانی یکسانی ذخیره می کنند؟

- ۱ نام و نام خانوادگی تان را بنویسید؟
- ۲ معلم کلاس اول ابتدایی چه کسی بوده است؟
- ۳ بهترین دوست دوران دبستان شما چه کسی بود؟
- ۴ زبان انگلیسی را از چه سالی آموختید؟
- ۵ جذاب ترین درس سال گذشته شما چه درسی بوده است؟
- ۶ آخرین مسافرت یک ماه گذشته را به خاطر آورید؟ (چه زمانی بود؟ به کجا رفتید؟)
- ۷ از هفته گذشته تاکنون چه ورزش هایی را انجام داده اید؟ چه مسابقاتی را تماشا کرده اید؟
- ۸ عصر دیروز مشغول مطالعه چه کتابی بوده اید؟

همچنان که از این مثال ها پیداست، زمان ذخیره سازی اطلاعات متفاوت است. برخی از اینها مربوط به اولین خاطرات عمر شما، برخی دیگر به چند سال گذشته و بعضی نیز به ساعت پیش برمی گردد؛ بنابراین، براساس زمان ذخیره سازی می توان خاطرات را درجه بندی کرد.

سؤال

چند دقیقه سکوت کنید و به قدیمی ترین خاطره ای که در حافظه تان به یاد مانده فکر کنید و آن را روی کاغذ بنویسید. این خاطره مربوط به چندسالگی شماست؟

آیا برای داشتن یک حافظه قوی، رمزگردانی و ذخیره‌سازی کافی است؟



سومین مرحله حافظه، بازیابی نام دارد. در بازیابی، اطلاعات از حافظه فراخوانده می‌شود. برخی، با اینکه رمزگردانی خوبی دارند و اطلاعات را برای مدت زمان طولانی در ذهن نگهداری می‌کنند، اما نمی‌توانند آنها از حافظه بیرون بیاورند.

در «پدیده نوک‌زبانی» فرد می‌گوید من پاسخ این سؤال را می‌دانم، (اصطلاحاً در نوک زبان من است) ولی نمی‌توانم بگویم. اگر شما چنین وضعیتی را تجربه کرده‌اید، بدانید در مرحله بازیابی آن اطلاعات مشکل دارید. در این حالت به فرد مقابل می‌گویید: لطفاً اولین کلمه آن را بگویید! بعد از شنیدن اولین کلمه بلافاصله بقیه اطلاعات به خاطرتان می‌آید. بازیابی اطلاعات از حافظه، به نشانه‌های آن اطلاعات وابسته است. هرچه نشانه بیشتری داشته باشیم، بازیابی بهتری انجام می‌شود. در پدیده نوک‌زبانی، گفتن اولین کلمه یکی از نشانه‌های مرتبط به آن بوده است.

فعالیت ۴-۴

معلم دینی از بچه‌ها خواسته بود که آیه‌الکرسی را برای جلسه بعد حفظ کنند. مریم در جلسه بعد آماده پاسخ‌گویی بود. با وجود تسلط و آمادگی قبلی، زمانی که آیه اول را خواند، در به‌یاد آوردن اول آیه دوم، دچار مشکل شد. به محض شنیدن اولین کلمه آیه دوم به راحتی بقیه آیه را قرائت کرد. به نظر شما مریم در کدام یک از سه مرحله حافظه (رمزگردانی، اندوزش، بازیابی) دچار مشکل شده است؟ چرا؟

انواع حافظه

فعالیت ۵-۴

به نمودار زیر نگاه کنید و آنچه را که درباره حافظه از آن درمی‌یابید در کلاس مطرح کنید.

حافظه بلند مدت

حافظه کوتاه مدت و حافظه کاری

حافظه حسی

صفحه‌ای از کتاب را در یک اتاق تاریک به طور اتفاقی باز کنید. آن گاه دکمه فلاش دوربین

را فشار دهید. لازم نیست عکس بگیرید، فقط فلاش بزنید. در این حالت می‌توانید بیشتر متن کتاب را ببینید، اما قادر به فهم آن نخواهید بود. هر چند نور فلاش فقط چند هزارم ثانیه دوام می‌آورد، ولی شما تصویر کتاب را به مدت حدود نیم ثانیه می‌بینید.

در مثال فوق، حافظه حسی شکل گرفته است. اطلاعات محیط پیرامون ما ابتدا از طریق گیرنده‌های حسی (چشم) دریافت می‌شوند و سپس در مدت زمان کمتر از یک ثانیه ردی^۱ از آن در حافظه حسی ما می‌مانند. حجم ردهای حسی زیاد، اما مدت ذخیره‌سازی آنها کوتاه است. ردهای حسی ذخیره شده در حافظه حسی، در صورت توجه به اطلاعات تبدیل می‌شوند و به حافظه کوتاه مدت و حافظه کاری انتقال می‌یابند. حافظه کاری، علاوه بر ذخیره‌سازی کوتاه مدت، کمک خوبی برای تفکر است.

جدول ۴-۱- مقایسه حافظه حسی، کوتاه مدت و کاری و بلندمدت با توجه به مراحل حافظه

زمان بازبازی	ظرفیت یا گنجایش اندوژش	نوع رمزگردانی	مراحل حافظه / انواع حافظه
حدود نیم ثانیه	نامحدود	حسی	حسی
چند دقیقه	7 ± 2 ماده	حسی (همراه با توجه)	کوتاه مدت
از چند دقیقه تا آخر عمر	نامحدود	عمدتاً معنایی	بلندمدت

در حافظه کوتاه مدت فقط تا چند دقیقه می‌توانیم اطلاعات را ذخیره کنیم. ملاک ذخیره‌سازی اطلاعات در این حافظه فقط ذخیره‌سازی کوتاه (حداکثر چند دقیقه) است. ما بسیاری از اطلاعات را براساس میزان استفاده از آنها در مدت زمان کوتاه به خاطر می‌سپاریم. در این صورت با حافظه کاری سروکار داریم.

نمی‌توانیم بیش از چند اطلاعات را برای مدت کوتاهی ذخیره کنیم. مهم‌ترین دلیل فراموشی اطلاعات در حافظه کوتاه مدت، محو شدن مواد اطلاعاتی حافظه به دلیل گذشت زمان یا جایگزینی مواد اطلاعاتی با موارد جدید است.

اگر بخواهید به صورت هم‌زمان یادآوری یک بیت شعر، یک فرمول ریاضی و آیه‌ای از قرآن را در ذهن فعال نگه دارید، نیرویی که صرف فعال‌سازی هر یک از آنها می‌شود، کمتر خواهد شد.

فعالیت ۴-۶

به گروه‌های دو نفره تقسیم شوید. یکی از شما کتاب را بسته و این بیست لغت را برای دوستان بخوانید: کاغذ، اتومبیل، سنگ، چمن، میخ، رایانه، مداد، کت، میدان، دریا، ماکارونی، هواپیما، زکات، مسابقه، یخ، والیبال، فردوسی، پول، روزه و ماهی. سپس از دوستان بخواید بعد از بیان کامل لغات، هر چه در ذهن دارد را برای شما بازگو کند. از دیگر هم‌کلاسی‌هایتان هم بپرسید چند لغت را توانستند به یاد بیاورند؟

با اجرای فعالیت ۴-۶ به احتمال زیاد حداکثر لغت قابل یادآوری 2 ± 7 لغت است. یعنی ۵ تا ۹ لغت را می‌توان به یاد آورد. این حالت را «فراخنای ارقام» می‌گویند.



حافظه کاری، نقش مهمی در تفکر دارد و همانند یک تخته سیاه است که ذهن محاسباتش را بر روی آن انجام می‌دهد.

بنابراین حافظه کاری دو کارکرد مهم زیر را دارد:
۱ مطالبی را که به مدت کوتاهی لازم داریم، ذخیره می‌کند. (حافظه کوتاه‌مدت)؛

۲ فضای کار برای فعالیت جاری ذهن فراهم می‌کند.

در آزمایش مربوط به یادآوری لغات اگر به دوستانتان بگویید من ده دقیقه فرصت می‌دهم تا هر چه می‌توانید آن ۲۰ لغت را تکرار کنید و بعد از ده دقیقه تعداد لغات قابل یادآوری را بازگو کنید. در آن صورت تعداد لغات بازگو شده بیشتر از مرحله قبل خواهد بود. در این حالت، حافظه جدیدی شکل گرفته است. حافظه جدید، حافظه بلندمدت نام دارد. حجم اطلاعات ذخیره شده و مدت زمان نگهداری اطلاعات در حافظه بلندمدت، محدودیتی ندارد. در حافظه بلندمدت، اطلاعات از چند دقیقه تا پایان عمر ذخیره می‌شود.

یکی از ساده‌ترین شیوه‌های انتقال اطلاعات از حافظه کوتاه‌مدت به بلندمدت، بازگویی و تمرین است.

سه حافظه حسی، کوتاه‌مدت و بلندمدت با توجه به مراحل حافظه در جدول ۴-۱ با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

سؤال

عبارت زیر را بخوانید و بگویید حافظه کوتاه‌مدت با حافظه کاری چه فرقی دارد؟ از آنجا که شکل‌گیری حافظه کاری، علاوه بر اثرپذیری از زمان، تابع میزان استفاده ما هم هست، بنابراین ظرفیت ذخیره‌سازی و زمان بازیابی اطلاعات، برخلاف حافظه کوتاه‌مدت، می‌تواند بیشتر باشد؛ چرا؟



حافظه با توجه به نوع اطلاعات

معنایی

رویدادی

با توجه به نوع اطلاعات، حافظه به دو نوع معنایی و رویدادی تقسیم می‌شود. به مثال‌های زیر توجه کنید:

● نظریه را تعریف کنید؟

● بین احساس و ادراک چه تفاوتی وجود دارد؟

● دیروز همین ساعت کجا بودید؟

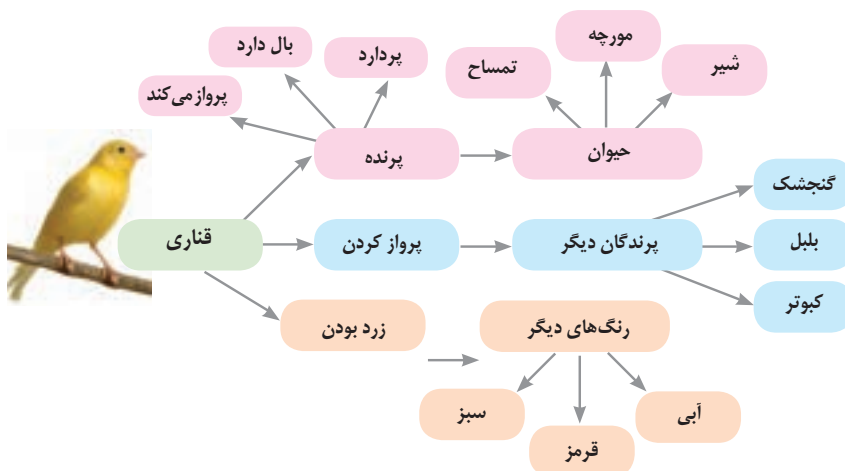
پاسخ به دو پرسش اول دربرگیرنده شکل‌گیری حافظه معنایی است. در این حافظه، دانش عمومی ذخیره می‌شود. پاسخ به پرسش سوم در برگیرنده تجربه مشخصی است که به یک زمان و مکان مشخصی مربوط می‌شود.

فعالیت ۴-۷

به پرسش‌های زیر توجه کنید و بگویید پاسخ به این پرسش‌ها به حافظه معنایی مربوط می‌شود یا رویدادی؟ چرا؟

- مهم‌ترین علل آلودگی ناشی از ریزگردها را توضیح دهید.
- اصول دین شامل چه مواردی است؟
- ساعت ۵ بعد از ظهر دیروز کجا بودید؟
- با توجه به زمان، حافظه به چند نوع تقسیم می‌شود؟
- در عملیات فتح‌المبین چه مناطقی از کشور عزیز ما آزاد شد؟
- نام محل اقامت امام خمینی در فرانسه چه بوده است؟

معانی کلمات به صورت پیاپی و مرتبط با سایر معانی شکل می‌گیرند. چند لحظه به واژه «قناری» فکر کنید. همراه این کلمه چه چیزهایی در حافظه شما به یاد آورده می‌شود.



شبکه سلسله مراتبی واژه «قناری» در حافظه معنایی

سؤال

حال که با مراحل حافظه و انواع آن آشنا شدید، بگویید چرا مطالعه مراحل حافظه و انواع حافظه مهم است؟

برای پاسخ به این سؤال به مطالب بعدی توجه کنید.

عوامل مؤثر در ایجاد فراموشی

همه ما تلاش می‌کنیم اطلاعاتی را که به حافظه سپرده‌ایم از دست ندهیم تا در هنگام نیاز قادر به فراخوانی آن اطلاعات از حافظه باشیم. با این وجود حافظه ما دچار خطا می‌شود. خطاهای حافظه به دو دسته: ۱- حذف کردن و ۲- اضافه کردن تقسیم می‌شود. خطای از نوع «حذف کردن»^۱ را با عنوان «فراموشی»^۲ می‌شناسیم. در این خطا فرد بخش‌هایی از خاطرات سپرده شده را فراموش می‌کند. برخی از افراد در یادآوری اطلاعات گذشته، به تحریف خاطرات یا افسانه‌بافی روی می‌آورند. این موارد نمونه‌ای از خطای نوع «اضافه کردن»^۳ است. در این خطا فرد چاله‌های ایجاد شده را پر می‌کند. یکی از رایج‌ترین خطاهای «اضافه کردن» بازشناسی یا

۱ - Omit

۲ - Forgetting

۳ - Add

یادآوری غیرواقعی رویداد اتفاق نیفتاده است که فرد به غلط ادعا می کند آن رویداد خاص قبلاً اتفاق افتاده است. در چنین حالتی می گویند حافظه کاذب^۱ شکل گرفته است. در محاکم قضایی که از حافظه شاهدان عینی یک حادثه برای جمع آوری مستندات وقوع جرم استفاده می شود، به دلیل خطای اضافه کردن، احتمال شکل گیری حافظه کاذب وجود دارد.



خطاهای حافظه

اضافه کردن

حذف کردن

در این بحث بیشتر به خطای «حذف کردن» یعنی فراموشی می پردازیم. ما تمایل نداریم اطلاعات گذشته را فراموش کنیم، ولی فراموشی خاطرات آزاردهنده، نعمت بزرگی است. فراموشی یعنی ناتوانی در یادآوری و بازشناسی اطلاعاتی که قبلاً وارد حافظه شده است. اکنون به برخی از مهم ترین عوامل ایجادکننده فراموشی اشاره می شود:

سؤال

به نظر شما مهم ترین علل فراموشی چیست؟
برای دانستن درستی یا نادرستی پاسختان به مطالب بعدی توجه کنید.

۱- گذشت زمان: اگر یک نقاشی زیبا را جلوی نور آفتاب قرار دهیم و تا یک هفته به صورت روزانه به آن نقاشی سرریزیم، چه اتفاقی رخ می دهد؟ با گذشت هر روز، آن نقاشی کم رنگ و کم رنگ تر می شود. یکی از عوامل مؤثر بر ایجاد فراموشی، گذشت زمان است.



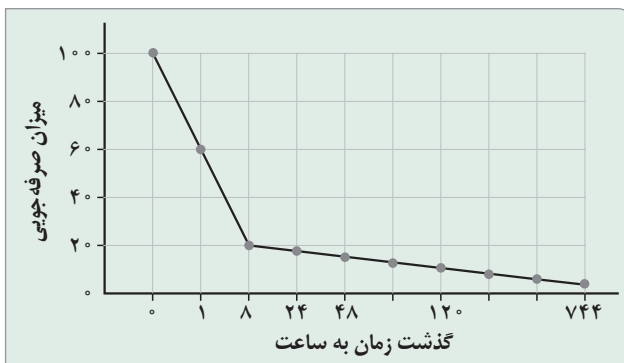
ابینگهوس^۲ آزمایش جالبی در این باره انجام داد. او مجموعه ای از واژگان بی معنا همانند (داک، ووک، ساد و سیت) را حفظ کرد و بعد سعی کرد آنها را به خاطر آورد. آزمایش وی دو نتیجه در برداشت:

۱ با گذشت زمان، بعضی از واژگان فراموش شدند.

۲ بیشترین مقدار فراموشی در ساعت های نخست بعد از یادگیری صورت می گیرد و هرچه برگذشت زمان افزوده می شود، از شدت فراموشی کاسته می شود. به شکل صفحه بعد توجه کنید.

۱- False memory

۲- Ebbinghaus



اثر گذشت زمان بر فراموشی (نمودار فراموشی)

فعالیت ۴-۸

به نظر شما، با توجه به نمودار فراموشی، کدام یک از افراد زیر با فراموشی کمتری روبه‌رو خواهند شد؟ چرا؟

حسین، برخلاف رضا، کل روزهای هفته را به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌کند که صبح هر روز به یادگیری کتاب خاص و بعدازظهر آن به یادآوری مطالب صبح می‌پردازد. رضا، برای آمادگی بیشتر، شیوه مطالعه خودش را به صورتی برنامه‌ریزی می‌کند که هر روز به یادگیری درسی خاص بپردازد. به گونه‌ای که اگر در روز شنبه زبان انگلیسی می‌خواند، در شنبه هفته بعد به مرور آموخته‌های خودش در این درس می‌پردازد. با توجه به نمودار فراموشی، شیوه مطالعه رضا درست است یا خیر؟ چرا؟

سؤال

به این دو مثال توجه کرده، سؤال را پاسخ دهید.

۱) فاطمه شب گذشته به تماشای سریال مورد علاقه‌اش پرداخت. وی، به دلیل خواب‌آلودگی، نتوانست دقیق آخر سریال را ببیند. صبح روز بعد وقایع اتفاق افتاده آن سریال را برای دوستش تعریف کرد. در انتهای صحبت‌هایش وقایعی از آن سریال را بازگو می‌کند که به دلیل خواب‌آلودگی ندیده بود. در این مثال چه خطایی رخ داده است؟

۲) علی همه ده بیت شعر حافظ در کتاب درسی را حفظ کرده است. هنگام یادآوری، بیت پنجم را نخوانده، اشعار را به پایان می‌رساند. در این مثال چه خطایی رخ داده است؟



همچنان که در نمودار فراموشی می‌بینیم در ۲۴ ساعت اول تقریباً نیمی از مطالبی که به حافظه سپرده می‌شود فراموش می‌شود. همین‌طور در دو روز اول بعد از یادگیری ۶۰ درصد اطلاعات فراموش می‌شود. بهترین شیوه کنترل اثر گذشت زمان، مرور اطلاعات در زمان مناسب است.

سؤال

با توجه به منحنی نمودار فراموشی بهترین زمان برای مرور اطلاعات چه وقتی است؟ به نظر شما شدت فراموشی در کدام یک از فواصل بعد از یادگیری بیشتر است؟

۲- تداخل اطلاعات: فرض کنید دبیر درس روان‌شناسی، بخشی از فصل حاضر را برای همه دانش‌آموزان کلاس تدریس کرده است. بعد از تدریس، دانش‌آموزان را به دو گروه تقسیم می‌کند. به یک گروه اجازه می‌دهد نیم‌ساعت استراحت کنند و برای گروه دیگر ادامه فصل را تدریس می‌کند. سپس هر دو گروه را در کلاس می‌نشانند و از آنان می‌خواهد تا به سوالات بخشی که به هر دو گروه تدریس شد، پاسخ دهند. به نظر شما احتمال موفقیت کدام گروه بیشتر است؟

گروهی که استراحت کرده‌اند، موفقیت بیشتری خواهند داشت. گروهی که درگیر یادگیری بخش دوم بودند، نسبت به گروه دیگر، در امتحان احتمالاً موفقیت کمتری دارند. علت عملکرد ضعیف آنها، تداخل اطلاعات است؛ چون اثر گذشت زمان برای هر دو گروه یکسان بوده است.

۳- عوامل عاطفی: بسیاری از دانش‌آموزان، دشوارترین اسامی خارجی همچون اسامی فوتبالیست‌ها، والیبالیست‌ها، هنرپیشه‌ها و نام‌های سخت خودروهای مختلف را به راحتی بیان می‌کنند. علت چیست؟

یکی از دلایل آن دخالت عوامل عاطفی است. به این معنا که چون دانش‌آموزان به این موارد علاقه‌مند هستند، اسامی ورزشکاران، هنرمندان و خودروها را به راحتی رمزگردانی، اندوزش و بازیابی می‌کنند. هر چه مطالب را دوست داشته باشیم، فراموشی آنها کمتر است. دخالت عوامل عاطفی بر حافظه، همیشه به صورت مثبت نیست.

به مثال زیر توجه کنید:

پروانه یکی از کتاب‌های مورد علاقه‌اش را اخیراً از نمایشگاه کتاب، خریداری کرد. بعد از مطالعه، علاقه وی بیش از گذشته شد. وی محتوای کتاب را برای دوستش سوسن تعریف می‌کند. سوسن بعد از شنیدن محتوای کتاب از وی می‌خواهد کتاب را برای خواندن به او امانت دهد.

پروانه با اینکه تمایل داشت به دوستش خدمتی بکند، به دلیل نگرانی از آسیب رسیدن احتمالی به کتاب، صبح روز بعد فراموش می کند کتاب را با خود به همراه بیاورد.

چرا پروانه فراموش کرد کتاب را با خود به همراه بیاورد؟

۴- رمزگردانی نادرست: حسین، عصر دیروز، برای خرید نوشت افزار به مغازه لوازم التحریر رفته است. وی همه لوازم مورد نیازش را خریده است. بعد از مراجعه به منزل، برادرش قیمت همه نوشت افزار را می پرسد. حسین به دقت و بدون هیچ خطایی پاسخ می دهد. برادر حسین از او درباره رنگ چشم و رنگ پیراهن فروشنده سؤال می کند. او قادر به پاسخ به این سؤال نبود. علت موفق نبودن حسین در پاسخ به سؤال درباره رنگ چشم فروشنده، رمزگردانی نکردن آن موضوع بوده است. در واقع بسیاری از فراموشی ها در عمل ناشی از کم توجهی و نبود رمزگردانی است.

شما هر روز پله های ساختمان مسکونی خود را طی می کنید. آیا می توانید بگویید ساختمان مسکونی شما چند پله دارد؟
آیا تاکنون به آن دقت کرده اید؟

سؤال

- ۱ کفش ورزشی شما که اغلب در ساعات ورزش از آن استفاده می کنید، چند سوراخ دارد؟
- ۲ تعداد دفتر و کتاب هایی را که در سال تحصیلی فعلی از آنها استفاده می کنید، چقدر است؟
- ۳ مانتوی لباس شما چند دکمه دارد؟

۵- مشکلات مربوط به بازیابی

احمد: نام یک پرنده است.

محمد: نمی دانم، این همه پرنده داریم.

احمد: تخم گذار است.

محمد: همه پرنده ها تخم گذار هستند.

احمد: بال دارد.

محمد: همه پرنده ها بال دارند.

احمد: پر دارد ولی پرواز نمی کند.

محمد: حالا فهمیدم. آن پرنده شترمرغ است.
 در مثال فوق محمد نه در مرحله رمزگردانی و ذخیره‌سازی حافظه، بلکه در بازیابی، یعنی از حافظه درآوردن نام «شترمرغ»، مشکل داشت. در این مثال هرچه اطلاعات کامل تر می‌شد، به تعداد نشانه‌های لازم برای فراخوانی واژه شترمرغ افزوده می‌شد. بازیابی واژه شترمرغ، تابع تعداد نشانه‌های آن بوده است.
 بسیاری از افراد نشانه‌های کافی و درست برای بازیابی اطلاعات، از حافظه ندارند. نشانه‌ها را می‌توان به دو گروه درونی و بیرونی تقسیم کرد. منظور از نشانه درونی، نشانه‌های معنایی است و منظور از نشانه بیرونی، نشانه‌های حسی یا غیر معنایی است. به جفت واژگان جدول ۲-۴ توجه کنید:

جدول ۲-۴- ده جفت واژگان

خودکار	آسفالت	خط‌کش	ترافیک
خودرو	فرش	بالش	پنجره
مربا	توت‌فرنگی	پرتقال	میز
باران	قاشق	گوشی	استکان
برنج	حمایت	حافظه	چرخ

این ده جفت واژگان را برای دوستان بخوانید. سپس از وی بخواهید با گفتن کلمه اول، کلمه دوم را بگوید، در کدام جفت واژه، احتمال خطای کمتری بود؟ چرا؟
 تنها جفت واژه‌ای که احتمال خطای کمتری دارد، جفت واژه «مربا – توت‌فرنگی» است. علت آن این است که علاوه بر اینکه این دو واژه کنار یکدیگر قرار گرفتند (نشانه بیرونی) ارتباط معنایی هم دارند؛ زیرا با توت‌فرنگی مربا درست می‌شود (نشانه درونی). به همین دلیل ممکن است واژه خط‌کش با واژه دیگری مثل استکان بیاید، ولی واژه مربا با استکان همراه نمی‌شود.

○ فعالیت ۹-۴

شما هم ده جفت واژه بسازید که برخی واژگان، علاوه بر نشانه بیرونی، نشانه درونی هم داشته باشند. این آزمایش را برای خواهر، برادر یا دوست خود اجرا و نتایج آن را یادداشت کنید. از انجام دادن این فعالیت چه چیزی را دریافتید؟

برای بازیابی اطلاعات از حافظه، نشانه‌های درونی، کارآمدتر از نشانه‌های بیرونی است.

○ فعالیت ۱۰-۴

فرض کنید در آزمون تشریحی و چندگزینه‌ای یک درس شرکت کرده‌اید. بعد از خروج از جلسه امتحان، احتمال بازیابی پاسخ درست سوالات تشریحی بیشتر است یا چندگزینه‌ای؟ چرا؟ در این زمینه، پس از جست‌وجوی اینترنتی در قالب یک گزارش، به هم‌کلاسی‌هایتان توضیح دهید.

○ چگونه مطالعه کنیم تا حافظه بهتری داشته باشیم؟

در ادامه به چند روش کارآمد برای داشتن حافظه قوی‌تر اشاره می‌شود. به کارگیری این فنون در مطالعه کلیه کتاب‌های درسی بسیار مفید است. افرادی که حافظه قوی دارند، باهوش‌تر نیستند، فقط به فنون بیشتری برای بهسازی حافظه مسلط هستند.



۱ **بیان اهمیت مطلب:** برای اینکه حافظه شما پذیرای اطلاعات جدید باشد، سعی کنید در ابتدا، درباره اهمیت آن، اطلاعات کسب کنید. مطالب مهم و کاربردی، دوست داشتنی هستند. چیزی را که دوست نداشته باشیم، به راحتی رمزگردانی نمی‌شوند.



۲ **پرهیز از هم‌زمانی چند فعالیت (توجه ناقص):** به اطلاعات توجه دقیق داشته باشید. بیشتر افرادی که می‌گویند حافظه ما ضعیف است، مشکل حافظه ندارند، بلکه مشکل توجه دارند. از انتخاب هم‌زمان چند ماده اطلاعاتی پرهیز کنید. وقتی هم‌زمان چند موضوع

را به حافظه می‌سپاریم، حاصل آن شکل‌گیری حافظه‌های ضعیف از موضوع‌های مختلف است.

۳ **مرور کارآمد:** برای کنترل اثر گذشت زمان، از مرور مناسب استفاده کنید. مرور یعنی اینکه مطالب گذشته را تکرار کنیم. در مرور مطالب، در هر بار از خودتان بپرسید این بار به چه مفهوم جدیدی رسیدم که در دفعات گذشته به آن دست نیافتم. مرور مطالب فراتر از تکرار صرف است.

۴ **کاهش فاصله زمانی بین یادگیری یک مطلب و یادآوری آن:** برای کنترل اثر گذشت زمان، نباید فاصله مرور مطالب بیشتر از شش یا هفت ساعت باشد. بیشترین فراموشی در ساعات نخست بعد از یادگیری رخ می‌دهد؛ بنابراین، بهترین زمان مرور مطالب، چند ساعت بعد از یادگیری است.

۵ **کاهش اثر تداخل مطالب:** برای کنترل اثر تداخل، یادگیری عمیق داشته باشید. سعی کنید، علاوه بر واژگان، معانی آنها را هم بفهمید. وقتی که ابیات شعری را حفظ می‌کنید، گاهی اوقات بیت‌های مختلف یا مصرع هر بیت را جابه‌جا می‌کنید. علت آن، یادگیری سطحی و در نتیجه تداخل اطلاعات است.



۶ **یادگیری با استراحت:** برای کنترل اثر تداخل، از یادگیری با فاصله استفاده کنید. یادگیری جدید مانع یادآوری قبلی می‌شود. یادگیری با فاصله، اثر تداخل را کاهش می‌دهد.



۷ **ساماندهی مطالب:** منظور از ساماندهی، نظم‌بخشی و قفسه‌بندی اطلاعات است. در کتابخانه‌های فاقد فهرست‌نویسی، با اینکه همه کتاب‌ها در آن هست، به راحتی نمی‌توان کتاب مورد نظر را پیدا کرد. حافظه بدون نظم و انضباط، همانند کتابخانه بدون فهرست‌نویسی است.

۸ استفاده از رمزگردانی معنادار: اگر اطلاعات را به صورت معنایی تبدیل و از معانی مختلف برای سپردن به حافظه استفاده کنید، مطالب، دیرتر فراموش می‌شوند. حفظ عدد هشت رقمی ۱۳۸۱۲۰۰۲ به ترتیب می‌تواند سال تولد شما به دو صورت میلادی (۲۰۰۲) و شمسی (۱۳۸۱) باشد.



۹ مطالعه چند حسی: رمزگردانی بیشتر مطالب به صورت شنیداری است. اگر همین اطلاعات به صورت دیداری هم رمزگردانی شوند، رمزگردانی قوی‌تر می‌شود. به مثال زیر توجه کنید:
فرض کنید قصد دارید نام محصولات کشاورزی صادراتی کشورهای اسلامی را حفظ کنید. اگر صادرات کشور پاکستان سه

محصول برنج، پنبه و انبه باشد، حفظ آنها ممکن است با صادرات محصولات کشاورزی سایر کشورها تداخل کند. تصور یک فرد پاکستانی در حالی که به یک بالش پنبه‌ای تکیه داده و دو ظرف حاوی برنج و انبه پیش روی او باشد، احتمال تداخل را کمتر می‌کند. در این مثال، علاوه بر رمز شنیداری، از رمز دیداری هم استفاده شده است.

۱۰ روش پس‌خبا: از فنون بهسازی حافظه استفاده کنید. این روش از حروف اول پنج فن تشکیل شده است. خلاصه‌ای از روش پس‌خبا در جدول ۳-۴ آمده است.

جدول ۳-۴ - روش «پس‌خبا» برای بهسازی حافظه

پیش‌خوانی	مطالب هر فصل را پیش‌خوانی کنید تا برداشت کلی داشته باشید.
سؤال کردن	سعی کنید در مورد متن چند سؤال کلیدی داشته باشید.
خواندن	مطالب را به دقت بخوانید تا بتوانید به پرسش‌ها پاسخ دهید.
به خود پس‌دادن	جواب‌ها را بیان کنید و در صورت لزوم دوباره متن را بخوانید.
آزمون	به صورت منظم یادآوری اطلاعات را آزمایش کنید.

۱۱ استفاده از سایر اندام‌های بدن: یادداشت‌برداری، برجسته کردن مفاهیم، خلاصه‌نویسی، رسم نمودار و حرکاتی از این قبیل، بسیار مفید است. بسیاری از دانش‌آموزان به هنگام مطالعه دوست دارند فضایی را به صورت رفت و برگشت طی کنند و آن مطلب موردنظر را با راه رفتن بیاموزند.

فعالیت ۴-۱۱

فرض کنید در منزل چیزی را گم کرده‌اید. از خواهرتان می‌پرسید که فلان وسیله من را ندیدی؟ هنوز سؤال شما به پایان نرسیده است، بلافاصله می‌گویید: آها، یادم آمد! می‌توانید بگویید چرا جای شیء گمشده به خاطر آن آمده است؟

۱۲ بسط معنایی: جامد یعنی چه؟ برای ذخیره شدن پاسخ درست این مفهوم، هرچه مثال‌های بیشتری داشته باشیم، مفهوم موردنظر بهتر از سایر مفاهیم در حافظه می‌ماند. فرض کنید فردی در آموزش مواد و اقسام آن می‌گوید: مواد شامل جامد، مایع و گاز است. در تعریف جامد می‌گوید: جامد ماده‌ای است که شکل آن تابع شکل ظرف آن نیست؛ مثلاً پاک‌کن یک ماده جامد است. اگر آن را در ظرف‌های مختلف قرار دهیم، شکل پاک‌کن تغییر نمی‌کند. حال اگر این فرد، علاوه بر پاک‌کن، از مثال‌های بیشتری برای بیان مفهوم جامد استفاده کند، از روش بسط معنایی استفاده کرده است.

مریم از پدرش می‌پرسد: «سونامی» چیست؟ پدر پاسخ می‌دهد: پیشروی آب را در خشکی سونامی می‌گویند. مریم می‌گوید: به نظرم این تعریف واژه خلیج است، پس با سونامی چه

تفاوتی دارد. پدر پاسخ می‌دهد: در دریا هم زلزله رخ می‌دهد. با وقوع زلزله دریایی، موج‌های بزرگی ایجاد می‌شود که به سواحل رسیده و ویرانی زیادی به بار می‌آورد. البته آب دوباره به دریا باز می‌گردد اما خلیج در طی میلیون‌ها سال تشکیل شده است. مریم گفت:



اکنون که توضیح دادید، متوجه شدم. در این مثال، با بیان مفهوم زلزله، بسط معنایی صورت گرفت و تفاوت دو مفهوم سونامی و خلیج معلوم شد.

۱۳ **تمایز بخشی:** منظور از تمایز بخشی، برجسته کردن تفاوت‌های دو مفهوم به لحاظ ظاهری و معنایی است. در مثال مربوط به مفهوم جامد، وقتی معلم یک لیوان آب را در ظرف‌های متعدد می‌ریزد، دانش‌آموزان می‌بینند که شکل آب، برخلاف پاک‌کن، تابع شکل ظرف‌های مختلف است. آب، یک مثال قابل تمایز برای تعریف جامد است. با طرح مثال آب، تعریف مفهوم جامد از مایع متمایز می‌شود.

۱۴ **برگردان به زبان خودتان:** اصرار بر حفظ واژگان کتاب، فراموشی بیشتری به دنبال دارد. برای اینکه دچار فراموشی نشویم بهتر است مطالب یاد گرفته را به زبان خودمانی برای خود بازگو کنیم.



فعالیت ۴-۱۲

برای پی‌بردن به ثمربخشی هر یک از روش‌های مطالعه هر هفته دو مورد از موارد آموخته را وارد سبک مطالعه‌تان کنید. از هر درسی که تمایل داشتید آغاز کنید. تجربه مثبت خودتان را برای دوستانتان نقل کنید.

بسیاری از دانش‌آموزان برای مطالعه دقیق از روش‌های خلاق زیادی استفاده می‌کنند. استفاده از تجربیات شخصی دیگران در اجرای فنون ذکر شده مفید است. در این فصل سعی شد حافظه و روش‌های تقویت آن معرفی شود. هرچند دستیابی به این هدف ارزشمند است، اما هدف از داشتن حافظه قوی، شکل‌دهی به تفکر است. بسیاری از دانش‌آموزان تصور می‌کنند وقتی مطلبی را به حافظه سپردند، به همه هدف‌های آن درس رسیده‌اند. این تصور اشتباه است. ما نمی‌خواهیم مثل یک رایانه ساده فقط ذخیره‌کننده اطلاعات باشیم. تکلیف اساسی به بعد از حافظه، یعنی پرورش تفکر، مربوط می‌شود. برای اینکه تفکر در شما شکل بگیرد، به حافظه قوی نیاز دارید. ولی حافظه قوی به تنهایی متضمن موفقیت نیست. در فصل بعد، یکی از مهم‌ترین اجزای تفکر، یعنی «مهارت حل مسئله»، معرفی می‌شود.

مطالب این درس را می توان در روش های تقویت حافظه خلاصه کرد با توجه به موارد مطرح شده یک اینفوگراف (متن تصویری) خلاقانه درست کرده و در کلاس ارائه دهید.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

واژگان اصلی

حافظه، رمزگردانی، ذخیره‌سازی، بازیابی، حافظه‌حسی، حافظه‌کاری، حافظه بلندمدت، حافظه کاذب، یادآوری، بازشناسی، فراموشی، تداخل، نشانه‌های درونی و بیرونی، رمزگردانی معنادار، روش‌پس‌خبا، بسط‌معنایی، تمایز بخشی.



تفکر (۱) حل مسئلہ

۵



از دانش آموز انتظار می رود در پایان این درس بتواند:

- ۱ دو راه کار برای تبدیل مسئله های بدساختار به خوب ساختار ارائه دهد.
- ۲ برای کاهش شکست در حل مسئله و ناکامی راه درست حل مسئله را عملاً به کار گیرد.
- ۳ یک مسئله خوب را انتخاب و ویژگی های آن را تبیین کند.
- ۴ عوامل مؤثر بر حل یک مسئله را در یک مسئله به نمایش بگذارد.
- ۵ مراحل حل مسئله را با یک مسئله واقعی گزارش دهد.

مقدمه



در فصل گذشته با حافظه و نقش آن در ساختار ذهنی آشنا شدید. اطلاعات حافظه به این دلیل ارزشمند است که می‌تواند تفکر ما را بسازد. هر چه اطلاعات بیشتری در حافظه داشته باشیم، برای تفکر آمادگی بیشتری خواهیم داشت. البته برخورداری از حافظه قوی لزوماً به معنای داشتن تفکر قوی نیست. احمد بی سروصدا در گوشه اتاق خودش نشسته

است و به دقت سؤال‌های افقی و عمودی جدولی را می‌خواند و تلاش می‌کند واژگان درست را در جای خودش قرار دهد.

به نظر شما احمد در این فعالیت دقیقاً مشغول چه کاری است؟ آیا فقط اطلاعات موجود در حافظه را به خاطر می‌آورد؟ در پاسخ باید گفت: خیر؛ او اطلاعات حافظه را کنار هم قرار می‌دهد، تفسیر می‌کند، قضاوت می‌کند، مسئله حل می‌کند و، در نهایت، تصمیم می‌گیرد. به این قبیل فعالیت‌ها تفکر^۱ می‌گویند.

اگر از احمد بپرسیم که مشغول چه کاری است؟ می‌گوید در حال دادن پاسخ دقیق به سؤالات برای تکمیل خانه‌های جدول است. بنابراین، تفکر کاملاً آگاهانه است. فردی که مشغول اندیشیدن درباره یک موضوع است، ضمن اینکه از دانش گذشته بهره‌مند می‌شود، به آنچه می‌اندیشد و نیز به روش تفکر خود، آگاهی کامل دارد.

سؤال

به نظر شما به کارگیری اصطلاح «تفکر بدون آگاهی» یا اصطلاحاً «تفکر ناخودآگاه» درست است؟ چرا؟

۱. thinking

حل مسئله



در زندگی روزمره از واژه «مسئله» بسیار استفاده می‌کنیم. بسیاری از مردم از واژه «مسئله» تصور مثبتی ندارند؛ زیرا راه‌حل آن مسئله را نمی‌دانند.

وقتی در یک روز تعطیل کنار رودخانه‌ای می‌نشینیم، صدای آب و مسیر پر پیچ و خم آن برای ما بسیار لذت‌بخش است؛ چرا؟ اگر در مسیر حرکت آب مانعی مثل سنگ وجود نمی‌داشت، قطعاً صدای گوش‌نواز آن هم نبود. اگر سرمای زمستان نبود، آیا لباس گرم تولید می‌شد؟ اگر گرمای تابستان نبود، دستگاه‌ها و تجهیزات خنک‌کننده به وجود می‌آمد؟ به عبارت دیگر، اگر در دنیای پیرامون ما مجهولاتی وجود نمی‌داشت، آیا علم رشد می‌کرد؟ در کشورهای زلزله‌خیز، محکم‌ترین بناها ساخته می‌شود؛ زیرا دانش زمین‌شناسی و زلزله‌شناسی در آنها رشد خوبی داشته است. مثال‌های فوق نشان می‌دهد انسان‌ها می‌کوشند با استفاده از روش‌های درست، آن مسائل را حل کنند؛ در نتیجه، مسئله به جای تهدید به یک موضوع خوشایند و فرصت پیشرفت تبدیل می‌شود.

فعالیت ۵ - ۱

پدر زهرا مجبور است خود را به سرعت به یک شهر دوردست برساند او با خود فکر می‌کند که با چه وسیله‌ای به آن شهر برسد. یکی از این وسایل قطار است اما قطارها گاهی با تأخیر حرکت می‌کنند. استفاده از وسیله شخصی، گزینه دیگری است، اما به دلیل احتمال نقص فنی، وسیله شخصی اطمینان‌بخش نیست. گزینه دیگر استفاده از اتوبوس است، ولی اتوبوس‌ها خیلی کند حرکت می‌کنند. شهر مقصد فرودگاه ندارد. پدر زهرا چه باید بکند؟ او با چه چیزی (مسئله‌ای) روبه‌رو است؟



آیا شما نیز با موضوعی مواجه شده‌اید که برای شما «مسئله» باشد؟ آن را در کلاس مطرح کرده، با کمک هم‌کلاسی‌های خود ویژگی‌های مهمی که موجب شده آن موضوع به «مسئله‌ای» برای شما تبدیل شود را استخراج کنید.



با توجه به مطالبی که به آن اشاره شد «مسئله» عبارت است از: «عدم دستیابی فوری به یک هدف مشخص به دلیل موانع مشخص با توجه به امکانات و توانمندی‌های محدود». حل مسئله به معنای یافتن بهترین راه حل برای رسیدن به هدف با توجه به شرایط موجود است.

ویژگی‌های مسئله

- ۱ هدفمند است: زمانی احساس مسئله می‌کنیم که بدانیم هدف چیست. وقتی هدف روشن نباشد، درک از مسئله ناقص خواهد بود. یکی از دلایل اینکه برخی از افراد راه حل مسئله را نمی‌دانند این است که «هدف» را به صراحت تعریف نکرده‌اند.
- ۲ حل مسئله یک «فرایند و جریان» تحت کنترل است: وقتی فردی در حال حل مسئله است، کاملاً درگیر موضوع است و به آنچه انجام می‌دهد آگاهی کامل دارد. در جریان حل یک مسئله، هر چه جدی‌تر باشیم احتمال انتخاب راه حل بهتر، بیشتر است.
- ۳ در جریان حل مسئله، توانمندی‌های ما محدود است: اصولاً زمانی با مسئله مواجه می‌شویم که امکانات ما محدود باشد. بسیاری از افراد توانایی‌های خود را نمی‌شناسند. عدم شناسایی دقیق توانمندی‌ها باعث استفاده از راه حل‌های غیرمنطقی می‌شود. به همین دلیل است که حل تمرین ریاضی برای ریاضی‌دان آسان است، اما برای دیگران «مسئله» است.
- ۴ در جریان حل مسئله موقعیت فعلی یا مبدأ باید مشخص باشد: اگر قرار باشد در آینده نزدیک در یک آزمون مهم شرکت کنید، شناخت میزان دانش فعلی‌تان به شما کمک می‌کند تا موانع احتمالی را به خوبی بشناسید و راه حل‌های بهتری ارائه دهید.

فعالیت ۵ - ۲

با توجه به آنچه که درباره ویژگی‌های مسئله خوانده‌اید، یکی از مسئله‌هایی را که اخیراً با آن مواجه شدید طرح کنید و مهم‌ترین دلایل حل نشدن آن را فهرست وار بنویسید.

با توجه به ویژگی‌های مسئله می‌توان گفت که حل مسئله فرایندی است که به وسیله آن فرد می‌کوشد راه حل مناسبی برای مشکل پیدا کند.

چرا حل مسئله مهم است؟

یکی از هدف‌های مهم نظام تعلیم و تربیت، پرورش افرادی است که بتوانند بر مسائل و مشکلات خود در زندگی روزمره غلبه کنند. هدف از تمرین‌های مختلف آموزشی فقط دستیابی به راه‌حل آن مسئله خاص نیست، بلکه هدف آن است که در اثر حل مسئله، به اصول و قوانینی دست یابیم که در موقعیت‌های دیگر هم قابل استفاده باشد. به همین دلیل است که یادگیری حاصل از حل مسئله، در مقایسه با سایر یادگیری‌ها، قابل تعمیم است.

فعالیت ۵-۳



چگونه می‌توان، در حالی که یک رشته طناب در دست ماست، بدون رها کردن آن، رشته دیگر را نیز در دست گرفت؟

با توجه به شکل فرض کنید هیچ چیز در اختیار ندارید جز انبردستی که در گوشه اتاق است، و شما قصد دارید این دو رشته طناب را به یکدیگر گره بزنید، این درحالی است که به هیچ وجه نمی‌توانید هم‌زمان هر دو رشته طناب را بگیرید.

این مسئله را چگونه می‌توان حل کرد؟

- هدف چیست؟ چه امکاناتی در اختیار دارید؟
- موانع چه چیزهایی هستند؟

انواع مسئله

● فرض کنید با دوستان در حال مسابقه شطرنج هستید. دوستان شما را «کیش» می‌دهد شما با استفاده از قواعد بازی و دیگر مهره‌ها رفع کیش می‌کنید. همچنین این را نیز می‌دانید که شاه فقط می‌تواند در یک خانه اطراف خودش به صورت مشروط حرکت کند.



- فرض کنید پدر شما سوئیچ اتومبیلش را داخل ماشین جا گذاشته است. درهای ماشین قفل شده است و پدرتان قصد دارد، بدون آسیب به اتومبیل، وارد آن شود. در چنین موقعیتی پیدا کردن راه حل مناسب بسیار دشوار است. مثلاً شکستن یکی از شیشه‌های خودرو مسئله را حل می‌کند، اما واضح است مشکلات دیگری را ایجاد خواهد کرد.

با توجه به این دو مثال به سؤالات زیر پاسخ دهید:

- دستیابی به راه حل در کدام مثال آسان تر است؟

- در کدام یک از مثال‌ها موانع روشن تری وجود دارد؟

استفاده از مهره‌هایی غیر از شاه برای رفع کیش، دلگرم‌کننده است، اما در مثال دوم نمی‌توانیم صددرصد به راه‌حل‌های احتمالی دل خوش کنیم.

مثال شطرنج یک مسئله «خوب تعریف شده» است. اگرچه این مسئله قدری پیچیده است اما موقعیت اولیه و اقدامات احتمالی آن مشخص است و قوانین کاملاً استاندارد هم وجود دارد. هدف، رفع کیش است. مهم‌تر از همه اینکه می‌دانید اگر مراحل را به درستی طی کنیم، به هدف موردنظر می‌رسیم.

با توجه به شاخص‌های زیر، مسئله‌ها به دو گروه «خوب تعریف شده» و «بد تعریف شده»

تقسیم می‌شود:

۱ شناسایی موقعیت اولیه

۲ فهرست اقدامات یا راهبردهای در دسترس

۳ تعریف دقیق هدف

۴ امکان تضمین دستیابی یا عدم دستیابی به هدف

در حالی که در مثال دوم ابهام‌های زیادی وجود دارد: اقدامات مشخص و استانداردی نداریم و نمی‌دانیم آیا استفاده از این اقدامات ما را به هدف موردنظر می‌رساند یا خیر؛ بنابراین، مسئله دوم از نوع «بد تعریف شده» است.

فعالیت ۵ - ۴

با کمک دوستان و به صورت گروه دو یا سه نفری، یک مثال از مسئله‌های «خوب تعریف شده» و «بدتعریف شده» بنویسید. به نمونه‌های زیر توجه کنید:
 خوب تعریف شده: بزرگ‌ترین عدد چهاررقمی فرد چه عددی است؟
 بدتعریف شده: چرا خودروی مقابل شما متوقف شده است؟

مسئله‌هایی که در علوم انسانی با آنها مواجه هستیم، عمدتاً از نوع «بدتعریف شده» هستند؛ در حالی که مسئله‌های علوم دیگر این گونه نیست. به دو مثال زیر توجه کنید.
 - دلیل بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی چیست؟
 - علت گرم شدن کره زمین چیست؟
 به نظر شما کدام یک از دو مسئله فوق «خوب تعریف شده» و کدام یک «بدتعریف شده» است؟ چرا؟

مراحل حل مسئله

حل مسئله دارای پنج مرحله است:



۱ تشخیص مسئله: قبل از حل مسئله، باید خود مسئله مشخص شود. فرض کنید دانش‌آموزی پیشنهاد می‌دهد که نمایشگاه علمی در مدرسه برپا کند. چه درسی را باید انتخاب کند؟ اگر درس روان‌شناسی را انتخاب کرد، چه موضوعی مناسب‌تر است؟
 در تشخیص مسئله، بهتر است دیگران نقش راهنما داشته باشند و فرد خود آن را شناسایی کند. مشخص کردن بسیاری از مسائلی که در زندگی واقعی وجود دارند، چندان آسان نیست. **تشخیص دقیق مسئله اولین گام حل آن است.** تشخیص مسئله با احساس مبهم از یک مسئله متفاوت است. تصور مبهم از یک مسئله، به راه‌حل‌های منطقی و درست منجر نمی‌شود.
۲ به‌کارگیری روش‌های مناسب برای حل مسئله: دانش‌آموزی که در یادگیری درس زبان انگلیسی مشکل دارد باید برای حل آن مشکل راه‌حل‌های مناسبی را در پیش بگیرد. یکی

از این راه‌حل‌ها مطالعه خُرد خُرد و راه دیگر نیز تمرین مکرر است.

۳ **ارزیابی راه‌حل:** باید راه‌حل انتخاب شده را ارزیابی کرد. این کار باعث می‌شود تا ملاک روشنی برای فهم موقعیت داشته باشیم. در مثال مربوط به مشکل یادگیری زبان انگلیسی، دانش‌آموز باید نمرات درسش را بعد و قبل از اجرای روش مطالعه جدید مقایسه کند.



۴ **بازبینی و اصلاح راه‌حل‌ها:** قدم

نهایی و مهم در حل مسئله، بازبینی و اصلاح راه‌حل‌هاست. افرادی که مسائل را به خوبی حل می‌کنند، دوست دارند روش‌های قبلی را بهبود بخشند و از راه‌حل‌های جدید استفاده کنند.

۵ **انتخاب راه‌حل‌های جایگزین:**

کسی که با به‌کارگیری روش مطالعه

جدید نتوانست در درس زبان انگلیسی پیشرفت کند، باید به راه‌حل‌های جایگزین فکر کند؛ مثلاً ممکن است به این راه حل برسد که پیشرفت نکردن او در این درس به دلیل تسلط نداشتن او بر پیش‌نیازهای درس بوده است.

فعالیت ۵ - ۵

به یکی از موضوعاتی که اخیراً به عنوان مسئله با آن مواجه بودید خوب فکر کنید. آیا برای حل آن مسئله، مراحل مسئله را به درستی طی کردید؟ در کدام یک از مراحل با مشکل مواجه بودید؟ پاسخ خود را با پاسخ دوستان مقایسه کنید.

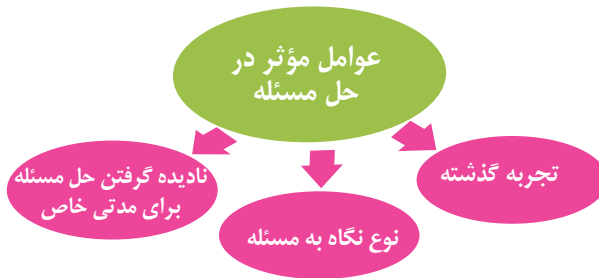
چه عواملی بر حل مسئله تأثیر می‌گذارند؟

هنگام خاموش شدن ماشین در حال حرکت، کدام فرد بهتر عمل می‌کند؟

۱ مکانیک باتجربه

۲ فردی که به‌تازگی رانندگی یاد گرفته است؟ چرا؟

توانایی حل مسئله تحت تأثیر عوامل بسیاری است. در این بخش به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:



تجربه گذشته: تجربه گذشته بر توانایی ما در حل مسئله تأثیر می‌گذارد. کسی که روش‌های حل مسئله را می‌داند، در موقعیت‌های جدید از آنها برای حل مسئله استفاده می‌کند. تأثیر یادگیری‌های گذشته بر حل مسئله را «انتقال» گویند. کسی که دوچرخه‌سواری می‌داند، موتورسواری را زودتر یاد می‌گیرد. در این مثال، تجربه گذشته فرد، یادگیری جدید را آسان کرده است. ممکن است برای شما این سؤال مطرح شود که چه نیازی به حل این همه مسئله در درس‌های مختلف است؟

اثر تجربه گذشته، همیشه آسان کردن راه‌حل نیست. در مسئله گره‌زدن دو طناب، اینکه بسیاری قادر به حل آن نیستند، به این دلیل است که نمی‌توانند از انبردست به‌عنوان یک وزنه پاندول استفاده کنند و همچنان تحت تأثیر این تجربه گذشته بوده‌اند که از انبردست **فقط** در کارهای فنی می‌توان استفاده کرد.



مسئله ۸ سکه

به شکل روبه‌رو توجه کنید: در شکل ۸ سکه را می‌بینید. تکلیف شما این است که در هفت دقیقه هر یک از این سکه‌ها را به گونه‌ای بچینید که هم‌زمان با سه سکه دیگر در تماس

باشد. به نظر شما راه حل این مسئله چیست؟
مهم ترین دلیل عدم موفقیت برخی افراد در حل این مسئله، پیروی صرف از تجربه گذشته است. تجربه گذشته در صورت بازبینی، راهگشای مفیدی خواهد بود.

فعالیت ۵-۶

به نظر شما بزرگسالان از تجربه منفی گذشته تأثیر بیشتری می پذیرند یا کودکان؟ چرا؟ آزمایش ۸ سکه را روی دو فرد ۱۰ و ۳۰ ساله اجرا کنید و نتیجه را به کلاس ارائه دهید. زمان اجرا ۷ دقیقه است.

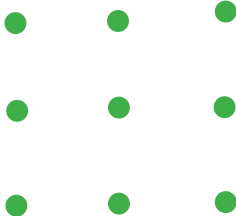
نوع نگاه به مسئله

وقتی به شدت درگیر حل مسئله هستید ولی نمی توانید آن مسئله را حل کنید، ممکن است شخصی مثل مادر تان به شما بگوید:

«بیا از زاویه دیگری به این مسئله نگاه کنیم».

در زندگی روزمره، شبیه این جمله را زیاد می شنوید. منظور از این جمله چیست؟
نوع نگاه حل کننده مسئله، باعث می شود تا فرد در حافظه خود اطلاعات مرتبط با آن نگاه خاص را به خاطر آورد و اقدامات احتمالی فرد برای حل مسئله، تحت الشعاع آن نگاه خاص خواهد بود. بن بست، زمانی ایجاد می شود که حل کننده مسئله با نگاه فعلی قادر به حل آن مسئله نباشد. راه خروج از این بن بست، تغییر نگاه فرد و تغییر بازنمایی آن مسئله است.

در شکل روبه رو نه (۹) دایره توپر کوچک را مشاهده می کنید. با نگاه اول شکل یک مربع به ذهنتان می آید. در این مثال تکلیف این است که با چهار خط مستقیم، همه نه دایره توپر را به یکدیگر وصل کنید. انجام این فعالیت دو شرط دارد:



۱ دستتان را از روی صفحه کاغذ بردارید؛

۲ از روی یک خط مجدداً رد نشوید.

مسئله ۹ نقطه

نادیده گرفتن حل مسئله برای مدت زمانی خاص

معلم ادبیات از دانش آموزان می خواهد با انتخاب موضوع مناسب، انشایی درباره آن بنویسند. ساعت های زیادی را در خانه صرف حل این مسئله می کند، اما نمی تواند موضوع انشای خوبی را انتخاب کند. بعد از درگیری ذهنی زیاد به خودش می گوید: «بهرتر است یک ساعت به این موضوع فکر نکنم. بعد از گذشت یک ساعت، ادامه می دهم».

وقتی مریم بعد از یک ساعت استراحت برمی گردد، احتمالاً یک راه حل مناسب به ذهنش می آید. به نظر شما دلیل حل مسئله مریم چه بوده است؟

وقتی سماجت بر حل مسئله برای مدت زمانی نادیده گرفته می شود عواملی که مانع حل آن مسئله هستند فراموش می شود، در نتیجه هنگام مراجعه مجدد و با نبود عواملی که مانع حل مساله می شدند حل مسئله محقق می شود.

به اثر نادیده گرفتن حل مسئله برای مدت زمانی مشخص، «اثر نهفتگی» می گویند.

اگر هنگام حل مسئله، قادر به ارائه راه حل فوری نبودید، نگران نباشید. مدتی آن را کنار بگذارید و بعد دوباره تلاش کنید.



نکته

نادیده گرفتن حل مسئله برای مدتی کوتاه (اثر نهفتگی) از دیرباز سنت معمول حکما و دانشمندان بوده است. روایت شده است که شیخ الرئیس ابوعلی سینا هر زمان بعد از تلاش زیاد قادر به حل مسئله پیچیده ای نبود، مدت کوتاهی آن فعالیت را متوقف می کرد و به اعمال عبادی و نماز خواندن روی می آورد. او با این عمل علاوه بر بهره مندی از اثر نهفتگی از الطاف الهی نیز بهره می جست.

روش های حل مسئله

دبیر یکی از درس ها، بعد از مشورت با مدیر دبیرستان، وارد کلاس می شود و به دانش آموزان خبر می دهد که مدیر مدرسه تصمیم گرفته است دوشنبه هفته آینده را برای استراحت،

۱- Incubation effect

در خارج از مدرسه باشند؛ اینکه کجا باشند به انتخاب دانش‌آموزان است. دبیر از دانش‌آموزان می‌پرسد: کجا برویم؟

بعد از دریافت پیشنهادهای مختلف سه پیشنهاد، نهایی می‌شود:
پیشنهاد اول: با توجه به نزدیک بودن هفته کتاب و نیاز آنها، دانش‌آموزان به نمایشگاه سالانه کتاب بروند.

پیشنهاد دوم: چون بیشتر دانش‌آموزان از کوهنوردی خوششان می‌آید، پس به کوه بروند.
پیشنهاد سوم: شیر و خط کنیم. اگر شیر آمد پیشنهاد اول و اگر خط آمد پیشنهاد دوم اجرا شود.

فعالیت ۵-۷



تجربه شخصی خود از حل یک مسئله (به یکی از روش‌های: ۱) روش شیر یا خط ۲) روش فکر کردن ۳) روش مشورت با دیگران و جمع‌بندی نظرات) که اخیراً قادر به حل آن شدید را به صورت یک گزارش بنویسید و برای هم کلاسی‌هایتان بخوانید و بگویید با کدام روش بیشتر موافق هستید؟

به سه پیشنهاد فوق فکر کنید. کدام پیشنهاد منطقی و کدام غیرمنطقی است. پیشنهاد اول دلایل مشخصی دارد: ۱) در هر سال فقط یک هفته نمایشگاه کتاب دایر است، ۲) همه ما دانش‌آموز هستیم؛ ۳) اطلاع از آخرین وضعیت علمی و نشر جدید، ضروری است. این پیشنهاد مبتنی بر محاسبات ذهنی، قواعد منطقی و نیازسنجی واقعی است و به همین دلیل به آن روش **تحلیلی** حل مسئله می‌گویند. استفاده از روش‌های تحلیلی، دستیابی به راه‌حل مسئله را **تضمین** می‌کند. روش‌های تحلیلی، مورد قبول همه است.

پیشنهاد دوم، و به خصوص سوم، با خطا مواجه بوده، با روش‌های غیرمنطقی صورت می‌گیرد. این قبیل روش‌ها عمدتاً تابع نظر و احساس شخصی است و اجرای آن دستیابی به راه‌حل مسئله را **تضمین** نمی‌کند. به روش‌های حل مسئله، که بدون دلیل منطقی و مبتنی بر احساس و نظر شخصی باشد، روش‌های اکتشافی یا شهودی می‌گویند.

○ فعالیت ۵ - ۸

با توجه به مثال‌های زیر، برای هر یک از روش‌های تحلیلی و اکتشافی حل مسئله، دو مثال بزنید:

مثال برای روش تحلیلی: علی از دوستانش می‌پرسد آیا روز جمعه برای مهمانی به خانه آنها می‌آیند یا خیر؟ بعد از موافقت دوستان، به سراغ خرید مایحتاج مهمانی می‌رود.

.....

.....

مثال برای روش اکتشافی: رامین جهت میزبانی از دوستانش، براساس تجربیات قبلی، حدس می‌زند که روز جمعه چند نفر به خانه او می‌آیند؛ بنابراین، به سراغ خرید مایحتاج مهمانی می‌رود.

با توجه به فعالیت ۵-۸ کدام یک از روش‌های حل مسئله تضمین کننده است؟ کدام روش خطای کمتری دارد؟

هرچند استفاده از روش‌های تحلیلی برای مسئله، از قواعد مشخصی تبعیت می‌کند و ما را در دستیابی به نتیجه کمک می‌کند، اما در بسیاری از موارد زمان‌بر است. به دلیل محدودیت زمانی، برخی تمایل دارند از روش‌های اکتشافی حل مسئله استفاده کنند. در ادامه به چهار روش اکتشافی حل مسئله اشاره می‌شود: روش **خُرد کردن** مسئله، روش کاهش تفاوت وضعیت موجود با وضعیت مطلوب، روش بارش مغزی و روش شروع از آخر.



۱- **روش خُرد کردن مسئله:** در چند ماه گذشته، پیشرفت تحصیلی سارا کند بوده است. برای حل این مسئله، تصمیم می‌گیرد هر روز ۵ ساعت بیشتر مطالعه کند. هفته اول نتوانست تصمیم خود را عملی کند. مادرش پیشنهاد کرد روز اول یک ساعت بیشتر بخواند،

روز دوم یک ساعت ونیم، روز سوم دو ساعت و این روند را تا رسیدن به پنج ساعت مطالعه بیشتر ادامه دهد. سارا برای حل مسئله، از روش خُرد کردن استفاده کرده است. در روش خُرد کردن، یک مسئله بزرگ به چندین مسئله کوچک تقسیم می‌شود. در این روش افراد مسئله‌های کوچک راحل می‌کنند تا به تدریج بتوانند به حل مسئله بزرگ دسترسی یابند. آیا شما از این روش استفاده کرده‌اید؟ پیشنهاد می‌کنیم اگر با یک مسئله بزرگ مواجه هستید و نمی‌توانید آن را حل کنید، از روش خُرد کردن استفاده کنید.

○ فعالیت ۵ - ۹

مثال زیر را به دقت مطالعه کنید و به دو سؤال پاسخ دهید:

مریم شماره رمز قفل کیف جدیدش را فراموش کرده است. فقط می‌داند که رمز آن چهاررقمی است و هرگاه در حین امتحان به رقم صحیح برسد صدای تقّه ظریفی به گوشش می‌آید. مسئله اصلی، یافتن همه آن چهار رقم است.

بیشتر افراد به جای حل این مسئله کلی، هدف کلی را به چهار مسئله فرعی تقسیم می‌کنند که هر مسئله فرعی یافتن یکی از آن چهار رقم است. هدف فرعی اول، پیدا کردن رقم اول است؛ برای رسیدن به آن راهکاری وجود دارد که عمدتاً عبارت است از چرخاندن آرام قفل و در همان حال گوش سپردن به صدای تقّه ظریف به همین شیوه هدف دوم، سوم و چهارم را می‌توانید انتخاب کنید. در نهایت با این شیوه یک مسئله کلی حل شده است.

- در این مثال از چه روش حل مسئله استفاده شده است؟ چرا؟
- به نظر شما مسئله فوق از نوع «خوب تعریف شده» بود یا «بد تعریف شده»؟ چرا؟

پاسخ‌هایتان را با پاسخ هم‌کلاسی‌ها مقایسه کنید.

۲- روش کاهش تفاوت وضعیت موجود با وضعیت مطلوب: در هر موقعیت مسئله، با دو حالت وجود مسئله (وضعیت موجود) و حالت دسترسی به راه‌حل (وضعیت مطلوب) مواجه هستیم. در این روش، حل‌کننده مسئله تلاش می‌کند فاصله این دو وضعیت را کاهش دهد. بار دیگر مثال فراموشی رمز قفل را در نظر بگیرید. وضعیت فعلی این است که هیچ یک از ارقام رمز را نمی‌دانیم و وضعیت مطلوب آن است که همه آنها را می‌دانیم. بنابراین، هدف، کاستن تفاوت این دو وضعیت است. اگر رقم اول معلوم شود، بین دو وضعیت، فاصله، کمتر شده است و همین‌طور رقم دوم را تا آخر ادامه می‌دهیم.

دانش آموزان کلاس، با راهنمایی دبیر، به گروه‌های سه نفری تقسیم شوند و هر گروه با طرح یک مسئله، گام به گام، کارهای انجام شده با روش «کاهش تفاوت وضعیت موجود با وضعیت مطلوب» برای حل آن مسئله را بنویسند.

به مسئله برج هانوی^۱ در شکل پایین توجه کنید. موقعیت اولیه مسئله عبارت است از ۵ حلقه که براساس اندازه به صورت نزولی از پایین به بالا روی یک میله قرار گرفته‌اند. در صورتی که همه حلقه‌ها به همین ترتیب در میله سوم قرار بگیرند، (وضعیت مطلوب) مسئله حل شده است. در حل این مسئله باید دو شرط رعایت شود: در هر حرکت تنها یک صفحه حرکت داده شود و یک صفحه با اندازه بزرگ‌تر نمی‌تواند بر روی صفحه‌ای کوچک‌تر قرار بگیرد.



مسئله برج هانوی

به نظر شما این مسئله با چند حرکت حل می‌شود؟ برای کاهش فاصله وضعیت موجود و مطلوب چه گام‌هایی را پیشنهاد می‌دهید؟

۳- روش بارش مغزی^۲: به مسئله زیر توجه کنید:

چه کار کنیم تا در هفته بعد که آغاز اولین هفته زمستان است، در ساعت ورزش یک مسابقه ورزشی شاد و فرح‌بخش برگزار شود؟ یکی از شیوه‌های حل مسئله این است که همه راه‌حل‌های احتمالی که فکر می‌کنیم در پاسخ به یک مسئله می‌تواند درست باشد، ارائه شود. در این روش بعد از اینکه مسئله تعریف شد (مرحله ۱)، سعی می‌شود راه‌حل‌های مختلف ارائه شود (مرحله ۲)؛ سپس معیارهایی برای داوری درباره هر راه‌حل ارائه می‌شود. (مرحله ۳). در نهایت با استفاده از این معیارها بهترین راه‌حل ارائه می‌شود (مرحله ۴).

۱ - Hanoi tower

۲ - Brain storming

فعالیت ۵-۱۱

با توجه به مثال «مسابقه ورزشی» هر یک از مراحل بارش مغزی برای حل این مسئله را تکمیل کنید:

مرحله ۱:

مرحله ۲:

مرحله ۳:

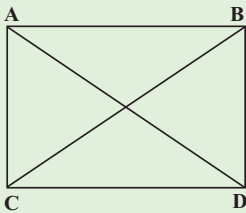
مرحله ۴:

۴- روش شروع از آخر! این روش، بیشتر، در حل مسائل ریاضی کاربرد دارد.

برای مطالعه

به شکل ۵-۷ توجه کنید. مسئله این است که با فرض مستطیل بودن شکل ABCD ثابت کنید که طول AD و BC مساوی است. اگر فردی بخواهد از آخر شروع کند، ممکن است به ترتیب زیر عمل کند:

چگونه می‌توان مساوی بودن طول AD و BC را ثابت کرد روش حل آن است که ثابت شود دو مثلث ACD و BCD مشابه‌اند. چگونه می‌توان مشابه بودن این دو مثلث را اثبات کرد؟ روش این است که ثابت کنیم دو ضلع و زاویه بین آنها در دو مثلث با هم مساوی‌اند.



در حل این مسئله، از هدف به هدف فرعی (اثبات تشابه مثلث‌ها) و از آن به هدف فرعی دیگر (اثبات مساوی بودن اضلاع و زاویه بینشان) می‌رسیم و این کار را آنقدر ادامه می‌دهیم تا سرانجام به هدف فرعی‌ای برسیم که وسیله رسیدن به آن را در اختیار داریم.

شما تاکنون با چند روش اکتشافی حل مسئله آشنا شدید. بهتر است از روش‌های تحلیلی حل مسئله استفاده کنید. اگر به هر دلیلی قادر به استفاده از روش تحلیلی نبودید، بعد از استفاده از روش‌های اکتشافی، برای اطمینان صددرصدی، استفاده از روش‌های تحلیلی مفیدتر است.

روش «مهندسی معکوس» نمونه‌ای از روش‌های شروع از آخر است

مثال اول: یک شرکت خودروسازی تصمیم می‌گیرد خودروی جدیدی را تولید کند. در ابتدا با این مشکل مواجه می‌شود که فناوری بسیاری از قطعات آن را در اختیار ندارد. مشاور فنی این شرکت به مدیرعامل پیشنهاد می‌دهد از تولید قطعاتی شروع کنیم که تکنولوژی آن را در اختیار داریم. مدیرعامل تصمیم می‌گیرد به همین شیوه (شیوه از آخر) قطعات را تولید کند. بعد از تولید قطعات ساده‌تر، به تدریج و با گذشت زمان، دانش فنی شرکت نیز رشد یافته، امکان تولید قطعات پیچیده‌تر فراهم می‌شود.

مثال دوم: به مادرتان می‌گویید که عصر فردا میزبان ۱۰ نفر از هم‌کلاسی‌هایتان هستید. مادرتان با تعجب می‌گوید. چرا زودتر اطلاع ندادی؟ شما پاسخ می‌دهید (با توجه به روش شروع از آخر): نگران نباش؛ در حال حاضر چه چیزهایی را در اختیار داریم؟ مادر می‌گوید: میوه به اندازه کافی هست. خواهرتان هم در همان زمان می‌گوید قسمتی از شیرینی دیشب نیز در یخچال است. من فردا می‌توانم آش پیزم.

ناتوانی در حل مسئله پیامدهای ناگواری دارد

موفقیت در حل مسئله، خوشایند و لذت‌بخش است. افرادی که در حل مسئله، دانش و تجربه لازم را دارند، نسبت به دیگران احساس عاطفی مثبت‌تری دارند؛ آنان زندگی را شیرین می‌دانند و از بودن با دیگران ابراز رضایت می‌کنند.

ناتوانی در حل مسئله، وضعیت عاطفی ناخوشایندی را ایجاد می‌کند که «ناکامی» نام دارد. ناکامی‌های مکرر، پیامدهای ناگواری به دنبال دارد. در این باره در فصل هشتم مطالب بیشتری خواهید خواند. بسیاری از افرادی که احساس شکست می‌کنند، مشکلات عاطفی جدی ندارند، بلکه مهارت‌های حل مسئله را نمی‌دانند.

ناکامی باعث پرخاشگری می‌شود. هر قدر شهروندان جامعه از مهارت‌های حل مسئله آگاه باشند، احتمال استفاده از روش‌های تهاجمی و پرخاشگری کمتر خواهد بود. هواداران تیم مغلوب در مسابقات ورزشی به جای به کارگیری روش‌های درست مقابله با شکست، وسایل و تجهیزات عمومی را تخریب می‌کنند؛ چرا؟

فعالیت ۵-۱۲

در محیط پیرامون تان فردی را بیابید که بسیار پرخاشگر است، رفتارش را زیر نظر بگیرید. موفقیت یا عدم موفقیت او در حل مسئله‌هایی که با آن مواجه است را ارزیابی کنید. حاصل بررسی تان را، بدون ذکر نام، به کلاس گزارش دهید. اگر توانمندی‌های لازم را داشتید، به آن فرد، برای ارتقای مهارت‌های حل مسئله، مشورت بدهید.



ناتوانی در حل مسئله علاوه بر ناکامی، باعث فشار روانی^۱ هم می‌شود. شما در فصل هشتم با عوامل ایجاد فشار روانی آشنا خواهید شد. ناتوانی در حل مسئله، فرد را از رسیدن به هدف مورد نظر بازمی‌دارد؛ در نتیجه، احساس فشار روانی می‌کند. بنابراین یکی از

روش‌های کاهش فشار روانی، پرورش روش‌های درست حل مسئله است. افرادی که مدام در حالت فشار روانی قرار دارند، روش‌های کارآمد حل مسئله را نمی‌دانند.

حل مسئله و سرگرمی

سعی کنید با توجه به آنچه در این فصل آموختید، راه‌حل‌های مناسبی برای مسائل زیر بیابید.

● ناصر در حیاط مدرسه به توپ ضربه می‌زند. توپ ۱۵ متر مسافت را طی می‌کند و دوباره به سوی او برمی‌گردد. چگونه چنین چیزی ممکن است؟

● از صفر تا صد چند تا عدد یک داریم؟

● شخص الف پدر شخص ب است، ولی شخص ب پسر شخص الف نیست. چگونه چنین چیزی ممکن است؟

● باغداری قصد دارد چهار نهال را با فاصله یک متر از یکدیگر در باغش به کارد. او نتوانست این مسئله را حل کند. به نظر شما راه حل این مسئله چیست؟

● برخی از ماه‌ها ۳۱ روز و برخی دیگر ۳۰ روزند چند ماه ۲۹ روز دارد؟

● چگونه فردی می‌تواند هشت روز نخوابد؟

● اگر پزشکی به شما سه قرص بدهد و بگوید که هر نیم ساعت یک قرص بخورید، چه مدتی طول می‌کشد تا هر سه قرص مصرف شود؟

● اگر سنگ قرمز رنگی را به داخل دریای آبی رنگ پرتاب کنید، این سنگ چه می‌شود؟

● همچنان که در مثال‌های فوق مشاهده می‌کنیم، علت ناتوانی بسیاری از افراد در حل مسئله، نداشتن تجربه گذشته یا نگاه جدید است کافی است با نگاه جدیدی به مسئله بنگرید در آن صورت راه حل آن آسان خواهد بود، شما پس از کشف راه حل اولین مسئله از مسائل فوق، سایر مسئله‌ها را راحت‌تر حل کردید؛ چرا؟ یکی از دلایل موفقیت شما این بود که ارائه راه حل اولین مسئله، نگاه جدیدی را ایجاد کرد.

○ فعالیت ۵ - ۱۳

در زبان شیرین فارسی با داستان‌هایی مواجه می‌شویم که معماگونه بوده و از افراد می‌خواهند تا راه حل آن را پیدا کنند. به مثال زیر توجه کنید:

چوپانی یک گرگ و یک گوسفند و مقداری علف دارد و می‌خواهد هر سه را به آن طرف رودخانه ببرد. چگونه گرگ و گوسفند و علف را به آن سوی رودخانه ببرد بدون اینکه هیچ کدامشان خورده شوند؟

هریک از دانش‌آموزان، با بررسی متون ادبی زبان فارسی، نمونه‌ای مانند مثال فوق را بیابند و به کلاس ارائه کنند.

جمع بندی درس

با توجه به مطالب این درس یکی از مهم ترین مشکلات زندگی خود را که به صورت یک مسئله برای شما درآمده در نظر بگیرید و به سوالات زیر پاسخ دهید.

۱ آن مشکل به چه دلیل مسئله شده است.

.....

.....

.....

.....

۲ برای حل آن مسئله کدام یک از روش ها را مطلوب تر می دانید.

.....

.....

.....

.....



۳ دلایل عدم موفقیت خودتان در حل آن مسئله را تاکنون بررسی کنید.

.....

.....

.....

.....

واژگان اصلی

حل مسئله، مسئله خوب تعریف شده، مسئله بد تعریف شده، مسئله نه نقطه، انتقال، مسئله هشت سکه، روش تحلیلی حل مسئله، روش اکتشافی حل مسئله، روش خرد کردن، برج هانوی، روش بارش مغزی، روش شروع از آخر، ناکامی.

تفکر (۲) تصمیم گیری

۶



از دانش آموز انتظار می رود در پایان این درس بتواند:

- ۱ جایگاه تصمیم گیری را در شناخت تبیین کند.
- ۲ وجوه اشتراک و اختلاف تصمیم گیری و حل مسئله را با دو مثال توضیح دهد.
- ۳ مراحل تصمیم گیری را، با یک مثال گام به گام اجرا کند.
- ۴ پیامدهای ناتوانی در تصمیم گیری و انواع تعارض را، با ذکر دو مثال از تجربیات شخصی توضیح دهد.
- ۵ با توجه به انواع سبک های تصمیم گیری، نمونه ای از دو نوع تصمیم گیری با استفاده از بهترین و بدترین سبک ها، ارائه کند.

تعریف تصمیم‌گیری

● پدر زهرا قصد دارد تابستان امسال برای زیارت مرقد مطهر امام‌رضا علیه السلام از تهران به مشهد مقدس سفر کند. او راه‌های مختلف سفر را بررسی می‌کند. پدر زهرا پیشنهاد می‌کند برای صرفه‌جویی در زمان، به صورت هوایی سفر کنند.

مادر زهرا پیشنهاد می‌دهد چون تاکنون از جاده سمنان و دیگر شهرهای این مسیر مسافرت



نکرده‌اند، از جاده سمنان بروند. زهرا می‌گوید چون جاده شمال بسیار لذت‌بخش و دیدنی است بهتر است از جاده شمال به مشهد بروند. پدر زهرا با شنیدن این دیدگاه‌های مختلف، در می‌ماند که بالاخره کدام روش را انتخاب کند؟

● حسین در مهر سال تحصیلی آینده وارد پایهٔ دهم می‌شود. قرار است یکی از انتخاب‌های مهم زندگی، یعنی انتخاب رشتهٔ تحصیلی را تجربه کند. حسین مشخصات رشته‌های مختلف را تهیه می‌کند. ویژگی‌های هر رشته و توانمندی و انگیزه خودش را با یکدیگر مقایسه می‌کند.



در نهایت، به دو رشته علوم تجربی و علوم انسانی می‌رسد، اما با وجود تأمل فراوان، نمی‌تواند یکی از آن دو رشته را انتخاب کند. این موضوع آرامش او را برهم می‌زند و مانع فعالیت‌های روزانه او می‌شود. موضوع درگیری ذهنی حسین چیست؟

درگیری ذهنی پدر زهرا و حسین به

موضوع «تصمیم‌گیری»^۱ مربوط می‌شود. تصمیم‌گیری یعنی «ارزیابی راه‌های مختلف و انتخاب بهترین راه».

○ فعالیت ۱-۶

شما با دو مثال روبه‌رو شدید که در آنها فعالیت ذهنی فرد از نوع تصمیم‌گیری بوده است. شما نیز چند نمونه از «تصمیم‌گیری» خود را بنویسید. تصمیم‌گیری‌های خود را با دو دانش‌آموز دیگر مقایسه کنید. به نظر شما کدام تصمیم‌گیری دشوارتر است؟ چرا؟

- ۱.....
- ۲.....

تصمیم‌گیری، عالی‌ترین و پیچیده‌ترین فعالیت شناختی انسان است. به همین دلیل توصیه‌های زیادی شده است. حضرت علی علیه السلام در حکمت ۱۷۳ نهج‌البلاغه درباره تصمیم‌گیری بهتر و اقدام به عمل در کلام زیبایی می‌فرماید:

«آن کس که از افکار و آرای گوناگون استقبال می‌کند، صحیح را از خطا به خوبی تشخیص می‌دهد».

حضرت علی علیه السلام در کلامی دیگر شرط تصمیم‌گیری را رسیدن به یقین می‌داند و در حکمت ۲۷۴ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «چون به یقین رسیدید، اقدام کنید».

در فصل گذشته با موضوع حل مسئله آشنا شدید. حل مسئله با تصمیم‌گیری اشتراک‌ها و اختلاف‌هایی دارد: تصمیم‌گیری، نوعی حل مسئله است؛ چون تصمیم‌گیرندگان با این مسئله مواجه هستند که بهترین انتخاب چیست. از این جهت، حل مسئله و تصمیم‌گیری، هر دو، با مسئله روبه‌رو هستند. تفاوت‌های آن دو نیز در این است که اولاً: در تصمیم‌گیری فرد باید از «انتخاب‌های» مختلف، بهترین را برگزیند. در حالی که در حل مسئله، حل‌کنندگان مسئله، باید راه‌حل‌های مسئله مورد نظر را خودشان بازآفرینی کنند. دوم اینکه در تصمیم‌گیری با اولویت‌ها سروکار داریم، در حالی که در حل مسئله با راه‌حل‌ها مواجه هستیم. اولویت‌های یک تصمیم‌گیری می‌تواند شامل همه گزینه‌های احتمالی باشد؛ به عبارت دیگر هر اولییتی، فرد تصمیم‌گیرنده را به مقصد می‌رساند، ولی ممکن است اولویت مطلوب نباشد. در حالی که

۱ – Decision making



در حل مسئله ممکن است راه‌حل‌های مختلفی داشته باشیم، ولی فقط یک راه است که ما را به حل مسئله می‌رساند. سوم اینکه دغدغه تصمیم‌گیرندگان، انتخاب بهترین اولویت است، در حالی که در حل مسئله، افراد به دنبال روش‌های موفق و کارآمد هستند.

همه راه‌ها برایمان پذیر است، ولی این از همه مطلوب‌تر است.

تصمیم‌گیری

فقط این راه مرا به هدف می‌رساند.

حل مسئله

تفاوت‌های تصمیم‌گیری و حل مسئله

حل مسئله	تصمیم‌گیری	
توجه به یافتن راه‌حل‌ها	توجه به موضوع انتخاب‌ها	۱
سرو کار داشتن با راه‌حل‌ها	سروکار داشتن با اولویت‌ها	۲
انتخاب راه‌حل منتهی به حل مسئله	انتخاب بهترین اولویت	۳

انواع تصمیم‌گیری

- مینا، برای خرید مانتو، به همراه مادرش به یک فروشگاه بزرگ می‌رود. وقتی طرح‌های گوناگون را در رنگ‌های متنوع می‌بیند، در انتخاب، دچار مشکل می‌شود.
- پدر مینا قصد دارد محل جدید شهر سکونت خود را انتخاب کند. بعد از بررسی‌های متعدد، در انتخاب شیراز یا اصفهان به تردید می‌رسد.
- برادر مینا جراح یکی از بیمارستان‌های معروف تهران است. در روز گذشته با فردی مواجه شده که بیماری خطرناکی داشته است. او در بین روش‌های درمانی متعدد، جراحی را بهترین اولویت می‌داند، اما به دلیل کهولت سن بیمار، نگران پیامدهای بیهوشی است. برادر مینا با این پرسش مواجه است که بهترین گزینه برای نجات این بیمار از مرگ قریب‌الوقوع چیست؟



جراحی را انتخاب کند یا دارو درمانی را؟
 «تصمیم‌ها» از نظر تعداد اولویت‌ها و میزان اهمیت با یکدیگر فرق دارند. هر چند مینا با اولویت‌های زیادی مواجه شده است و همین امر انتخاب را برای او مشکل کرده است، اما به خوبی می‌داند که این نوع تصمیم‌گیری از نوع تصمیم‌گیری‌های ساده اوست.

تصمیمی که پدر مینا با آن مواجه است، هرچند دارای دو اولویت است، اما یکی از تصمیم‌گیری‌های مهم و پیچیده زندگی اوست.

تصمیم‌گیری برادر مینا بسیار مهم است. در این مثال شاید تعداد انتخاب‌ها یا اولویت‌ها محدود باشد، ولی به دلیل اهمیت فراوان موضوع، نوع تصمیم‌گیری دشوار است.

در جدول ۶-۱ با توجه به تعداد اولویت‌ها و میزان اهمیت، چهار نوع تصمیم‌گیری مشاهده می‌کنید: تصمیم مهم ساده، مهم پیچیده، معمولی ساده و معمولی پیچیده. به نظر شما تصمیم‌گیری در کدام حالت سخت‌تر است؟ چرا؟

جدول ۶-۱- تقسیم‌بندی انواع تصمیم‌گیری با توجه به تعداد اولویت‌ها و اهمیت تصمیم

		تعداد اولویت‌ها	میزان اهمیت
پیچیده	ساده	اهمیت بالا یا مهم	
مهم پیچیده	مهم ساده		
معمولی پیچیده	معمولی ساده	معمولی	

تقسیم تصمیم‌گیری به انواع ساده - پیچیده و مهم - معمولی براساس نوع تصمیم بوده است. اما براساس تعداد افراد تصمیم‌گیرنده، تصمیم‌گیری به دو نوع فردی و گروهی نیز تقسیم می‌شود. انتخاب یک رشته تحصیلی، یک تصمیم فردی است، اما انتخاب رئیس جمهور از بین نامزدهای مختلف، یک تصمیم گروهی است.

سؤال

به نظر شما آیا تصمیم‌گیری فردی انسان مانند تصمیم‌گیری گروهی اوست یا با آن متفاوت است؟ چرا؟

فعالیت ۶-۲

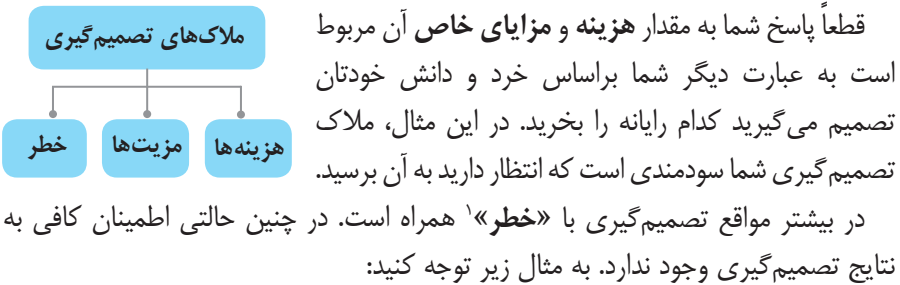
نوع تصمیم‌گیری	با توجه به چهار مثال زیر، نوع تصمیم‌گیری‌ها را مشخص کنید.
	موقعیت ۱ انتخاب بهترین دروازه‌بان از بین دانش‌آموزان مدرسه
	موقعیت ۲ انتخاب رشته تحصیلی از بین دو رشته نظری و فنی
	موقعیت ۳ انتخاب همسر آینده
	موقعیت ۴ انتخاب غذای موردنظر در یک غذاخوری



دو موضوع تصمیم‌گروهی

ملاک‌های تصمیم‌گیری

انسان‌ها براساس چه ملاک‌هایی تصمیم می‌گیرند؟ عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری چیست؟ چرا در بین رایانه‌های مختلف، رایانه خاصی را برای خرید انتخاب می‌کنید؟



رضا به دوستش می‌گوید در یک بازی گل یا پوچ، پاک‌کن را در مشتم قرار می‌دهم؛ بگو در کدام مشتم قرار داده‌ام؟ اگر درست جواب دادی (گل) امروز ناهار مهمان من هستی و اگر اشتباه پاسخ دادی (پوچ) یک هفته من ناهار، مهمان تو هستم. این در حالی است که دوست رضا فقط می‌تواند هزینه یک وعده غذایی را پرداخت کند.



آیا دوست رضا این کار را انجام می‌دهد؟

به احتمال زیاد پاسخ او منفی است؛ چرا؟ احتمال گل یا پوچ آمدن $\frac{1}{4}$ است. پس همه افراد باید پاسخ مثبت بدهند؛ چون میزان احتمال یکسان است، در حالی که ضرر ۷ برابر منفعت است.

علت اینکه افراد مختلف همانند دوست رضا در این تصمیم‌گیری شرکت نمی‌کنند چیست؟ علت اصلی این است که این تصمیم‌گیری «پرخطر» است؛ چون اندک موجودی دوست رضا از دست می‌رود. دلیل دیگر این است که رضا به از دست دادن، بیشتر از به دست آوردن حساس است. این نکته را اصطلاحاً «فرار از ضرر» می‌گویند. به همین دلیل بیشتر مردم تمایلی به پذیرفتن شرط ۵۰-۵۰ ندارند.

سؤال

دوست رضا در ذهن خود چه می‌گوید و نگران چه چیزی است؟

○ فعالیت ۳-۶

به انتخاب دبیر کلاس، دو دانش آموز یک بسته هدیه حاوی ۵ بادکنک و چند قلم از نوشت افزار درسی را تهیه کنند. یکی از دانش آموزان از دیگری بخواهد بادکنک‌ها را باد کند، هرچه بیشتر باد کند، یک هدیه بیشتر می‌گیرد. اگر بادکنکی ترکید، باید همه هدایای قبلی را پس دهد. نتایج آزمایش را به کلاس ارائه دهید.

همچنان که در نتایج فعالیت ۳-۶ دیدید، هر یک از دو دانش آموز نگران ترکیدن بادکنک‌هاست؛ چون ترکیدن مساوی با از دست دادن پاداش‌های قبلی است. به همین دلیل خطر نمی‌کنند. اگر ملاک تصمیم‌گیری، خطر «از دست دادن» است، پس چرا عده‌ای علی‌رغم از دست دادن سلامتی و از دست دادن حیثیت اجتماعی خود حاضرند دخانیات و مواد مخدر را مصرف کنند آیا می‌توانید به نمونه‌های دیگری از تصمیم‌گیری، همانند اعتیاد، اشاره کنید که با وجود علی‌رغم ضرر زیاد برخی از افراد به آن روی می‌آورند؟

محمد و احمد تصمیم گرفتند برای تماشای بازی تیم فوتبال محبوب خودشان به محل مسابقه بروند. آنها؛ با تحمل مشکلات زیاد، مسیر منزل تا ورزشگاه را طی کرده، مبلغ بلیط را به سختی پرداخت می‌کنند. قبل از شروع مسابقه متوجه می‌شوند که هوا بارانی خواهد شد. این در حالی است که هیچ لباس گرمی ندارند؛ در نتیجه احتمال سرماخوردگی آنها زیاد است. برای حفظ سلامتی می‌توانند به منزل برگردند و در یک فضای مناسب مسابقه فوتبال را تماشا کنند، ولی این کار را نمی‌کنند و در ورزشگاه باقی می‌مانند. وقتی از آنها سؤال شد چرا با وجود اطلاع از بارندگی و احتمال ابتلا به بیماری، تصمیم گرفتید در ورزشگاه بمانید گفتند: حالا که این همه سختی کشیدیم و پول بلیط را دادیم، پس بهتر است بمانیم.

در این مثال محمد و احمد، فقط به دلیل پرداخت هزینه قبلی، مسیر آینده را با خطا طی می‌کنند. ناصر بعد از تهیه لوازم شنا در دریا به محض رسیدن به ساحل درمی‌یابد هوا طوفانی است.



او با وجود خطرناک بودن شنا، فقط به این دلیل که لوازم شنا را به همراه آورده و زمان گذاشته، شنا می‌کند. چرا؟ نمونه‌های بالا نشان می‌دهد که ملاک‌های تصمیم‌گیری، تابع منفعت، میزان خطرناک بودن و عوامل دیگر است؛ به نظر شما آن عوامل کدام‌اند؟

سبک‌های تصمیم‌گیری

به روش‌های ثابت و یکنواخت تصمیم‌گیری افراد، «سبک تصمیم‌گیری» می‌گویند. سبک‌های تصمیم‌گیری مختلف است. بسیاری از آنها ناکارآمد و فقط یکی بهتر از سایر سبک‌هاست.



همچنانکه در شکل بالا دیده می‌شود. مهم‌ترین سبک‌های تصمیم‌گیری به پنج دسته تقسیم می‌شوند.

سبک تصمیم‌گیری تکانشی



فرید جوان ۱۸ ساله‌ای است که به ماشین‌های جدید و آخرین مدل علاقه و توجه خاصی دارد. روزی در خیابان ماشین جدیدی را می‌بیند که به شدت توجه او را جلب می‌کند. راننده ماشین بدون اینکه سوئیچ را بردارد یا آن را خاموش کند، برای خرید بیرون آمده و به طرف مغازه می‌رود. فرید، ناگهان و بدون توجه به عواقب خطرناک کارش، سوار ماشین شده، به سرعت آن را می‌راند.

مردم، با داد و فریاد صاحب ماشین، شروع به تعقیب فرید می‌کنند. فرید به دلیل عجله و ترس، با چند عابر برخورد می‌کند و بالاخره متوقف می‌شود. به این ترتیب فرید در زمان کوتاهی از یک نوجوان معمولی به یک سارق و قاتل تبدیل می‌شود. سبک تصمیم‌گیری فرید از نوع تکانشی بوده است. در این سبک، فرد به صورت ناگهانی و با عجله و بدون محاسبه تصمیم می‌گیرد. در میان نوجوانان این گونه سبک تصمیم‌گیری، زیاد دیده می‌شود که بلافاصله با پشیمانی همراه است.

○ برای مطالعه

بر اساس گزارش محاکم قضایی در $\frac{2}{3}$ قتل‌هایی که اتفاق می‌افتد، قاتل و مقتول همدیگر را نمی‌شناسند. یعنی از قبل هیچ نقشه‌ای برای کشتن ندارند. فقط در یک موقعیت معمولی، مثلاً برخورد جزئی دو خودرو در یک تصادف، به دلیل سبک تصمیم‌گیری تکانشی، واقعه‌ای خطرناک شکل می‌گیرد.

○ فعالیت ۶-۴

به تصمیم‌گیری‌هایی که در سه ماه اخیر داشته‌اید فکر کنید. یک تصمیم‌گیری تکانشی را بنویسید و پیامد ناگوار آن را مشخص کنید. یک دانش‌آموز، در صورت تمایل، تصمیم تکانشی خود را مطرح کند.

○ سبک تصمیم‌گیری احساسی

ریحانه ۱۸ سال دارد. وی فرزند یک خانواده آبرومند است. هنگام برگشت از کلاس زبان، سوار یک خودروی شخصی می‌شود. راننده جوان با او سر صحبت را باز می‌کند و این شروعی برای آشنایی بیشتر آنها می‌شود؛ ریحانه احساس می‌کند به او علاقمند شده است و مایل است با او ازدواج کند با آنکه شرایط خانوادگی، فرهنگی و مالی ریحانه با آن جوان تفاوت‌های بسیاری دارد و با وجود مخالفت‌های خانوادگی، با یکدیگر ازدواج می‌کنند. با گذشت زمان به تدریج مشکلاتی به وجود می‌آید و ریحانه هر روز تجارب منفی بیشتری را در زندگی مشترک حس می‌کند و احساس تنهایی می‌کند. بعد از مدتی کوتاه، ریحانه متوجه می‌شود که ملاک تصمیم‌گیری‌اش صحیح نبوده است و می‌بایست با افراد خبره بیشتری مشورت می‌کرد.

- آیا همه تصمیم‌گیری‌ها به راحتی قابل جبران است؟

سبک تصمیم‌گیری ریحانه، احساسی بوده است. در این سبک، ملاک تصمیم‌گیری، عواطف و هیجانات زودگذر است. در تصمیم‌گیری برای ازدواج، احساسی عمل کردن درست نیست. احساسات، به



دلیل زودگذر بودن، نمی‌تواند زیربنای تصمیم‌گیری باشد. تصمیم‌گیری یک امر مهم و پایدار است و همه ابعاد زندگی را در برمی‌گیرد؛ در نتیجه، به روش‌های پایدار و ماندنی نیاز دارد.

○ برای مطالعه

شاید شما از طریق رسانه‌ها شنیده باشید که در بعضی از مناطق کشورمان نسبت طلاق به ازدواج $\frac{1}{4}$ است؛ یعنی به ازای چهار ازدواج یک طلاق ثبت شده است. آیا همه این افراد مشکلات اقتصادی و مسکن دارند؟
- آیا همگی از روش‌های درست حل مسئله استفاده کرده‌اند؟
- آیا در تصمیم‌گیری‌های خود با افراد صاحب‌نظر و باتجربه مشورت کرده‌اند؟



- در بین اقشار مرفه، طلاق بیشتری وجود دارد یا در قشر محروم؟

○ فعالیت ۵-۶

آیا تا به حال تصمیم‌گیری مبتنی بر احساسات و هیجانات داشته‌اید؟ یک مورد را بنویسید و پیامدهای ناگوار آن تصمیم را برای دانش‌آموزان کلاس تعریف کنید.

تصمیم احساسی:

پیامدهای منفی تصمیم احساسی:

○ سبک تصمیم‌گیری وابسته

مریم قرار است مدرسه محل تحصیل خود را انتخاب کند. دوستان نزدیک او به مدرسه‌ای رفته‌اند که با منزل مریم فاصله نسبتاً زیادی دارد. مریم، به دلیل وجود دوستانش در آن مدرسه، همان مدرسه را انتخاب می‌کند، بدون اینکه به مسافت، هزینه و دیگر مسائل توجهی بکند. بعد از گذشت یک سال از تحصیل در رشته ریاضی، مریم از ادامه تحصیل منصرف شده و

رشته دیگری را انتخاب می کند.



سبک تصمیم گیری مریم از نوع «وابسته»^۱ بوده است؛ یعنی به جای فکر کردن، از دیگران کورکورانه اطاعت کرده است. در این روش دلیل انتخاب فرد این است که دیگران چنین تصمیمی گرفته اند، در حالی که انتخاب دیگران ممکن است برای ما انتخاب مناسبی نباشد.

○ فعالیت ۶-۶

آیا تا به حال تصمیم گیری از نوع وابسته داشته اید؟ یک مورد را بنویسید و نتیجه آن را برای دیگر دوستان تعریف کنید.

فعالیت در منزل

در متون دینی همواره به پرهیز از تصمیم گیری احساسی اشاره شده است. با مراجعه به قرآن کریم یا سخنان بزرگان دینی، یک متن کوتاه در این باره یادداشت کنید و برای دیگر هم کلاسی ها بخوانید.

تصمیم احساسی:

پیامدهای منفی تصمیم احساسی:

○ سبک تصمیم گیری اجتنابی

ساسان اخیراً با چند نفر دوست شده است. وی در روزهای نخست از این موضوع ابراز رضایت می کرد، اما به تدریج متوجه شد که دوستان جدید وی رفتارهای شایسته ای ندارند. گاهی سیگار می کشند، از واژگان نامناسب استفاده می کنند و مردم آزاری می کنند. در نتیجه، ساسان تصمیم گرفت این گروه را ترک کند، ولی با وجود گذشت روزهای زیادی از این ماجرا، هنوز موفق به انجام این تصمیم نشده است و هر روز عملی کردن تصمیم خود را به روز دیگری محوّل می کند.

سبک تصمیم گیری ساسان از نوع «اجتنابی»^۲ است. در این سبک، فرد قصد دارد تصمیم

۱- Dependant

۲ - Avoidant

بگیرد، ولی هیچ‌گاه تصمیم‌گیری عملی نمی‌شود. به عبارت دیگر، فردی که دارای این سبک، تصمیم‌گیری است «دست، دست می‌کند» و «کار امروز را به فردا می‌اندازد». افرادی که دارای این سبک تصمیم‌گیری هستند، بر این باورند که همه چیز خود به‌خود درست می‌شود؛ در نتیجه، زمان را از دست می‌دهند و مشکل آنها بیشتر می‌شود.

فعالیت ۶-۷

برای سبک تصمیم‌گیری اجتنابی در زمینه درس خواندن، نمونه‌ای ذکر کنید و بگویید این سبک چه پیامدهایی برای شما داشته است؟
تصمیم‌گیری اجتنابی:
پیامدهای منفی تصمیم‌گیری اجتنابی:

سبک تصمیم‌گیری منطقی



زهره دانش‌آموز پایه دوازدهم است و قصد دارد پس از موفقیت در امتحان ورودی دانشگاه رشته دانشگاهی خود را انتخاب کند. او برای این تصمیم‌گیری همه رشته‌های مورد علاقه‌اش را بررسی و با مشورت مشاور مدرسه ویژگی‌های هر یک را مطالعه می‌کند. و همچنین با پدر و مادرش مشورت می‌کند، علایق و انگیزه‌های خود را در کنار سایر اطلاعات قرار می‌دهد و در نهایت، یک رشته را برمی‌گزیند. زهره می‌داند که پشتکار و تلاش، آینده تحصیلی و شغلی وی را رقم می‌زند.

سبک تصمیم‌گیری زهره از نوع «منطقی^۱» یا «عقلانی» است. سبک تصمیم‌گیری منطقی، بهترین شیوه تصمیم‌گیری است. زیربنای این تصمیم‌گیری، نه عجله و شتاب، نه احساسات و هیجان‌های زودگذر، نه اطاعت و پیروی کورکورانه و نه اجتناب، بلکه اندیشیدن است. در این سبک، تصمیم‌گیرنده تمامی راهکارهای ممکن را می‌سنجد. سبک تصمیم‌گیری منطقی نه تنها در عوامل زیربنایی با سایر سبک‌ها فرق دارد، بلکه تابع یک روش قاعده‌مند و منظم است. در این سبک، فرد پله‌پله و طبق قوانین پیش می‌رود.

۱ - Rational

فعالیت ۶-۸

فعالیت در منزل

شما در این درس با انواع سبک‌های تصمیم‌گیری آشنا شدید. برای هر یک مثال بنویسید.

سبک تصمیم‌گیری تکانشی:.....

سبک تصمیم‌گیری احساسی:.....

سبک تصمیم‌گیری اجتنابی:.....

سبک تصمیم‌گیری وابسته:.....

سبک تصمیم‌گیری منطقی:.....

مراحل تصمیم‌گیری

برای رسیدن به نتایج مطلوب، هر نوع تصمیم‌گیری باید مرحله به مرحله پیش رود. در جدول ۶-۲ مراحل تصمیم‌گیری، به ترتیب، آمده است.

جدول ۶-۲- مراحل تصمیم‌گیری

مراحل	اقدام مورد نیاز	مثال توضیحی
۱	شناسایی و تعریف تصمیم مورد نظر	انتخاب رشته تحصیلی
۲	شناسایی تعداد انتخاب‌ها یا اولویت‌های آن تصمیم	انتخاب رشته تحصیلی دوره دوم متوسطه از بین چهار انتخاب
۳	بیان ویژگی‌های هر انتخاب یا اولویت	بررسی دروس هر رشته و ...
۴	ارزیابی پیامدهای هر انتخاب یا اولویت	امنیت شغلی و علائق تحصیلی
۵	اجرای بهترین اولویت	انتخاب رشته علوم انسانی
۶	تعهد و پایبندی به اجرای اولویت مورد نظر	مطالعه دقیق هدفمند و کارآمد دروس این رشته
۷	بررسی پیامدها و نتایج اجرای اولویت مورد نظر	پیشرفت تحصیلی مطلوب و ابراز رضایت تحصیلی

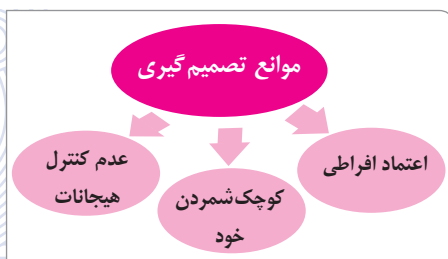
همچنان که در جدول ۶-۲ می‌بینید، در گام نخست باید تصمیم موردنظر تعریف شود؛ مثلاً موضوع تصمیم می‌تواند انتخاب رشته تحصیلی باشد. مرحله بعد تعداد رشته‌های انتخابی است. در مرحله سوم فرد باید ویژگی‌های هر یک از رشته‌های تحصیلی را استخراج کند. در مرحله چهارم فرد باید به ارزیابی پیامدهای انتخاب رشته تحصیلی انتخابی بپردازد و همین‌طور تا مرحله هفتم پیش رود.

فعالیت ۹-۶

با یک مثال، مراحل تصمیم‌گیری را یک‌به‌یک اجرا کنید. سعی کنید مثال تان واقعی باشد؛ مانند خرید یک رایانه، یا یک شلوار و یا ...

موانع تصمیم‌گیری

گاهی مراحل تصمیم‌گیری به درستی انجام نمی‌شود و تحت تأثیر روش‌های غلط، نتایج منفی به بار می‌آورد. یکی از این روش‌های غلط «سوگیری تأیید» است. در این قاعده غلط، فرد از اطلاعاتی که



دیدگاهش را تأیید کند، استفاده می‌کند. مانند کسی که با وجود دسترسی به شواهد ناراستی یکی از همشهریان‌ش، همچنان بر این باور است که همشهریان وی عاری از خطا هستند. «اعتماد افراطی» روش غلط دیگری است که مانع تصمیم‌گیری می‌شود. برخی از تصمیم‌گیرندگان، به قضاوت‌ها و روش‌های تصمیم‌گیری خود اعتماد بیش از حد دارند. در نتیجه تصمیم‌گیری آنها غلط از آب درمی‌آید. برای مثال دانش‌آموز زرنگی فکر می‌کند در همه جا با اندک مطالعه‌ای بهترین نتیجه را به دست می‌آورد.

کوچک شمردن خود، دست کم گرفتن خود، عصبانی بودن، ترسو بودن و «اعتماد به نفس پایین» مانع تصمیم‌گیری درست می‌شود. بسیاری از تصمیم‌گیری‌های مهم، علاوه بر دانش لازم، به اعتماد به نفس قوی نیاز دارد. تصمیم‌گیرنده‌ای که اعتماد به نفس کمی داشته باشد، نمی‌تواند در فرایند تصمیم‌گیری موفق باشد.

سؤال

به نظر شما علاوه بر عوامل فوق، چه عوامل دیگری مانع تصمیم‌گیری کارآمد و مفید می‌شود؟



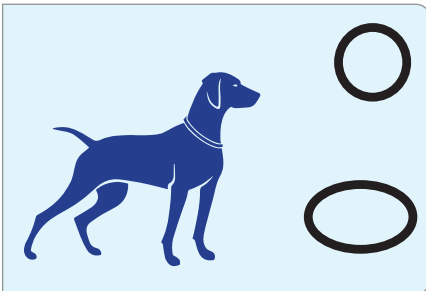
«کنترل نکردن هیجانات» عامل مهم دیگری است که مانع تصمیم‌گیری موفق می‌شود. در موقعیت تصمیم‌گیری، با افراد و حالت‌های مختلفی مواجه می‌شویم. افراد مختلف، واکنش‌های هیجانی متفاوتی در ما ایجاد می‌کنند. این واکنش‌های عاطفی، به دلیل زودگذر بودن، نمی‌تواند ملاک تصمیم‌گیری باشد. افرادی که قادر به کنترل هیجان‌های خویش نباشند، به‌طور مداوم با شکست در تصمیم‌گیری روبه‌رو می‌شوند؛ مانند مربی فوتبالی که به دلیل ابراز احساسات منفی تماشاگران، بهترین بازیکن زمین را تعویض می‌کند.

فعالیت ۶-۱۰

کدام‌یک از موانع ذکر شده، در تصمیم‌گیری شما اثرگذار بوده است؟ برای آن مثالی بزنید و پیامد تصمیم‌گیری خود را بنویسید.

پیامدهای ناتوانی در تصمیم‌گیری

در یک آزمایش جالب، آزمایشگر در فضای آزمایشگاه به سگ آموخت تا با دیدن شکل دایره، پاسخ مورد نظر را ارائه دهد. سگ نباید به شکلی غیر از دایره، مثلاً شکل مربع، آن پاسخ را بدهد. بعد از کوشش‌های مختلف، سگ پاسخ درست را یاد گرفت. آزمایشگر بعد از هر پاسخ



درست یک تکه غذا به حیوان می‌داد. بعد از اینکه پاسخ به شکل دایره و پاسخ ندادن به غیر از شکل دایره خوب آموخته شد، محقق به جای دایره از بیضی استفاده کرد. در این حالت حیوان مردد شده و به جای پاسخ دادن، زوزه می‌کشید و پای به زمین می‌کوبید. چون دایره برخلاف مربع، به راحتی با شکل بیضی قابل تشخیص نبود، در این حالت حیوان قادر به تصمیم‌گیری نبوده، یعنی حالت «تعارض^۱» را تجربه کرده است.

وقتی در موقعیتی باشیم که حتماً باید تصمیم بگیریم ولی قادر به تصمیم‌گیری نباشیم، حالت عاطفی ناخوشایندی را تجربه می‌کنیم که «تعارض» نام دارد. تعارض، محصول ناتوانی در تصمیم‌گیری است. مواجه شدن پی‌درپی با تعارض، به بهداشت روانی ما لطمه می‌زند. در فصل گذشته با مفهوم «ناکامی» آشنا شدید. ناکامی، محصول ناتوانی در حل مسئله است. بسیاری از مشکلات روانی به دلیل ناتوانی‌های شناختی همچون نداشتن مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری است.

تعارض انواع مختلفی دارد. در ادامه مطالب، با ارائه سه مثال، به سه نوع تعارض اشاره می‌شود: مثال اول: کامبیز به ادامه تحصیل در رشته روان‌شناسی علاقه‌مند است. از طرفی تمایل دارد هم‌زمان با ادامه تحصیل، یک دوره آموزشی حسابداری را نیز طی کند. کارورزی در دوره حسابداری تمام وقت است و در نتیجه کامبیز باید یکی از دو موضوع دوست داشتنی خود را انتخاب کند. وی تردید دارد کدام‌یک را برگزیند.

در این مثال کامبیز دچار «تعارض» شده است. تعارض وی ناشی از ناتوانی در تصمیم‌گیری برای انتخاب دو موضوع جذاب و خواستنی است. به این نوع تعارض اصطلاحاً «تعارض گرایش - گرایش» گویند.

○ فعالیت ۶-۱۱

با مرور تجارب روزهای گذشته خود، برای تعارض گرایش - گرایش سه نمونه بیان کنید.

- ۱.....
- ۲.....
- ۳.....



مثال دوم: آرش در رشته ریاضی فارغ‌التحصیل شده است. وی به مهندسی برق علاقه زیادی دارد. او در آزمون سراسری در دانشگاه یک شهر دوردست در رشته مورد علاقه‌اش پذیرفته شده است. شرط ضروری برای ادامه تحصیل در رشته برق، دوری از خانواده است. به همین دلیل وی در تصمیم به اینکه به آن شهر دوردست برود یا خیر، دچار سردرگمی شده است.

موقعیت تصمیم‌گیری آرش، با تعارض بین دو امر خواستنی (رشته مورد علاقه) و ناخواستنی (دوری از خانواده) مواجه است. به این نوع تعارض اصطلاحاً «تعارض گرایش - اجتناب» گویند.

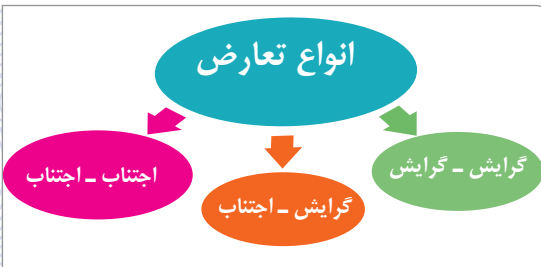
فعالیت ۶-۱۲

آیا شما تاکنون در موقعیت تصمیم‌گیری مربوط به تعارض از نوع گرایش - اجتناب قرار گرفته‌اید؟ آن موقعیت را بنویسید و برای دیگر هم‌کلاسی‌ها بخوانید.

مثال سوم: نیلوفر مدتی است دچار آنفولانزای شدید و کلافه‌کننده‌ای شده است. برای نجات از این وضعیت به پزشک خانوادگی خودش مراجعه می‌کند. پزشک برای نیلوفر آمپول تجویز می‌کند. اما او از آمپول می‌ترسد. نیلوفر مردّد شده است که حالات ناخوشایند بیماری را بپذیرد و یا درد ناشی از تزریق آمپول را؟ در مثال فوق، تعارض ایجاد شده از نوع «اجتناب - اجتناب» است. در این حالت هر دو گزینه، نامطلوب و ناخواستنی است و فرد مجبور به انتخاب یکی از آنهاست.

یکی از روش‌های درمانی رایج برای معالجه بیماران سرطانی، شیمی‌درمانی است. این روش درمانی اثرات جانبی فراوانی دارد که بسیاری از آنها ناخوشایند است. درد ناشی از بیماری

و مواجه شدن با پیامدهای نامطلوب شیمی‌درمانی هر دو نامطلوب‌اند که نمونه دیگری از تعارض اجتناب - اجتناب است.



فعالیت ۶-۱۳

با بررسی تجربیات شخصی خودتان، یک مثال از نوع «تعارض اجتناب – اجتناب» بنویسید و آن را برای دیگر هم‌کلاسی‌ها بخوانید.

تاکنون با سه نوع «تعارض»، که به دلیل ناتوانی در تصمیم‌گیری پدید می‌آید، آشنا شدید. اگر فردی، به صورت مداوم و پی‌درپی، تعارض‌های مختلفی را تجربه کند، دچار آسیب‌های روانی و جسمانی می‌شود. در درس هشتم درباره ارتباط بین سلامت جسمانی و ویژگی‌های روانی، بحث خواهد شد.



چند پیشنهاد برای تصمیم‌گیری بهتر

موفقیت یک انسان و حتی یک جامعه به چگونگی «تصمیم‌گیری» آنها بستگی دارد. نه تنها موفقیت، بلکه سلامت یک فرد تابع تصمیم‌گیری‌های وی است. تصمیم‌گیری‌های اشتباه‌زده و بدون تفکر، علاوه بر آسیب فرد، آسیب‌های روانی – اجتماعی همچون اعتیاد، ایدز، بزهکاری، خشونت، بی‌بندوباری و تصادفات جاده‌ای را به دنبال دارد. شما در این درس، به اختصار، با مبانی نظری و علمی تصمیم‌گیری آشنا شدید. تصمیم‌گیری یک مهارت است. هر فردی که دارای مهارت تصمیم‌گیری باشد، بیشتر از دیگران از آسیب‌های روانی – اجتماعی آن، در امان خواهد بود. در ادامه به ارائه چند پیشنهاد برای ارتقای مهارت تصمیم‌گیری ارائه می‌شود.

۱- **تصمیم مورد نظر را به خوبی بشناسید.** قبل از هر اقدامی، تعریف دقیقی از تصمیم مورد نظر ارائه دهید. هرچه موضوع تصمیم‌گیری دقیق‌تر باشد، اقدام‌های بعدی هم شفاف‌تر خواهد بود.

۲- **از سبک تصمیم‌گیری منطقی استفاده کنید.** در بین سبک‌های مختلف تصمیم‌گیری، بهترین سبک، از نوع منطقی است. شاید همه ما در برخی موقعیت‌ها مجبور شویم از سایر سبک‌های تصمیم‌گیری استفاده کنیم، ولی باید به خاطر داشت سبک غالب هر فردی باید از نوع تصمیم‌گیری منطقی باشد. به خصوص در تصمیم‌گیری‌های مهم، استفاده از سبک‌های غیرمنطقی آسیب‌زا و خطرآفرین است.

۳- **در تصمیم‌گیری‌های پیچیده و مهم از روش‌های میان‌بر استفاده کنید.** فرض کنید پدر شما قصد دارد یک آپارتمان ۱۰۰ متری دو خوابه دارای پارکینگ خریداری کند. وی با ۱۰۰ آگهی فروش مواجه می‌شود. بررسی همه آنها سخت است. استفاده از روش میان‌بر «حذف تک‌تک جنبه‌ها» کمک‌کننده خوبی است. مثلاً اول هر آپارتمانی که بیشتر و کمتر از ۱۰۰ متر است را حذف می‌کند. گام بعدی این است که فقط آپارتمان‌های دو خوابه را انتخاب کند. در گام بعد، آن دسته از آپارتمان‌های ۱۰۰ متری دو خوابه که دارای پارکینگ هستند را بررسی می‌کند. در نهایت، پدر شما باید آپارتمان موردنظر خودش را در بین ۱۵ ساختمان انتخاب کند. تصمیم‌گیری آپارتمان موردنظر در بین ۱۵ گزینه، به مراتب، راحت‌تر از ۱۰۰ گزینه است.

۴- **موقعیت‌های پرخطر را بشناسید.** برای نمونه، فهرستی از موقعیت‌های پرخطر کودکان و نوجوانان عبارت‌اند از:

- صحبت کردن با افراد غریبه
- راه دادن افراد غریبه به منزل
- مخفی کردن موضوع مهم از والدین
- به تنهایی در فضای تاریک رفتن
- رفتن به خانه غریبه
- سوار ماشین غریبه شدن
- مصرف سیگار
- پاسخ به پیام‌های ناشناس در فضای مجازی
- اذیت و آزار دیگران
- خود نمی‌داند چیست؟
- پاسخ عاطفی غیرمعمول به دیگر افراد
- اعتماد بیش از حد به دیگران



○ فعالیت ۶-۱۴

شما، علاوه بر موقعیت‌های پرخطری که ذکر شد، چه موقعیت پرخطر دیگری را می‌شناسید؟ آنها را برای هم‌کلاسی‌های خود بگویید و بهترین شیوه تصمیم‌گیری آن موقعیت را به بحث بگذارید.

با توجه به مطالبی که در این درس خواندید به یکی از تصمیم‌های آموزشی مربیان مدرسه اشاره کنید و بنویسید.

۱ به چه دلیل آن فعالیت، تصمیم‌گیری است؟

.....

.....

.....

۲ به نظر شما سبک تصمیم‌گیری آن فعالیت چه سبکی بوده است؟

.....

.....

.....

۳ اگر شما به جای مربیان مدرسه بودید، چه سبکی را اتخاذ می‌کردید؟

.....

۴ پیامد سبک تصمیم‌گیری اتخاذ شده چیست؟

واژگان اصلی

تصمیم‌گیری، اولویت‌ها یا انتخاب‌ها، تصمیم‌گیری ساده، تصمیم‌گیری پیچیده، تصمیم‌گیری فردی و گروهی، تصمیم‌گیری پرخطر، سبک تصمیم‌گیری تکانشی، احساسی، وابسته، اجتنابی و منطقی، مراحل تصمیم‌گیری، تعارض، انواع تعارض.

انگیزه و نگرش



از دانش آموز انتظار می رود در پایان این درس بتواند:

- ۱ به دو نمونه از موفقیت های خود که یکی بر اثر انگیزه درونی و دیگری بر اثر انگیزه بیرونی بوده، اشاره و آنها را با یکدیگر مقایسه کند.
- ۲ تأثیر نگرش بر موفقیت یا عدم موفقیت خود و دیگران را در درس خواندن در ۵ دقیقه ارائه کند.
- ۳ دلایل مهم تر بودن انگیزه های درونی بر بیرونی را با ذکر دو مثال تشریح کند.
- ۴ ضمن شناسایی سه مورد از شناخت های ناهماهنگ، جهت هماهنگی شناختی راهکار مناسب را ارائه دهد.
- ۵ با تحلیل یکی از شکست های خود و یا افراد دیگر چگونگی اسناددهی آنها را بررسی و برای هر کدام از اسنادهای غلط، جایگزین درست معرفی کند.
- ۶ این جمله که «چه بخوانیم و چه نخوانیم نمره ما فرقی نخواهد کرد» کدام مفهوم درس را توضیح می دهد؟ برای رهایی از آن یک پیشنهاد مناسب ارائه دهد.

انگیزه و نگرش



● مینا دانش آموز پایه یازدهم است او می خواهد در امتحانات نهایی از دانش آموزان ممتاز منطقه خود باشد، به همین دلیل تمام وقت و توان خود را بسیج کرده تا به این هدف برسد. برخلاف او هانیه دوست هم کلاسی اش، علاقه ای به درس و مدرسه ندارد و تکالیف مدرسه را به اجبار انجام می دهد.

● مسعود وزنه برداری است که حاضر است برای کسب

مقام قهرمانی در مسابقات المپیک، هفته ها رژیم غذایی خاصی را رعایت کند و تمرینات طاقت فرسا انجام دهد. در مقابل، حمید از ورزشکارانی است که برای رسیدن به موفقیت به روش های دیگری مثل استفاده از داروهای انرژی زا فکر می کند.

به نظر شما چرا بعضی افراد دوست دارند برای کم کردن مشکلات دیگران به آنها کمک کنند و بعضی دیگر تنها به رفاه و آسایش خود فکر می کنند؟ چرا بعضی شاداب و پرانرژی اند و برخی بی حوصله و بی انرژی؟ علت این همه تفاوت در رفتار چیست؟

همه پرسش های فوق در پاسخ به «چرایی» رفتار مطرح می شود. جست و جوی علت رفتار، در واقع، به معنای توجه به عوامل انگیزشی آن رفتار است. انسان و حیوان، در پاسخ به نیازهای زیستی، عوامل انگیزشی مشترکی دارند، اما انسان، برخلاف حیوان، تابع عامل توانمندتری است که «نگرش» نام دارد.

● حسین در هفته گذشته با والدینش مشورت می کرد تا وقت آزادش را با کار کردن در مغازه آهنگری عمویش بگذرانند. پدر حسین گفت: «شما هیچ نیاز مالی ندارید. بهتر است همه اوقات خودت را به مطالعه بپردازی» حسین در پاسخ می گوید: «من می خواهم روی پای خودم بایستم. پول حاصل از زحمات خودم به من عزت نفس می دهد».

آیا پاسخ حسین به نیازهای زیستی وی مربوط است؟

آیا حیوانات هم این گونه پاسخ می دهند؟

در بررسی چرایی رفتار گاه به عواملی توجه می‌شود که فراتر از نیازهای زیستی و مادی انسان است. به مجموعه عوامل فرازیستی که باعث به حرکت در آوردن رفتار و شناخت ما می‌شود، نگرش می‌گویند. تشنگی و نیاز به سیراب شدن است که ما را همواره به سوی آب می‌کشد و در ما حرکت و جنبش ایجاد می‌کند.

حیوان و انسان، هردو، تشنه می‌شوند. هر دو به سمت آب می‌روند و می‌خواهند عطش خود را برطرف کنند. آیا بین برطرف کردن نیاز آدمی به آب با حیوان تفاوتی وجود دارد؟ تفاوت در چیست؟ اگر این انسان یک مادر باشد و در بیابان مقدار کمی آب همراه داشته باشد چه چیزی موجب می‌شود تا خود از نوشیدن آب سرباز زده و کودکش را سیراب کند؟ مگر مادر تشنه نیست و نیاز به آب ندارد؟ این از خود گذشتگی انسان‌ها در شرایط سخت، بیانگر چه تفاوت مهمی میان انسان و حیوان است؟ با توجه به نکات مطرح شده به این سؤالات پاسخ دهید.



- رفتاری که از انسان و حیوان در چنین شرایطی سر می‌زند چیست؟
- انسان و حیوان از رسیدن به آب چه هدفی را دنبال می‌کنند؟
- چه چیزی موجب حرکت انسان و حیوان به سمت آب می‌شود؟
- چرا مادر تشنه، کودک را در نوشیدن آب بر خود مقدم می‌دارد؟

تفاوت انسان و حیوان به عنوان دو موجود زنده، این است که انسان، مانند حیوان، براساس غریزه و خواسته قدم بر نمی‌دارد، بلکه در کنار خواسته‌ها آنچه که رفتار او را کنترل می‌کند، نگرش است؛ یعنی باوجود تشنگی نمی‌نوشد و یا در صورت احتیاج شدید به پول و غذا، دیگری را بر خود مقدم می‌شمارد و این را فضیلت به حساب می‌آورد. چه بسا فردی با وجود خستگی زیاد و نیاز شدید به خواب، با بررسی موقعیت و جایگاهی که دارد، خواب خود را به صورت ارادی به تأخیر می‌اندازد و حضورش در آن موقعیت را (مثلاً در مهمانی، عزا، عروسی و ...) ترجیح می‌دهد؛ زیرا خواب یک نیاز فردی است، ولی احترام به جمع یک خواسته اجتماعی است و فرد براساس اراده خود، به احترام دیگران، خواسته جمعی را به خواسته فردی ترجیح می‌دهد. عوامل شکل‌دهنده به رفتار انسان، علاوه بر عوامل انگیزشی (زیستی)، تابع عوامل مختلف

نگرش افراد هم هست. عوامل شکل دهنده نگرش، متنوع است و تحت تأثیر نظام شناختی فرد، باورها و ارزش‌های او قرار دارد. ما در این فصل به برخی از مهم‌ترین عوامل ایجاد نگرش اشاره می‌کنیم.

انگیزش چیست؟

● عاملی که شما را بر می‌انگیزد، به حرکت وا می‌دارد و به سوی رفتار معین سوق می‌دهد را انگیزه گویند.

● انگیزه چیزی است که شما را به حرکت درمی‌آورد و مسیری که باید طی کنید را معین می‌کند. انگیزه‌ها می‌توانند، از نظر جهت و شدت، در افراد متفاوت باشند. به مثال زیر توجه کنید:

ماشین برای حرکت به موتور و نیروی محرکه نیاز دارد. انسان نیز برای حرکت و انجام یک رفتار به موتور حرکتی نیاز دارد. موتور حرکتی انسان انگیزه است. انگیزه سبب می‌شود که فرد کاری را انجام دهد و رفتاری را از خود نمایان سازد. این انگیزه‌ها هم درونی است و هم توسط عوامل بیرونی برای انسان ایجاد می‌شود.

سؤال

اگر خودت حق انتخاب داشته باشی، دوست داری جای کدام یک از ماشین‌ها باشی؟ چرا؟
این تصاویر چه ارتباطی با موضوع انگیزه دارد؟



انگیزه‌های بیرونی - انگیزه‌های درونی

با انگیزه‌های بیرونی چه چیزی را به دست می‌آوریم و با انگیزه‌های درونی چه چیزی را؟ کدام یک مهم‌تر است؟ چرا؟

در انگیزش بیرونی، عامل خارجی فرد را به انجام دادن کاری خاص برمی‌انگیزد. در انگیزش درونی، فرد کار یا فعالیت را به خاطر خود آن چیز انجام می‌دهد، زیرا به آن کار علاقه دارد، برایش جالب است و با نیازهای فطری او مطابقت دارد. به عبارت دیگر، منبع انگیزش بیرونی در پاداش و لذتِ خارج از فرد قرار دارد؛ در حالی که در انگیزش درونی، منبع لذت در خود تکلیف است.



علاقه‌مندی یک فوتبالیست ماهر به بازی خوب، تحت تأثیر وعده و وعیدهای باشگاه برای دریافت پاداش و دستمزد بیشتر است. این، نمونه‌ای از انگیزش بیرونی است؛ در حالی که گروهی نوجوان در حیاط خانه با یکدیگر فوتبال بازی می‌کنند و با وجود گرسنگی زیاد، حاضر به ترک بازی نیستند و کسی هم برای بازی به آنها پاداشی نمی‌دهد، در این فعالیت، منبع انگیزشی در خود فعالیت است.

سؤال

به نظر شما ماندگاری کدام یک از رفتارهای دو بازیکن بیشتر است؟

فعالیت ۷-۱

کدام یک از موارد زیر انگیزه بیرونی است و کدام یک درونی؟ هر یک از افراد با تلاش خود چه چیز یا چیزهایی به دست می‌آورند؟

چیزی که به دست می‌آورند	انگیزه بیرونی یا درونی	نمونه‌ها
		علی اتاقش را تمیز می‌کند تا والدینش او را به سینما ببرند.
		زینب، که دانشجوی معماری است، برای ساخت یک ماکت ساختمان به قدری از خود علاقه نشان می‌دهد که گذر زمان را احساس نمی‌کند و اغلب تا ساعت ۳ نیمه‌شب، بیدار می‌ماند.

		سوسن، برای پاسخ به سوال معلم که به خوبی پاسخ داده نمره ۲۰ دریافت می کند.
		زهرا به موضوعات ادبی علاقه مند شده و علاوه بر کتاب درسی، بیشتر اوقات خود را صرف خواندن کتاب های شعر و ادبیات می کند.
		ناصر تکالیفش را به موقع انجام می دهد تا اجازه داشته باشد در بازی فوتبال شرکت کند.
		حسین عاشق کوهنوردی است و با وجود خستگی، سرما، گرما یا خطرات احتمالی، دست از حرکت بر نمی دارد تا به قله برسد.
		مینا برای اینکه مادر لب تاپی برایش بخرد به شدت درس می خواند تا با معدل خوبی سال تحصیلی را به اتمام برساند.

دوست دارید جای کدام یک از افراد باشید؟ چرا؟
.....

فعالیت ۲-۷

در جدول زیر تفاوت ها و ویژگی های انگیزه های درونی و بیرونی را نام ببرید و با یکدیگر مقایسه کنید.

انگیزه های بیرونی	انگیزه های درونی

نگرش و انواع آن

چرا یکی حاضر است در گرمای طاقت فرسای تابستان، با وجود تشنگی فراوان، روزه بگیرد، ولی دیگری توجه به خواسته‌های جسمانی را ترجیح دهد؟ انگیزه افراد از این اعمال (خوردن یا نخوردن)، چیست؟

بزرگسالان بر خلاف کودکان و حیوانات، علت رفتار خود را فراتر از نیازهای زیستی می‌دانند؛ به عبارت دیگر، وقتی از آنها می‌پرسیم چرا دیگری را بر خود مقدم می‌دارید، پاسخی که به این قبیل «چرا»ها می‌دهند، به عواملی همچون گرسنگی و تشنگی ارتباط ندارد. به این گونه عوامل ایجاد کننده رفتار، «نگرش» می‌گویند.

نگرش‌ها در شکل‌دهی به رفتار انسان، به دو صورت مثبت و منفی عمل می‌کنند. مهم‌ترین عوامل نگرشی (مثبت و منفی) عبارت‌اند از: **باورها و نظام ارزشی فرد، اراده، هدفمندی (انتخاب هدف)، ناهماهنگی شناختی، ادراک کنترل و ادراک کارایی (احساس کارایی)، اسناد و درماندگی آموخته شده.**

● باورها و نظام ارزشی فرد

اعتقاد قوی به چیزی که شناخت داریم، نظام باورهای ما را شکل می‌دهد. اگر این اعتقاد را داشته باشیم که برای موفق شدن، تلاش و سخت‌کوشی شرط ضروری است، در واقع باور داریم که با پشتکار موفقیت حاصل می‌شود.

در دنیای فعلی برای اینکه «هر ملتی بماند، باید بداند» در این مثال این باور وجود دارد که شرط سرفرازی یک ملت دانایی است. بنابراین، باور عبارت است از: «اعتقاد راسخ و واقعی به بودن یا نبودن چیزی یا انجام‌پذیر بودن یا انجام‌ناپذیر بودن کاری».

نظام باورهای هر فرد و جامعه، موتور محرکه قوی جهت دستیابی به هدف‌های فردی و جمعی است. نظام باورهای همه افراد به وسیله ارکانی همچون خانواده، مدرسه، اجتماع و در نهایت به وسیله خود فرد ساخته می‌شود.

به این دو مورد توجه کنید:

۱- شاید داستان فالکون‌ها را شنیده باشید. فالکون‌ها گروهی بودند که برای اولین بار به قطب جنوب رفته‌اند وقتی به قطب جنوب رسیدند بعد از مدت کوتاهی همه مواد غذایی و امکانات لازم را از دست داده بودند. حتی غذای کافی برای زنده ماندن نداشتند. اما چیزی که آنها را زنده نگه داشت این باور بود که بالاخره نجات می‌یابند. فالکون‌ها علی‌رغم همه

مشکلات در دمای منفی ۲۵ درجه سانتی‌گراد به مدت ۱۳ روز زنده ماندند تا اینکه بالاخره نجات پیدا کردند.

۲- شما دانش‌آموزان اخبار جنگ تحمیلی را از رسانه‌های مختلف شنیده‌اید. در این جنگ همه قدرت‌های بزرگ دنیا از دشمن حمایت کردند. علی‌رغم تنگناهای اقتصادی که انقلاب با آن درگیر بود این باور که، ما بر حقیق و پیروزی مدافعان کشور را توانمند ساخته، تا اینکه بالاخره پیروز شدند.

در مثال‌های فوق به اثر نیرو بخشی باورهای مثبت و سازنده اشاره شد. اگر باورهای غلط شکل بگیرد حتی اگر توانایی انجام کاری را داشته باشیم باز نمی‌توانیم با موفقیت آن کار را انجام دهیم. عوامل فردی همچون احساس ناتوانی، ناامیدی، بی‌ارزشی و عوامل بیرونی همچون تحقیر دیگران، عدم حمایت اجتماعی و ... باعث شکل‌گیری باورهای غلط می‌شود.

فعالیت ۷-۲

به جمله زیر توجه کرده و به سوالات پاسخ دهید.

«شهر ما خانه ماست»

- آیا شما به این جمله باور دارید؟

- پیامد این باور شما چه چیزی خواهد بود؟

- این باور چه تغییری در رفتار شما ایجاد می‌کند؟

در خصوص رفتار شهروندی به چند نمونه از این باورها اشاره کنید. مانند: ارائه بلیت یا کارت نشان‌دهنده شخصیت خوب شماست.

● اراده

نیک وی آچیچ: لحظه‌ای چشمانتان را ببندید و فکر کنید دست ندارید. نمی‌توانید چیزی را با انگشتانتان لمس کنید یا با دوستانتان دست دوستی بدهید و یا مادرتان را در آغوش بگیرید. حال



تصور کنید پا ندارید. نمی‌توانید راه بروید، با دوستانتان پیاده‌روی کنید، دوچرخه‌سواری کنید یا پا به پای دوستان بدوید. فقط کافی است یک لحظه فکر کنید که نه دست دارید و نه پا! حتی فکر کردن به این موضوع هم تن آدم را به لرزه می‌اندازد. دست و پا نداشتن، زندگی را بسیار

دشوار می‌کند، اما شرایط بدتری هم هست.

نیک وی آچیچ بدون دست و پا به دنیا آمد و در زندگی محدودیت‌های زیادی داشته است، اما توانست با این محدودیت‌ها کنار بیاید و حتی از بسیاری افراد سالم نیز موفق‌تر باشد. نیک در سال ۱۹۸۲ در استرالیا به دنیا آمد. کسی حتی نمی‌توانست تصور کند که این کودک معلول، روزی به یکی از موفق‌ترین افراد جهان تبدیل شود و بتواند به جایی برسد که به افراد سالم درس امید و روش زندگی بیاموزد. در ۸ سالگی دچار افسردگی شد و تصمیم به خودکشی گرفت، ولی به دلیل علاقه به پدر و مادرش از این کار منصرف شد. او با تلاش بسیار زیاد و به کمک مادرش یاد گرفت با دو انگشتی که در انتهای اندامی شبیه پا که در سمت چپ پائین‌تنه‌اش بود، بنویسد. همچنین کارهای روزانه دیگری مانند نوشیدن آب با لیوان، ماشین‌نویسی و پرتاب توپ بیس‌بال را آموخت.

در ۱۷ سالگی مؤسسه «زندگی بدون دست و پا» را به منظور امید دادن به افراد افسرده و ناتوان تأسیس کرد. در ۲۱ سالگی از دانشگاه با دو مدرک لیسانس در رشته‌های حسابداری و برنامه‌ریزی مالی، فارغ‌التحصیل شد.

او با ادامه فعالیت‌های خود، در نهایت، تبدیل به شخصی شد که سخنرانی‌هایش برای میلیون‌ها شنونده در سراسر جهان، امید به زندگی و انگیزه به ارمغان می‌آورد. وی سخنران انگیزشی موفق و تأثیرگذاری است و مدیر سازمان غیرانتفاعی «زندگی بدون مرز» است و در شنا، موج‌سواری و بازی گلف مهارت دارد. او هم اکنون بیش از چهل سال دارد و دارای یک فرزند سالم و با نشاط است.



سؤال

- ۱ هدف چنین فردی از این فعالیت‌ها چیست؟
- ۲ چه عاملی او را به حرکت واداشته است؟
- ۳ آیا او به دنبال رفع نیازهایی همچون خوردن و آشامیدن بوده است یا فراتر از آن؟
- ۴ با توجه به نمونه مطرح شده بگویید این فرد چگونه توانسته با مشکلات و ناملایمات زندگی کنار بیاید؟
- ۵ شما به این فرد، از نظر قدرت اراده، بین ۱ تا ۱۰ چه نمره‌ای می‌دهید؟ چرا؟

فعالیت ۳-۷

رزمندگان اسلام در ۸ سال دفاع مقدس برای غلبه بر قدرت دشمنان، با وجود نبود امکانات مادی، با بهره‌گیری از اراده فولادین توانستند شجاعت‌های بسیاری از خود نشان دهند. با جست‌وجو در فضای مجازی یک یا چند نمونه از این موارد را بیابید و مطالب مناسبی درباره آن بنویسید (افرادی همچون شهید آشناسان، همت، باکری، صیاد شیرازی، نامجو و...)

هدفمندی (انتخاب هدف)

هدف، هر چیزی است که انسان سعی دارد به آن برسد و فکر می‌کند برای او مؤثر و مفید است. وقتی فردی سعی می‌کند یک میلیون تومان به‌دست بیاورد، نمره عالی بگیرد، از دانشگاه فارغ‌التحصیل شود، به قله کوهی برسد، باورهای خود را محکم و استوار کند، روزانه یک ساعت ورزش کند، یا در یک مسابقه پیروز شود، در واقع به رفتاری دست زده است که هدف دارد و هدفش متمرکز بر آینده است و با تلاش و کوشش می‌خواهد آن را به‌دست بیاورد و بخشی از نیازهای خود مانند پول، مدرک یا سلامتی را به‌دست بیاورد.^۱



سؤال

- ۱- برادرم به فوتبال علاقه‌مند است و می‌خواهد در این زمینه پیشرفت کند. من چگونه می‌توانم او را راهنمایی کنم تا تجارب موفق‌تری داشته باشد و در صورت شکست در یک مرحله، دست از تلاش برندارد و به کوشش ادامه دهد؟
- ۲- من می‌خواهم در تحصیل، انتخاب رشته و شغل آینده، انتخاب‌های درستی داشته باشم در هر مورد باید چه نکاتی را رعایت کنم؟

انتخاب هدف، علاوه بر ایجاد توانمندی، باعث انسجام در رفتار می‌شود. هدف معین، فرد را از بیراهه رفتن و اتلاف منابع انرژی خود مصون می‌دارد.

۱- نکته قابل توجه در انتخاب اهداف این است که برای رسیدن به اهداف بالاتر باید آن را به اهداف کوچک‌تر و قابل وصول تقسیم کنیم؛ به گونه‌ای که قدم به قدم و آرام آرام به اهداف مورد نظر برسیم. اگر از ابتدا اهداف را بالا و دست‌ناایستی انتخاب کنیم؛ هرگز نمی‌توانیم به آنها دست‌یابیم و از تلاش باز می‌مانیم. همچنین اگر اهداف را بسیار کوچک و بی‌ارزش و دودگذا انتخاب کنیم، هرگز انگیزه تلاش و عمل ایجاد نمی‌شود؛ زیرا از انجام آنها احساس ارزشمندی، افتخار و غرور نمی‌کنیم.

حرکت در مسیر دستیابی به هدف، نوعی موفقیت تلقی می‌شود؛ در نتیجه، فرد تحت تأثیر موانع زودگذر و عواملی همچون خستگی قرار نمی‌گیرد. انتخاب هدف، امید به موفقیت را به همراه می‌آورد.

فعالیت ۴-۷

هواییمی که از مبدأ به مقصد در حال پرواز است، با توجه به رادار، مستقیم به سمت هدف موردنظر پرواز می‌کند. وجود هدف مشخص، خلبان را از هرگونه انحراف باز می‌دارد. شما هم نمونه‌ای از تجربیات شخصی خود را که به شدت تحت تأثیر انتخاب هدف شما بوده و شما را از هرگونه انحرافی به دور داشته است، نام ببرید.

ناهماهنگی شناختی

یکی دیگر از عوامل بروز رفتار در افراد این است که رفتارمان با باور هماهنگ نباشد و فرد دچار ناهماهنگی فکری شود که به آن «ناهماهنگی شناختی» می‌گویند. وقتی شخص دارای دو شناخت هم زمان و متناقض باشد، که با یکدیگر متناقض است می‌گویند او دارای ناهماهنگی شناختی است.

اگر فردی بداند که سیگار کشیدن سبب ایجاد سرطان ریه می‌شود (شناخت و باور) و باز هم به کشیدن سیگار ادامه دهد (رفتار)، باور او با رفتارش ناهماهنگ است. برای رفع حالت ناهماهنگی، که ناراحت کننده هم هست، فرد می‌تواند این ارتباط را انکار کند و بگوید سیگار با سرطان ریه ارتباطی ندارد. چنین انکاری، عقلی نیست، اما امکان ادامه سیگار کشیدن او را فراهم می‌کند و فرد احساس آرامش فکری می‌کند.

مثال دیگر: شخصی می‌گوید «من حافظه خوبی دارم» و در جمله بعدی می‌گوید «من نام معلم پایه اول ابتدایی‌ام را فراموش کرده‌ام». این برای خود فرد و برای ما عجیب است که اگر حافظه‌اش قوی است پس چرا نام معلمش را فراموش کرده، و اگر حافظه‌اش خوب نیست، چرا خود را در حافظه توانمند می‌داند.

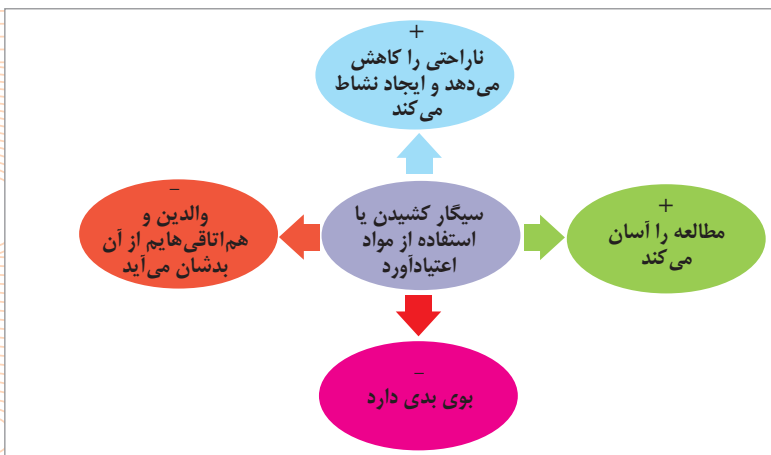
در اینجا فرد، برای اینکه دچار ناهماهنگی شناختی نشود، به رفتارها و توجیهاتی روی می‌آورد تا بین رفتار و شناخت هماهنگی حاصل شود؛ زیرا ناهماهنگی، ناخوشایند و تنش‌زاست. ممکن است

بگویند به یاد آوردن نام معلم، آن هم معلم اول ابتدایی، چندان اهمیت ندارد. (بی‌اهمیت جلوه دادن به خاطر آوری نام معلم اول ابتدایی) و یا بگویند از من کلمات انگلیسی یا تاریخ و نام دانشمندان را بپرسید تا همه را پاسخ بگویم. (تأیید اینکه حافظه‌ام خوب است). و یا ممکن است نگرش خود را تغییر داده بگویند: گویا، سنم کمی بالا رفته و حافظه‌ام مانند قبل قوی نیست. در تمامی این پاسخ‌ها فرد تلاش می‌کند تا ناهماهنگی فکری خود را حل کرده، در خود احساس آرامش کند.

سؤال

یک مورد از ناهماهنگی شناختی خود را بگویید؛ برای حل آن چه کرده‌اید؟ (مثلاً: «من عمومیم را خیلی دوست دارم ولی به دیدارش نمی‌روم» یا «دوست دارم آتش نشان شوم، ولی در مأموریت‌های سخت و خطرناک شرکت نمی‌کنم».

هنگام بروز ناهماهنگی، فرد می‌تواند دو کار انجام دهد: ۱- رفتار خود را تغییر دهد؛ ۲- نگرش خود را تغییر دهد، تا این دو با هم هماهنگ شوند. «شناخت» ما همچون نظام قاعده‌مندی است که بین عناصر آن پیوندهای بسیاری برقرار است و این پیوندها تمایل زیادی به هماهنگ بودن دارند. ارزیابی یک فرد از سیگار یا مواد اعتیادآور، به مقدار زیاد، تحت تأثیر ارزشیابی‌های او از نگرشش به مواد اعتیادآور قرار دارد. به شکل زیر و عناصری که در اطراف آن نوشته شده توجه کنید.

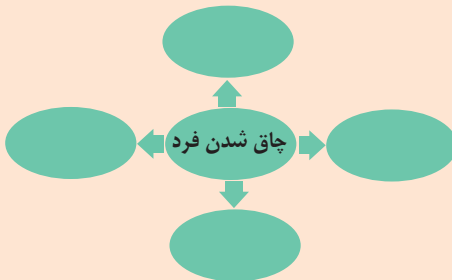




یک عنصر مثبت، مثلاً کاهش ناراحتی و ایجاد نشاط، می‌تواند به صورت مثبت به سیگار یا مواد اعتیادآور پیوند یابد و این معنا را بدهد که مواد اعتیادآور، نشاط ایجاد می‌کند.

بررسی عوامل دیگر و سیستمی دیدن نظام شناختی، نیز بیانگر این موضوع است که هرچه موارد مثبت پیرامون یک موضوع بیشتر باشد، گرایش فرد به استفاده از آن بیشتر می‌شود و هر چه عوامل منفی در اطراف آن موضوع بیشتر باشد، مانع استفاده از مواد اعتیادآور می‌شود. یعنی یک عنصر هرچه نیرومندتر و هر اندازه ارزیابی مثبت یا منفی آن قوی‌تر باشد، تأثیر قوی‌تری بر نگرش شخص خواهد داشت و رفتار او را شکل خواهد داد.

فعالیت ۷-۵



موضوع «هماهنگی میان عناصر شناخت» را در مورد یک فرد چاق در نظر بگیرید و موارد مثبت و منفی آن را نام برده، توضیح دهید چه چیزی موجب چاقی می‌شود؟

چه چیزی باعث می‌شود فرد، با وجود

میل باطنی به غذا و داشتن امکانات، از خوردن اضافی خودداری کند؟

سؤال

هر گاه فرد مجبور شود، بین دو انتخاب مطلوب، یکی را برگزیند، دچار ناهماهنگی بعد از تصمیم می‌شود؛ چرا؟ مثلاً بین انتخاب دو مدرسه یا دو دانشگاه خوب باید یکی را انتخاب کند. چرا افراد بعد از انتخاب مدرسه یا دانشگاه مورد نظر، در مورد آنکه انتخاب کرده مزایا، و در مورد آنکه رد کرده است معایب را می‌شمارد؟

با عبارات زیر موافقت یا مخالف؟ چرا؟

- رأی‌دهندگان به کسی رأی می‌دهند که نگرش او در مورد مسائل مختلف به نگرش آنها نزدیک باشد.
- مردم کالایی را بیشتر تأیید می‌کنند که برای آن پول بیشتری داده باشند.
- مردم نگرش‌هایی را حفظ می‌کنند که با نیازهای آنان جور درمی‌آید.
- برای تغییر نگرش‌ها باید کارکردی را که نگرش‌ها در خدمت آن هستند شناخت و آن را تغییر داد.

○ خلاصه بحث ناهماهنگی شناختی

- هر نگرش دارای یک عنصر شناختی، یک عنصر احساسی و یک عنصر آمادگی برای عمل است.
- نگرش‌های دوران کودکی هماهنگ با نگرش‌های خانواده است. این نگرش‌ها در مدرسه نیز از هماهنگی برخوردار است؛ زیرا مدرسه نیز معمولاً در همان محیط زندگی کودک قرار دارد و در دوران تحصیل دانشگاهی امکان بیشترین تغییر را پیدا می‌کند.
- نگرش‌ها، پس از شکل‌گیری، از ثبات بیشتری برخوردار شده و تابع اصل هماهنگی شناختی هستند؛ یعنی در برابر تغییر مقاومت می‌کنند.

○ ادراک کنترل و ادراک کارایی

- یک جراح چه زمانی دست به عمل جراحی می‌زند؟
- ۱ زمانی که انتظار داشته باشد که کارایی لازم را دارد و می‌تواند از پس عمل جراحی بر بیاید؛ یعنی دانش و مهارت لازم در انجام دادن آن کار را در خود حس کند (ادراک کارایی).
 - ۲ پس از پایان عمل، نتایج خوبی برای بیمار و جراح داشته باشد؛ یعنی حال بیمار بهبود یابد و برای جراح منافع روانی و مادی خوبی به بار آورد.



ما همواره دوست داریم همه چیز مطابق نظر ما و تحت اختیار ما باشد و با انجام دادن رفتارهای گوناگون سعی می‌کنیم محیط را در کنترل خود بگیریم (ادراک کنترل) و پیامدهای ناگوار را از خود دور کنیم. (یعنی از هر چه که سختی و درد دارد دوری می‌کنیم). ادراک کنترل و کارایی باید سازنده باشد؛ یعنی با شواهد محیطی هماهنگی لازم را داشته باشد، زیرا در صورت ناهماهنگی، نوعی ادراک کنترل و کارایی کاذب ایجاد می‌شود که مانع بروز رفتار است.

فردی را تصور کنید که هنگام کار با یک ابزار فلزی، تراشه‌ای از آن وارد انگشتش می‌شود و درد و سوزش شدیدی در او ایجاد می‌کند. برای خارج کردن تراشه، از مادرش کمک می‌خواهد. مادر با یک سوزن بهداشتی سعی می‌کند تراشه را بیرون بیاورد. ناگهان از درد فریاد می‌کشد، سوزن را از دست مادر گرفته، خود سعی می‌کند تراشه را خارج کند، اما این بار با وجود سوزش شدید و ایجاد جراحت بیشتر، صدای آه و ناله‌اش بلند نمی‌شود.

چرا در حالتی که خود می‌کوشد تراشه را خارج کند و با وجود درد احساس رضایت می‌کند؟

سؤال

والیبال حمید خوب نیست. دوستش از او دعوت کرد که در مسابقه والیبال محلی در تیم آنها بازی کند. حمید بهانه می‌آورد و عذرخواهی می‌کند. با توجه به ادراک کنترل و ادراک کارایی، به این سؤالات پاسخ دهید:

۱ چرا حمید نخواست در مسابقه شرکت کند؟

۲ چه رفتارهایی از حمید سر زد؟

۳ انگیزه او از انجام دادن این رفتار چه بود؟

۴ آیا این انگیزه درونی بود یا بیرونی؟

۵ نگرش او چه تأثیری در پذیرفتن

این درخواست یا رد آن دارد؟



اسناد

موفقیت یا شکست‌های خود را به چه چیزی نسبت می‌دهید؟
اگر در یک مسابقه برنده یا بازنده شوید، علت موفقیت خود را چه می‌دانید؟
اگر در امتحان زبان شکست بخورید، فکر می‌کنید علت چیست؟

پاسخ‌های افراد زیر در بیان علل موفقیت و شکست را بخوانید و بگویید اگر شما
جای آنها بودید، کدام استدلال را می‌آوردید؟ چرا؟

● تیم ما خیلی شانس آورد؛ حریف هندبال ما ضعیف بود. به همین خاطر برنده شدیم.
(داشتن شانس)

● سؤالات امتحان ریاضی را خیلی سخت طراحی کرده بودند؛ طوری که استاد‌های
دانشگاه هم نمی‌توانند به این سؤالات پاسخ دهند. (دشوار بودن تکلیف)

● در مسابقه والیبال خیلی خوب کار کردیم؛ پاس‌ها، آبشارها و سرویس‌هایمان دقیق
بود. تلاش‌های چند ماهه ما نتیجه داد و توانستیم پیروز شویم. بچه‌ها! دستتان درد نکند!
خسته نباشید! (تلاش و کوشش)

● نمی‌دانم چرا من زبان را یاد نمی‌گیرم! گویا من استعداد فراگیری زبان را ندارم. ده
سال هم که بخوانم، یاد نخواهم گرفت. (کم استعداد بودن یا کم بودن توانایی)

اغلب افراد علل شکست خود در امتحان را نمی‌دانند و آن را به امور دیگر نسبت می‌دهند
و می‌گویند:



● من آدم بد شانس هستم.

● امتحان سختی بود.

● این معلم با من دشمنی دارد. او به من نمره بد داد.

● ولی وقتی در امتحانی موفق می‌شوند می‌گویند:

● این ثمره کار و تلاش خودم بود.

● من استعدادم در این موضوع بسیار بالاست.

● اگر من اراده کنم، به راحتی نمره قبولی را به دست می‌آورم. این منم که ۱۹ یا ۲۰ گرفته‌ام.

یعنی در شکست دیگران را مقصر می‌دانند و در موفقیت، خود را عامل پیروزی می‌دانند.

به پاسخ‌های این دو گروه دقت کنید. تفاوت این دو دسته پاسخ در چه چیزهایی است؟ با توجه به انگیزه‌های بیرونی و درونی و نیز ادراک کنترل و ادراک کارایی، جدول زیر را کامل کنید.

تفاوت پاسخ‌ها

گروه اول که عامل شکست را خود نمی‌دانند	گروه دوم که خود را عامل پیروزی می‌دانند

● نکته اول

وقتی یادگیرندگان، شکست را به چیزی نسبت می‌دهند که نمی‌توانند آن را کنترل کنند، (مانند توانایی و دشواری تکلیف)، انگیزه بسیار کمی برای جبران آن خواهند داشت. برای کمک به این افراد باید گفت، برای پیروزی در تکالیف و امتحانات، باید آنها را به چیزهایی نسبت دهند که در اختیار خودشان است نه به چیزهایی که از دایره اختیار آنها بیرون است. شکست و اشتباه خود را به ناتوانی و دشواری تکلیف نسبت ندهیم بلکه بگوئیم: چون من تلاش نکردم، موفق نشدم؛ چون من برنامه‌ریزی نکردم، موفق نشدم. برنامه‌ریزی و تلاش از عوامل تحت کنترل ما هستند و به راحتی می‌توانند شکست‌های ما را در ورزش، درس و شغل جبران کرده و ما را به توفیق برسانند.

● نکته دوم

کسانی که شکست را به عوامل پایدار، مانند استعداد و دشواری تکلیف، نسبت می‌دهند. استعداد، توانایی و تکلیف از عواملی نیست که در اختیار فرد باشد. فرد هرگز نمی‌تواند استعداد را افزایش داده یا تکلیف را آسان نماید. این موضوع مانند این است که شخصی با ماشینی با توان موتور متوسط بخواد مسافت ۱۰۰۰ کیلومتری را در ۴ ساعت طی کند. روشن است از

عاهده چنین کاری بر نمی آید؛ زیرا این ماشین توان و امکان لازم برای طی چنان مسافتی را ندارد و اگر فرد در چنین مسابقه‌ای شکست بخورد و شکست را به قابلیت نداشتن ماشین خود نسبت دهد، روشن است که دچار یأس و دلسردی برای شرکت در مسابقات بعدی شود. یعنی برای موفقیت در هر کاری فرد باید به عواملی توجه کند که:



● در کنترل خودش باشد؛

● بتواند با تلاش، موانع رسیدن به هدف را برطرف کند؛

● پیروزی یا شکست را به عوامل درونی مانند تلاش

نسبت دهد، نه به عوامل بیرونی مانند دشواری تکلیف.

درماندگی آموخته شده

● آیا همیشه درماندگی ما واقعی است؟

بسیاری از ناتوانایی‌های ما به دلیل یادگیری است نه اینکه واقعاً نمی‌توانیم؛ یعنی باور می‌کنیم که ناتوانیم و کنترلی بر محیط خود نداریم و برای تغییر دادن شرایط نمی‌توانیم کاری انجام دهیم؛ در نتیجه، انگیزه عمل در ما به‌وجود نمی‌آید و تلاشی نمی‌کنیم.

فعالیت ۷-۷

در شرایط زیر چه می‌کنید؟

اگر بدانید:

● در انتخاب نماینده کلاس، چه رأی بدهید و چه ندهید، شخص خاصی انتخاب خواهد شد.

● درس بخوانید یا نخوانید، استاد به شما نمره قبولی نخواهد داد.

● داد بزنید یا سکوت کنید، کسی به کمک شما نخواهد آمد.

● برای دوستان پول خرج کنید یا نکنید، کسی شما را آدم حساب نخواهد کرد و با

شما دوست نخواهد شد.

● دارو بخورید یا نخورید، سردرد شما خوب نخواهد شد.

● ماشین خراب شده در راه راه، چه دستکاری کنید یا نکنید، روشن نخواهد شد.

● در اتاقی نشستهاید و هر ۳۰ ثانیه یک بار، زنگ گوش خراش و آزاردهنده‌ای به صدا در می‌آید. بار اول دکمه‌ای را فشار می‌دهید تا صدای زنگ قطع شود، ولی بار دوم و سوم و دفعات بعد هر چه دکمه را فشار می‌دهید، صدای زنگ قطع نمی‌شود. (یعنی چه دکمه را فشار بدهید یا ندهید، صدای زنگ قطع نخواهد شد)
در چنین شرایطی آیا از شما رفتاری سر خواهد زد؟ چرا؟

وقتی افراد به تکلیفی مشغول می‌شوند یا کاری انجام می‌دهند انتظار دارند نتایج خوبی از رفتار و کارهایشان به دست آورند: پولی دریافت کنند، نمره خوبی بگیرند، مشکلی از آنان برطرف شود و ...؛ یعنی بین کار خود و نتایج آن رابطه‌ای متقابل برقرار می‌کنند. زمانی که بین آن فعالیت و نتایج به‌دست آمده رابطه‌ای نمی‌بینند، دچار «درماندگی آموخته شده» می‌شوند؛ یعنی حالتی که در آن پیامدها و نتایج کار هیچ ربطی با تلاش و کار فرد ندارد. این بی‌رابطه‌گی را در جدول زیر مشاهده می‌کنید.

نتیجه	کار یا تلاش
قطع نشدن صدا و ادامه یافتن صدای گوش خراش بهبود نیافتن سردرد روشن نشدن آن نگرفتن نمره خوب	فشار دادن دکمه خوردن دارو دستکاری ماشین خواندن درس



اگر بین کار خود و پیامدهای آن رابطه‌ای نبینیم، دست از کار می‌کشیم؛ یعنی یاد می‌گیریم که نتایج به‌دست آمده ارتباطی با کار ما ندارند و مستقل از عمل ما هستند. در این حالت به «درماندگی آموخته شده» می‌رسیم.

این حالت در حیوانات هم پیش می‌آید. به نمونه‌های زیر توجه کنید:



● داستان فیل‌های باغ وحش، که به راحتی رام صاحب خود هستند، همین‌گونه است. فیل‌ها را در کودکی با طناب یا زنجیر محکمی به یک پایه یا ستون، محکم، می‌بندند. فیل نمی‌تواند طناب یا زنجیر را پاره بکند تا جایی که در می‌یابد تلاشش بی‌فایده است و هر کاری بکند خلاصی نخواهد داشت؛ به همین دلیل رام می‌شود و می‌آموزد که آرام باشد و دست از تلاش بردارد و هر موقع طناب به گردش باشد فرمانبر و مطیع صاحب خود می‌شود؛ حتی اگر این طناب در دست یک کودک باشد.

فیل توانایی پاره کردن طناب را دارد، اما پذیرفته که ناتوان است.^۱

این مسئله در مورد انسان از این هم بدتر است. آدمیان، با وجود توانایی، می‌آموزند که ناتوان هستند و تلاش آنها موقعیت را به هیچ وجه به نفع آنها تغییر نخواهد داد.

۱- دو مثال دیگر، برای آگاهی بیشتر ذکر می‌شود:

الف - در یک آزمایش ابتدا سگ را در قفسی قرار می‌دهند که دو قسمت دارد. سپس در یک نیمه قفس، از زیر پای سگ به او شوک الکتریکی وارد می‌کنند. سگ با دریافت شوک آزاردهنده، به طرف دیگر قفس می‌پرد و از شوک خلاص می‌شود. بار دوم سگ را در همان قفس قرار داده و این بار به هر دو طرف قفس شوک وارد می‌کنند. سگ برای فرار از شوک به طرف دیگر می‌پرد ولی می‌بیند شوک برقرار است دوباره به طرف قبلی می‌پرد و می‌بیند دوباره شوک برقرار است. چندین بار این کار را برای رهایی از شوک انجام می‌دهد و درمی‌یابد که تلاشش بی‌فایده است و فایده‌ای ندارد. از حرکت ایستاده و تکان نمی‌خورد و فقط زوزه می‌کشد.

برای بار سوم سگ را در قفس قرار داده و مانند بار اول فقط به همان طرفی که سگ قرار دارد شوک می‌دهند. سگ با وجود دریافت شوک و اینکه می‌تواند با پرش به طرف دیگر، خود را نجات دهد، هیچ حرکتی نکرده، شوک را تحمل می‌کند و زوزه می‌کشد (یعنی به درماندگی آموخته شده رسیده است). ←

اگر فرد به این باور برسد که هیچ کاری از دستش برنمی آید تا موقعیت ناگوارش را تغییر دهد، حالت او را درماندگی آموخته شده می نامند.

وضعیت «درماندگی آموخته شده» را می توان این گونه توصیف کرد: شخص واقعاً ممکن است در موقعیت ناراحت کننده قرار داشته و تلاش او نتوانسته موقعیتش را تغییر دهد. در نتیجه از تلاش بازمانده و به این باور رسیده است که هیچ کاری از من ساخته نیست.

در این شرایط، فرد اطمینان به خود را از دست می دهد، به ناتوانی خود اذعان می کند و توان حرکت و خلاقیت از او سلب شده به موجودی بی تحرک و خنثی تبدیل می شود؛ یعنی احساس می کند کنترل اوضاع از دستش خارج شده است.

درماندگی آموخته شده مربوط به افرادی است که کوشش را با پیشرفت مرتبط نمی دانند. آنها فکر می کنند هر کاری انجام دهند به موفقیت نمی رسند. یعنی پیامدهای رفتار را مستقل از خود رفتار می دانند؛ در نتیجه، این اعتقاد در فرد ایجاد می شود که رویدادها در کنترل او نیستند.

سؤال

- ۱ شما در چه مواردی احساس درماندگی آموخته شده را تجربه کرده اید؟
- ۲ از خود چه واکنش هایی نشان دادید؟
- ۳ برای اینکه این درماندگی را کنار بگذارید و اوضاع را کنترل کنید، چه کردید؟

→ پژوهش های دیگری در این زمینه به تأثیر ناکامی بر رفتار یک اردک ماهی می پردازد.

ب — یک اردک ماهی را در آکواریومی قرار دادند که تعداد زیادی ماهی کپور در آن بود. اردک ماهی به وفور ذخیره غذایی در اطراف خود عادت کرد و هر موقع که گرسنه می شد می توانست ماهی های کپور را بخورد. سپس میان او و ماهی های دیگر یک دیوار شیشه ای قرار دادند. اردک ماهی پس از ساعاتی گرسنه شد. سعی کرد خود را به ماهی های کپور برساند، ولی مدام سرش به دیوار شیشه ای برخورد می کرد. نیاز او به غذا باعث شد سخت تر از پیش تلاش کند تا به ماهی های کپور دست یابد، ولی شکست مکرر در وصول به هدف و خوردن سر به دیوار شیشه ای به اندازه کافی موجب ناکامی او شد. به طوری که دیگر برای خوردن ماهی ها کوشش نکرد. در مرحله سوم، دیوار شیشه ای را برداشتند و مانند حالت اول اردک ماهی می توانست ماهی های کپور را شکار کرده و بخورد. اما اردک ماهی تلاشی برای شکار نشان نداد، تا جایی که اردک ماهی در میان وفور خوراکی، از شدت گرسنگی، جان سپرد.

فعالیت در منزل

ارزشیابی

در جدول زیر، به ۱۶ مورد اشاره شده است. شما هم می‌توانید با پاسخ دادن به آنها میزان انگیزه خود را تعیین کنید. برای هر مورد از یک (اصلاً این طور نیستم) تا پنج (کاملاً همین طور هستم) نمره بدهید.

۵	۴	۳	۲	۱	موارد	ردیف
					من سلسله مراتب انگیزه‌ها در زندگی را می‌دانم و مهم‌ترین آنها برای خودم را می‌شناسم.	۱
					من دارای انگیزه درونی هستم.	۲
					من انتظارات و استانداردهای بالایی برای موفقیت دارم.	۳
					زندگی من پر از لحظات هیجان‌انگیز است.	۴
					افرادی را می‌شناسم که انگیزه مرا در زندگی زیاد کرده‌اند. نوع اقدام آنان در این مورد را هم می‌دانم.	۵
					من زمینه‌هایی که نیاز به فعالیت دارند را می‌شناسم.	۶
					من کمال طلب هستم، نه اجرا کننده بی‌اختیار دستورالعمل‌ها.	۷
					من، یادگیری و موفقیت را به خاطر خود آنها دوست دارم، نه اینکه بخواهم از این راه نقص‌ها و شکست‌های خودم را پنهان نگه دارم.	۸
					کارایی من، در مجموع، خوب است.	۹

					۱۰ من به توانا بودن خودم در کلاس اعتماد دارم و آن را به خوبی به کار می گیرم.
					۱۱ به طور منظم هدف‌هایی را برای خودم در نظر می گیرم؛ برای رسیدن به آنها تلاش می کنم و گام به گام پیش می روم.
					۱۲ دارای هدف‌های اختصاصی، در دسترس و تلاش برانگیز هستم.
					۱۳ از وقت خودم به خوبی استفاده می برم و مطابق برنامه هفتگی عمل می کنم.
					۱۴ من از اشتباهات خودم چیز یاد می گیرم تا بتوانم به موفقیت‌های آینده برسم.
					۱۵ نمی گذارم نگرانی‌ها و مسائل عاطفی دیگر بر من غلبه کنند و انگیزه‌ام را از بین ببرند.
					۱۶ روابطم با دوستان و همکاران خوب است. از آنان برای حفظ انگیزه‌ام کمک می گیرم.

نمره دهی و ارزشیابی

به نمره‌ها نگاه کنید. اگر به هر مورد ۴ یا ۵ داده‌اید، می‌توانید از انگیزه خود در کارها بهره بگیرید و مدل مثبت و خوبی برای دوستان و هم‌کلاسی‌های خود باشید. در مواردی هم که نمره ۳ یا پایین‌تر از آن آورده‌اید، بیشتر فکر کنید و ببینید چگونه می‌توانید آنها را هم بهبود ببخشید.

آبراهام مازلو: (تولد ۱ آوریل ۱۹۰۸ نیویورک آمریکا — مرگ ۸ ژوئن ۱۹۷۰) به اعتقاد مازلو نیازهای آدمی از یک سلسله مراتبی برخوردارند و رفتار افراد، در لحظات خاص، تحت تأثیر شدیدترین نیاز قرار می‌گیرد.

● نیازهای انسان

در این نظریه، نیازهای آدمی در پنج طبقه مرتب شده‌اند:

اول: نیازهای زیستی

نیازهای زیستی در اوج سلسله مراتب قرار دارند و تا زمانی که قدری ارضاء شوند، بیشترین تأثیر را بر رفتار فرد دارند. نیازهای زیستی، لازمه حیات آدمی است: خوراک، پوشاک و مسکن. تا زمانی که نیازهای اساسی برای فعالیت‌های بدن به حد کافی ارضاء نشوند، عمده فعالیت‌های شخص احتمالاً در این سطح بوده، بقیه نیازها انگیزش کمی ایجاد خواهد کرد.

دوم: نیازهای امنیتی

نیازهای امنیتی شامل نیاز به رهایی از وحشت، امنیت جانی و محروم نبودن از حقوق اساسی است؛ به عبارت دیگر نیاز به حفاظت از خود در زمان حال و آینده را شامل می‌شود.

سوم: نیازهای اجتماعی

نیاز اجتماعی همان احساس تعلق و محبت است. انسان موجودی اجتماعی است و هنگامی که نیازهای اجتماعی او اوج می‌گیرد، برای برقراری روابط معنی‌دار با دیگران، سخت می‌کوشد؛

چهارم: احترام

این احترام قبل از هر چیز، احترام به خود است و سپس قدر و منزلتی که توسط دیگران برای فرد حاصل می‌شود. اگر آدمیان نتوانند نیاز خود به احترام را از طریق رفتار سازنده برآورند، در این حالت ممکن است فرد برای ارضای نیاز «جلب توجه» و «مطرح شدن»، به رفتار خرابکارانه یا نسنجیده متوسل شود.

پنجم: خودشکوفایی

یعنی شکوفاکردن تمامی استعدادهای پنهان آدمی؛ حال این استعدادها هر چه می‌خواهد باشد. مازلو نیز می‌گوید: «آنچه انسان می‌تواند باشد، باید بشود». به طبقه‌بندی مذکور، دو نیاز «دانش‌اندوزی و شناخت و درک پدیده‌ها» و «نیاز به زیبایی و نظم» نیز اضافه شده است که هر دو قبل از «نیاز به خودشکوفایی» قرار می‌گیرند.



پاسخ این سؤال داوطلبانه است:

با توجه به آنچه درباره نگرش خواندید، آیا هرم نیازهای مازلو درست است؟ شما چه نقدی بر آن دارید؟

با بررسی پیشرفت تحصیلی خودتان در یکی از دروس مورد نظر:

جایگاه انگیزه در دستیابی به اهداف آن درس را توضیح دهید.

.....

.....

.....

.....

مثالی (مانند نیک وی آپچیج) را در زمینه ورزشی، اخلاقی، شغلی و ... پیدا کرده و علل موفقیت آن فرد را با توجه به مطالب این درس مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و چکیده آن را با تصویر آن شخص، در کلاس ارائه دهید.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

واژگان اصلی

نگرش، انگیزش، انگیزه‌های بیرونی، انگیزه‌های درونی، باورها و نظام ارزشی فرد، اراده، ادراک کنترل و کارایی (احساس کارایی)، اسناد، ناهماهنگی شناختی، درماندگی آموخته شده.

روان شناسی سلامت



از دانش آموز انتظار می رود در پایان این درس بتواند:

- ۱ یکی از اقدام‌های اساسی در رسیدن به سلامت را ارائه بدهد.
- ۲ مقابله‌های سازگارانه را برای فشارهای روانی به کار گیرد.
- ۳ مهم‌ترین روش‌های مقابله با فشار روانی را در یک مثال واقعی به کار گیرد.
- ۴ در خصوص تأثیر مذهب و باورهای دینی بر سلامت، یک فرضیه ساخته و از آن دفاع کند.

آیا تاکنون از خود پرسیده‌اید که چرا افراد بیمار، بی‌حوصله می‌شوند یا چرا وقتی نگرانی‌ها و فشارهای زندگی زیادتر می‌شود، احتمال ابتلا به بیماری‌ها بیشتر می‌شود؟ جسم و روان ارتباط متقابلی باهم دارند. رویارویی با مسائل و موضوعاتی که انسان در زندگی با آنها مواجه می‌شود، می‌تواند بر سلامت جسمانی افراد تأثیر بگذارد.

خانم عسگری پرستار ۳۵ ساله‌ای است که ۱۰ سال است در بیمارستان کار می‌کند. او احساس مسئولیت و تعهد زیادی دارد و به همین دلیل به‌عنوان پرستار ویژه قلب انتخاب شده است. پرستاران بخش قلب باید تمرکز بالایی داشته باشند و روزانه با بستگان بیماران ارتباط خوبی برقرار کنند؛ زیرا ممکن است برخی از بیماران در معرض آسیب‌های جسمی شدید و حتی مرگ قرار بگیرند. خانم عسگری برای اینکه بتواند بیشتر ساعات خود را در کنار فرزندان بگذراند، نوبت کاری عصر و شب را در بیمارستان می‌ماند. این کار باعث اختلاف وی و همسرش شده است؛ در نتیجه، کمتر از گذشته می‌تواند کنار همسرش باشد. او معمولاً به دلیل کم‌خوابی و خستگی، به دعوت خانواده و دوستان خود هم جواب مثبت نمی‌دهد. تا

اینکه به روانشناس مراجعه کرد و وضعیت خود را چنین شرح داد: حال خوشی ندارم و زود از دست بچه‌هایم عصبانی می‌شوم. فشار خونم بالاست و مدتی است که در دست چپم احساس درد و فشار می‌کنم. گاهی با احساس خفگی از خواب می‌پریم. با اینکه بخش قلب کار می‌کنم، برای درمان ناراحتی‌ام هیچ اقدامی نکرده‌ام.



سؤال

به نظر شما مهم‌ترین عامل ایجاد فشارخون بالا و بیماری قلبی در زندگی خانم عسگری چیست؟

امید ۱۴ ساله است و از آغاز تولد به دیابت مبتلا بوده است. او به طور مداوم تحت نظر پزشک اطفال بوده و رژیم غذایی مخصوص دارد. پدر و مادر امید برای کنترل مصرف داروها و رعایت رژیم غذایی همیشه مراقب او هستند. والدین او، از همان ابتدا، بیماری وی را به مسئولان مدرسه اطلاع دادند و از آنها خواستند که همکلاسی‌های او را از بیماری امید آگاه کنند تا مراقب او باشند. با وجود این اطلاع‌رسانی، امید در مدرسه دوست صمیمی ندارد و بیشتر زنگ‌های تفریح تنها است. والدین امید می‌گویند همیشه به فرزند بیمارشان توجه داشته، خواسته‌های او را برآورده کرده‌اند، ولی امید اغلب اوقات در خانه عصبانی و غمگین است.

سؤال

به نظر شما رابطه بین جسم و روان در بیماری امید و خانم عسگری چه فرقی با هم دارد؟



چنان که در دو مثال بالا دیده می‌شود، بین سلامت جسمانی و ویژگی‌های روان‌شناختی، ارتباط متقابل و تنگاتنگی وجود دارد. بررسی این ارتباط در حوزه «روان‌شناسی سلامت» قرار می‌گیرد.

روان‌شناسی سلامت^۱

روان‌شناسی سلامت، شاخه‌ای از روان‌شناسی است که از یافته‌های این علم برای پیشگیری و درمان بیماری‌های جسمی بهره می‌برد.

سلامت و بیماری: برای فهم درست روان‌شناسی سلامت لازم است با پیوستار سلامت^۲ آشنا شویم. شکل صفحه بعد این پیوستار را نشان می‌دهد. سمت راست این پیوستار بیانگر وضعیت سلامت کامل و سمت چپ بیانگر مرگ است و میان این دو، درجات مختلفی از سلامت نشان داده شده است؛ به طوری که بیمار مبتلا به سرطان، که روش درمانی دیگر روی او اثر ندارد، نزدیک به انتهای چپ پیوستار یعنی مرگ (قسمت قرمز ناتوانی‌های عمده ناشی از بیماری) قرار دارد. به عکس، فردی که در زندگی توانسته با انتخاب شیوه‌ای صحیح و سالم،

۱- Health Psychology

۲- Health

از بروز بیماری‌ها در خود پیشگیری کند، در انتهای راست پیوستار (قسمت سبز شیوه زندگی بسیار سالم) یعنی سلامت کامل قرار می‌گیرد.



پیوستار سلامت و بیماری

به عبارت دیگر در روان‌شناسی سلامت، اعتقاد بر این است که بیماری یا سلامت دو جنبه جداگانه نیستند، بلکه از سلامت کامل تا مرگ، یک پیوستار وجود دارد که هر یک از ما بر روی یکی از نقاط پیوستار جای می‌گیریم.



علی ۲۰ سال دارد و دانشجوی رشته کامپیوتر است. او هر روز صبح با سردرد شدید و کسالت از خواب بیدار می‌شود. به علت دیر بیدار شدن صبحانه نمی‌خورد و با عجله به کلاس می‌رود. در طول روز و بعد از خوردن ناهار، سردرد و گیجی علی از بین می‌رود. علی بر روی پیوستار سلامتی، در قسمت زرد رنگ علائم متوسط قرار می‌گیرد.

فعالیت ۸-۱

شما از نظر سلامتی در کدام بخش این پیوستار قرار دارید؟



یکی از هدف‌های روان‌شناسی سلامت، پیشگیری و درمان بیماری‌ها است. علاوه بر این، **حفظ سلامتی** و ارتقای آن هم مدنظر است؛ یعنی اینکه فرد در هر نقطه‌ای از پیوستار قرار داشته باشد، نه تنها باید بتواند جایگاه خود را حفظ کند، بلکه باید تلاش کند به نقطه بالاتر، که به سلامت کامل نزدیک‌تر است، برسد.

نقش متقابل عوامل جسمانی و روانی در سلامت روان

در روان‌شناسی سلامت، متغیرهای روان‌شناختی در دو نقش بررسی می‌شوند:

۱ عامل ایجاد بیماری‌های جسمانی: برخی از مسائل روانی در ایجاد انواع بیماری‌های جسمانی مؤثر است؛ مثلاً کسی مانند خانم عسگری، که در زندگی خود فشارهای زیادی را تجربه می‌کند، احتمال دارد به بیماری‌های قلبی – عروقی و سایر بیماری‌های جسمانی مبتلا شود.

۲ پیامدهای بیماری‌های جسمانی: اگر فردی مبتلا به بیماری‌ها و مشکلات جسمانی باشد عوارض و مشکلات روانی نیز در وی بروز می‌کند؛ مثلاً کسی که مانند امید ۱۴ ساله مبتلا به بیماری دیابت است، خیلی زود عصبانی می‌شود و احساس غمگینی می‌کند.

فعالیت ۸-۲

نقش‌های متغیرهای روان‌شناختی
با توجه به نمونه جدول را کامل کنید:

جدول ۸-۱- دو نقش متغیرهای روان‌شناختی در سلامت

بیماری جسمانی	عامل روانی	پیامد روانی	بیماری جسمانی	
سردردهای میگرنی	فشار روانی، ترس از دست دادن دوست	افسردگی	بیماری ام‌اس	۱
...	تعارض شدید	...	قطع عضو	۲
...	ناکامی‌های مکرر	...	ضعف شنوایی	۳

سبک زندگی و بیماری

یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد بیماری‌ها «سبک زندگی» افراد است که روان‌شناسان سلامت آن را بررسی می‌کنند.

اگر از شما بخواهند سبک زندگی خود را توصیف کنید، چه خواهید گفت؟ آیا سبک زندگی شما عبارت است از توضیح درباره ساعات خواب و بیداری، نوع فعالیت و تغذیه شما؟ ممکن است از شما بپرسند، معمولاً صبح چه ساعتی از خواب بیدار می‌شوید؟ صبحانه چه می‌خورید؟ با چه وسیله‌ای به مدرسه می‌روید؟ در مدرسه به چه دروسی علاقه دارید؟ رابطه شما با معلمان و اولیای مدرسه چگونه است؟ با دوستان خود چه‌طور رفتار می‌کنید؟ چه غذاهایی را دوست دارید؟ بعد از مدرسه چگونه به خانه می‌روید؟ چقدر از وقت خود را برای انجام دادن اعمال عبادی صرف می‌کنید؟ چقدر از وقت خود را برای درس خواندن می‌گذارید؟ آیا زمانی از روز به تفریح یا ورزش می‌گذرانید؟ ورزش و تفریح شما به تنهایی است یا با دیگران؟ از همه مهم‌تر چه میزان از ساعات شبانه‌روز را به اندیشیدن اختصاص می‌دهید؟



نوع پاسخ شما به هریک از سوالات بالا نشان‌دهنده الگوهای رفتاری و شناختی شماست. به مجموعه الگوهای رفتاری و شناختی، که شما معمولاً در زندگی روزمره از آنها استفاده می‌کنید **سبک زندگی**^۱ می‌گویند. سبک زندگی با عوامل خطر ساز بیماری رابطه دارد. الگوهای رفتار



ناسالم در ایجاد و گسترش بیماری‌ها مؤثرند؛ مثلاً اگر در برنامه روزانه یک نفر، که همان سبک زندگی اوست، شامل خوردن غذاهای چرب و سرخ شده و عدم تحرک کافی باشد، خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی، فشار خون و دیابت بیشتر می‌شود.

۱- Life style

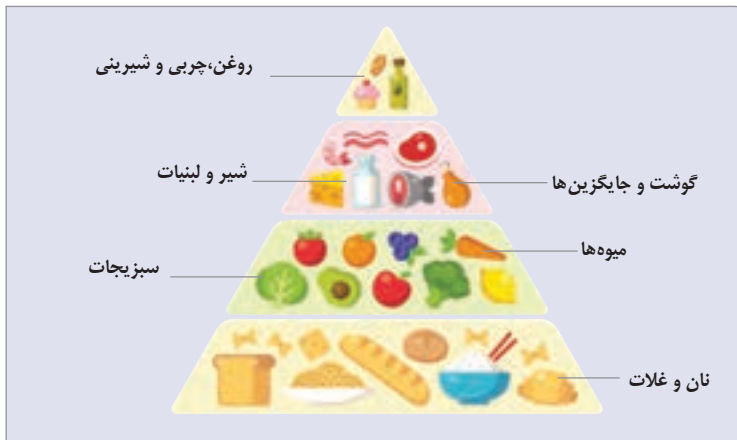
ابعاد مهم سبک زندگی

روان‌شناسان سلامت در سبک زندگی افراد به سه مورد مهم اشاره می‌کنند.

- ۱ تغذیه
- ۲ ورزش
- ۳ فشارهای روانی و روش‌های مقابله با آن.

تغذیه

متخصصان تغذیه معتقدند که رژیم غذایی سالم باید حاوی کربوهیدرات زیاد و چربی کم باشد؛ همچنین آنان بر اهمیت مصرف مواد فیبردار و میوه‌ها تأکید می‌کنند.



تغذیه سالم و متعادل به سبک زندگی افراد مرتبط است. همه افراد نیاز به رژیم‌های غذایی خاص سن و جنس خودشان دارند و به تناسب رشد، نوع رژیم غذایی افراد تغییر می‌کند.



پرسش نامه سبک زندگی

روش نمره دهی چنین است: عدد ۱ «تقریباً همیشه»، عدد ۲ «اغلب»، عدد ۳ «گاهی»، عدد ۴ «به ندرت» و عدد ۵ «هرگز».

نمره

موارد

۵	۴	۳	۲	۱	
					۱- حداقل روزی یک وعده غذای گرم و متعادل می خورم.
					۲- حداقل چهار شب در هفته، ۷ تا ۸ ساعت می خوابم.
					۳- همیشه محبت می کنم و محبت می بینم.
					۴- در نزدیکی خود کسی را دارم که می توانم به او اتکا کنم.
					۵- در هفته حداقل دو بار به طوری ورزش می کنم که بدنم عرق می کند.
					۶- سراغ سیگار نمی روم.
					۷- از مواد نیروزا استفاده نمی کنم.
					۸- قد و وزنم مناسب است.
					۹- درآمد من برای زندگی ام کافی است.
					۱۰- عقاید مذهبی محکمی دارم.
					۱۱- برای نماز و دعا به مسجد می روم.
					۱۲- دوستان و آشنایان زیادی دارم.
					۱۳- دوستی دارم که با او درد دل کنم.
					۱۴- وضعیت سلامتی من خوب است (بینایی، شنوایی و دندان ها)
					۱۵- وقتی خشمگین می شوم، احساسات خود را بیان می کنم.
					۱۶- درباره مشکلات زندگی با اطرافیان صحبت می کنم.
					۱۷- حداقل هفته ای یک بار به تفریح و گردش می روم.
					۱۸- وقتم را خوب تنظیم می کنم.
					۱۹- در روز کمتر از سه فنجان چای می نوشم.
					۲۰- در طول روز برای خودم وقت استراحت در نظر می گیرم.
					نمره کل:

برای محاسبه، نمره کل را به دست آورید و آن را منهای ۲۰ کنید. اگر نمره به دست آمده بین ۳۰ تا ۴۹ باشد، فرد در برابر فشار روانی آسیب پذیر است. اگر نمره بین ۵۰-۷۰ باشد، جداً آسیب پذیر است و اگر از ۷۵ بیشتر باشد، فرد خیلی آسیب پذیر است و به مراقبت های ویژه نیاز دارد.

● ورزش

همه ما در زندگی روزانه، تحرک و فعالیت بدنی داشته‌ایم و احساس نشاطی که ورزش کردن در ما ایجاد می‌کند را تجربه کرده‌ایم.

یکی از عوامل سبک زندگی سالم، فعالیت بدنی و انواع ورزش‌هاست. پیاده‌روی، کوه‌پیمایی، شنا و دویدن آهسته که به مصرف اکسیژن احتیاج دارند، نمونه‌هایی از ورزش‌های مناسب است. ورزش، علاوه بر ایجاد لذت و شادابی، موجب حفظ و ارتقای سلامتی و پیشگیری و کنترل بیماری‌ها نیز می‌شود. همچنین، ورزش و تحرک زیاد می‌تواند سوخت‌وساز بدن را تنظیم کرده به کنترل وزن و تناسب اندام کمک کند. ورزش اثرات پرخوری بر وزن و سلامتی را کنترل می‌کند و موجب تناسب اندام می‌شود.



● روش‌های مقابله با فشار روانی

قبل از آشنایی با روش‌های مقابله با فشارهای روانی، لازم است با تعریف فشار روانی بیشتر آشنا شویم.

● فشار روانی

فشار روانی، روبه‌روشدن با تغییر در زندگی است مواردی مانند بیماری، مرگ یکی از عزیزان، فشار کار سنگین و قبولی یا شکست در کنکور، یک ویژگی مشترک دارند و آن ایجاد تغییر در زندگی است. چنین تغییری باعث به هم خوردن تعادل در زندگی می‌شود و لازم است برای سازگار شدن با شرایط جدید بیشتر تلاش کنیم؛ بنابراین می‌توان گفت «فشار روانی عبارت است از نیاز برای دوباره سازگار شدن با شرایط جدید زندگی».

در روان‌شناسی سلامت عمدتاً به پیامدهای نامطلوب فشار روانی اشاره می‌شود که از نوع

فشار روانی منفی است. فشار روانی به دو نوع، منفی^۱ و مثبت^۲ تقسیم می‌شود. اغلب افراد، فشار روانی را منفی تلقی می‌کنند.

در نمونه‌های زیر فشارهای روانی منفی و مثبت را ملاحظه می‌کنید؛

- ۱ حواس‌پرتی دانش‌آموز در جلسه امتحان به علت فشار روانی زیاد؛
 - ۲ ناراحتی شدید از دوست صمیمی در صورتی که نتوانید ناراحتیتان را به او بگویید؛
 - ۳ رقابت شدید دانش‌آموز برای یک تمرین رتبه دو در سال تحصیلی؛
 - ۴ تحت فشار بودن یک فوتبالیست برای زدن پنالتی سرنوشت‌ساز در دقایق پایانی بازی.
- همه افراد در زندگی خود استرس^۳ را تجربه می‌کنند. فشار روانی از نوع ارتباط شخص با محیط است. هنگام فشار روانی، شخص یک رویداد یا یک موقعیت را به صورت فشارآور و فراتر از توانایی خود، ارزیابی می‌کند و سلامتی خود را در خطر می‌بیند. با توجه به مثال‌های بالا وقتی شما در جلسه امتحان سؤالات را سخت ارزیابی می‌کنید، دچار احساس فشار روانی می‌شوید. فشار روانی پیامدهای ناخوشایندی به دنبال دارد که یکی از آنها از دست دادن تمرکز است.

در فشار روانی منفی، فرد به دلیل نوع ارزیابی‌اش از مشکل، احساس ناخوشایندی را تجربه می‌کند و، در نتیجه، قادر به دستیابی به هدف نیست. برعکس، در فشار روانی مثبت، انگیزش و تلاش فرد برای رسیدن به هدف‌ها افزایش یافته، با موقعیت به چالش برخاسته و هنگام رسیدن به هدف، فشار روانی‌اش از بین می‌رود. در مثال سوم و چهارم، هرچند فرد با فشار روانی مواجه است، اما پیامد آن مطلوب و سازنده است. در حالی که در مثال اول و دوم، حالتی از درماندگی و ناامیدی و در نتیجه شکست و ناکامی شکل گرفته است (حواس‌پرتی و از دست دادن تمرکز).

فشار روانی مثبت باعث ارتقای واکنش‌های رفتاری و پردازش‌های شناختی می‌شود؛ برای مثال دروازه‌بان در فوتبال زمانی که توپ در زمین تیم مقابل است کاملاً احساس خونسردی می‌کند و همین باعث بی‌توجهی وی می‌شود، اما همین که توپ به سمت او حرکت می‌کند، کاملاً هشیارانه عمل می‌کند؛ یعنی توجه متمرکز در او شکل گرفته، کوچک‌ترین حرکت‌ها را در نظر می‌گیرد. دروازه‌بان در این حالت با فشار روانی مثبت مواجه است.

۱- Distress

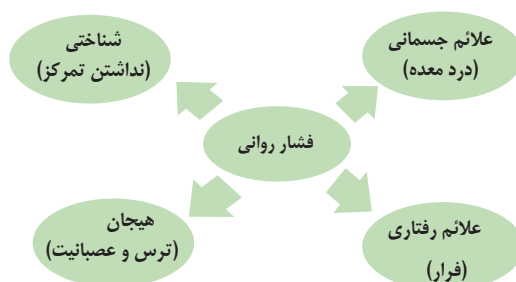
۲- Eustress

۳- Stress

سؤال



دروازه بان فوتبال در چه زمانی می تواند بهترین عملکرد را از خود نشان دهد؟



فعالیت ۸-۴

نمونه هایی از فشار روانی را که در طی هفته گذشته با آن مواجه بوده اید، در جدول زیر بنویسید و علائم آن را مشخص کنید.

علائم هیجانی	علائم شناختی	علائم هیجانی	علائم جسمانی	فشارهای روانی هفته گذشته

راه‌های مقابله با فشارهای روانی منفی

فهرست فشارآورهای روانی خود و دیگر همکلاسی‌هایتان را مجدداً بررسی کنید. آیا در کلاس شما کسی هست که در زندگی خود فشار روانی نداشته باشد؟ همه افراد با فشارهای روانی منفی متعددی مواجه هستند. آیا همه با این فشارآورهای روانی با روش‌های یکسان مقابله می‌کنند؟ قبل از اینکه به روش‌ها اشاره کنیم، ابتدا باید مفهوم «مقابله» را بدانیم.

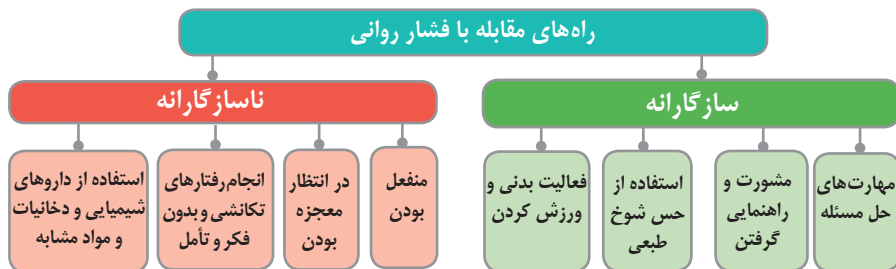
● **مقابله**! به معنای تلاش فرد برای از بین بردن فشار روانی و یا به حداقل رساندن و تحمل آن است، هنگام روبه رو شدن با موقعیت، فرد ابتدا براساس برداشت اولیه خود، آن را ارزیابی می‌کند و از خود می‌پرسد: آیا خطری مرا تهدید می‌کند؟ اگر پاسخ این سؤال مثبت باشد، فرد کنترل شخصی خود را ارزیابی می‌کند: آیا من می‌توانم کاری برای تغییر موقعیت انجام دهم؟ به این ترتیب روش‌های مقابله‌ای فرد، برای کاهش فشار روانی، فراخوانی می‌شوند. هدف اصلی فرد در مقابله، حذف عامل فشارآور است که زندگی او را از حالت عادی خارج ساخته است؛ مثلاً دانش‌آموزی که نمره خوبی نگرفته است، هر روز وقت بیشتری را صرف مطالعه و یادگیری آن درس می‌کند. در این مثال، دانش‌آموز سعی دارد مشکل درسی خود را برطرف کند. هر چند ممکن است دانش‌آموز دیگری، برای فرار از این مشکل، خود را با فعالیت دیگری مثل بازی کامپیوتری و یا تلفن همراه سرگرم کند. آیا همیشه می‌توانیم فشارآورهای روانی را برطرف کنیم؟ باید گفت خیر؛ مثلاً برای فردی که پدر خود را از دست داده و دچار غم از دست دادن عزیز شده است، کاری نمی‌توان کرد، مگر آنکه به‌طور

سازگارانه‌ای شرایط پیش‌آمده را پذیرفته، فشار روانی را تحمل کند، به‌گونه‌ای که اندوه پیش‌آمده اثرات منفی کمتری داشته باشد.

مقابله‌ها را می‌توان به دو دسته سازگارانه و ناسازگارانه تقسیم کرد.



انواع مقابله با فشارهای روانی



۱- مقابله‌های سازگارانه^۱

دانش‌آموزی را در نظر بگیرید که برای قبول شدن به دو نمره نیاز دارد. او در برنامه روزانه خود، برای مطالعه درس مورد نظر، ساعت بیشتری را صرف می‌کند. فردی که پدر خود را از دست داده، برای کم کردن اندوه خود، اعمال پسندیده‌ای را انجام می‌دهد که پدرش دوست می‌داشت.

مقابله‌هایی که به حل مسائل و برطرف کردن عامل فشارآور و به حداقل رساندن و یا تحمل فشار روانی کمک می‌کنند، **مقابله‌های سازگارانه** هستند.

افراد در مقابله‌های سازگارانه، موقعیت را به خوبی می‌سنجند، از راهنمایی و حمایت دیگران استفاده می‌کنند و به روش‌های انتخاب شده حل مسئله انتخاب فکر می‌کنند.

ترس از قبول نشدن در رشته دلخواه در دانشگاه، فشار روانی به دنبال دارد. بسیاری از جوانان از مقابله‌های سازگارانه برای کنترل این فشار روانی استفاده می‌کنند. روش‌های مقابله با فشار روانی می‌تواند سازگارانه یا ناسازگارانه باشد.

نمونه‌هایی از روش‌های مقابله‌ای سازگارانه عبارت‌اند از:

الف) استفاده از مهارت حل مسئله: در این

شیوه مقابله، فرد منبع استرس یا مشکل را یک مسئله در نظر می‌گیرد و برای مقابله با آن از مهارت حل مسئله استفاده می‌کند. (برای استفاده از این شیوه مقابله‌ای، از روش‌های حل مسئله در فصل پنج استفاده کنید)



^۱ Adaptive coping



ب) مشورت و راهنمایی گرفتن: گاهی ممکن است فرد به تنهایی نتواند مشکل را حل کند؛ به همین دلیل، احساس فشار روانی در او باقی می‌ماند. در این موارد، مشورت کردن و راهنمایی گرفتن از دیگران به عنوان یک مقابله سازگارانه در نظر گرفته می‌شود. اگر در مثال ترس از قبول نشدن در کنکور، دانش آموز آن قدر تحت فشار روانی باشد که حتی نتواند برای شناسایی منبع فشار تمرکز کند، پیشنهاد می‌شود از معلمان یا مشاوران راهنمایی بگیرد.



ج) استفاده از حس شوخ طبعی: شوخی، به عنوان یک روش مقابله سازگارانه، در مواردی استفاده می‌شود که ممکن است نتوان منبع مشکل را در کوتاه مدت از بین برد؛ برای اینکه راحت تر بتوان با فشار روانی سازگار شد، از حس شوخ طبعی استفاده می‌شود؛ مثلاً اگر در یک اردوی دانش آموزی، وسط زمستان، در جاده ماشین خراب شود و منتظر نیروهای امدادگر باشیم، شوخی کردن و مشکل را سبک شمردن می‌تواند برای گذران آن اوقات سخت، کمک کند.



د) فعالیت بدنی و ورزش کردن: در بسیاری از مواقع می‌توان از ورزش کردن، به عنوان یکی از روش‌های سازگارانه مقابله با فشار روانی، استفاده کرد؛ مثلاً وقتی که به فرد فشارهای روانی زیادی وارد شده باشد ممکن است بر سلامتی او تأثیر منفی بگذارد. فعالیت بدنی و ورزش ملایم می‌تواند به وی کمک کند و باعث بی‌توجهی به فشار روانی فرد می‌شود.

○ فعالیت ۸ - ۵

شما، علاوه بر چهار مورد بالا، چه روش‌های مقابله سازگارانه دیگری را می‌شناسید؟ آنها را نام ببرید و توضیح دهید.



۲- مقابله‌های ناسازگارانه^۱

مقابله‌هایی که به حل مسئله و برطرف کردن فشار روانی کمک نمی‌کنند، معمولاً مقابله‌های ناکارآمد، ناسازگار و مضر هستند. فرد، در مقابله‌های ناسازگارانه به منظور کاهش فشار روانی، به رفتارهای مضر و مخرب رو می‌آورد.

افرادی که از این نوع مقابله‌ها استفاده می‌کنند، معمولاً از موقعیت اجتناب کرده یا آن را انکار می‌کنند. خود و دیگران را به خاطر مشکل سرزنش می‌کنند، عصبانی، پرخاشگر و یا افسرده و منفعل می‌شوند و موجب بروز فشارهای روانی بیشتری می‌گردند که اثرات آنها وخیم‌تر و عظیم‌تر از فشار روانی اولیه است.

نمونه‌هایی از مقابله‌های ناسازگارانه عبارت‌اند از:



الف) منفعل بودن: در این مقابله ناکارآمد،

فرد دست از فعالیت برمی‌دارد و برای از بین بردن فشار روانی، تلاش نمی‌کند؛ مثلاً دانش‌آموزی که ترس ردشدن در رشته دلخواه خود را در دانشگاه دارد؛ به طور کلی از قبولی ناامید می‌شود، درس خواندن را رها می‌کند و بیشتر از قبل می‌خوابد.

ب) در انتظار معجزه بودن: فرد در این مقابله، بدون اینکه تلاش کند، منتظر است اتفاق

خارق العاده‌ای رخ دهد.

ج) انجام دادن رفتارهای تکانشی

و بدون فکر و تأمل: فرد در این نوع مقابله هنگام رویارویی با فشار روانی، از لحاظ هیجانی، به شدت تحریک می‌شود؛ به طوری که بر هیجانات و رفتار خود کنترل ندارد، بسیار عصبی و پرخاشگر است و حتی ممکن است به خود یا دیگران آسیب برساند.



۱- Maladaptive Coping



د) استفاده از داروهای شیمیایی، دخانیات و سایر موارد مشابه: فرد در این نوع مقابله، برای فراموشی و رهایی از هیجانات منفی فشار روانی، از داروهای آرام‌بخش، مواد اعتیادآور یا سیگار استفاده می‌کند که نه تنها کمکی به کنترل فشار نمی‌کند، بلکه فشار آورهای بزرگ‌تری را ایجاد کرده و بر سلامتی فرد نیز تأثیر مخرب دارد.

بسیاری از بزه‌کاری‌ها، اعتیاد و انحراف‌های فردی و اجتماعی به دلیل استفاده مکرر از مقابله‌های نامناسب و ناسازگارانه در مقابل فشار روانی است.

فعالیت ۸-۶

مثال‌های زیر را مطالعه کنید، و بگویید در هریک از موقعیت‌ها از چه مقابله‌هایی برای کنترل فشار روانی استفاده شده است:

بهرروز دانش‌آموز کلاس یازدهم است. او از لحاظ تحصیلی، روابط اجتماعی و شرکت در برنامه‌های فوق برنامه، جزء دانش‌آموزان موفق و فعال مدرسه بود، تا اینکه در ماه گذشته در بازی فوتبال مصدوم شد و پای وی آسیب دید. بازی نکردن موجب فشار روانی زیادی در بهروز شده است. او برای فراموش کردن فشار روانی، داروهای آرام‌بخش مصرف می‌کند.

رضا فوتبالیست است و در تیم مدرسه بازی می‌کند، اما در مسابقه امروز، به دلیل بازی ضعیف، تعویض شد. رضا از تعویض خود عصبانی شد و با خشم لباس ورزشی خود را در آورد و پرت کرد.

آذر در کنکور سراسری رتبه بالایی آورده است، ولی در انتخاب رشته تردید دارد و این مسئله باعث فشار روانی او شده است. او برای اینکه بتواند زودتر تصمیم بگیرد و عامل فشار را از بین ببرد با یک مشاور با تجربه برای انتخاب رشته مشورت می‌کند.

امیر در کنکور امسال در رشته دلخواه قبول نشده است. این وضعیت، موجب فشار روانی زیادی در زندگی او شده است. امیر، برای از بین بردن این فشار، راه‌حل‌های متعددی را بررسی می‌کند؛ از جمله اینکه یک سال دیگر با برنامه‌ریزی دقیق درس بخواند و سال آینده دوباره در کنکور شرکت کند.

روش‌های سازگارانه کوتاه مدت

برخی از روش‌های سازگارانه که در کوتاه مدت برای مقابله با استرس مفید است، عبارت‌اند از:



- تنفس عمیق
- گفتن عبارت «ایست!»
- شمردن اعداد
- تلقین برخی جملات
- خواندن یک بیت یا یک جمله
- ترک موقعیت
- خوردن یک لیوان آب خنک
- به خاطر آوردن یک رویداد خوشایند یا یک بیت شعر خوشایند.

روش‌های بلند مدت



- ورزش‌های هوازی
- تمرین آرام‌سازی خود
- استفاده از روش‌های حل مسئله
- نوشتن خاطرات
- تغذیه مناسب
- حمایت‌های اجتماعی
- تفریح و سرگرمی
- برنامه‌ریزی زمان‌بندی شده.

تأثیر مذهب بر سلامت

مذهب و ارتباط با خداوند در ایجاد آرامش روانی و استفاده از مقابله‌های سازگارانه در مقابله با فشار روانی تأثیر دارد. مذهب به دو راه مستقیم و غیر مستقیم بر سلامت تأثیر دارد. **راه مستقیم:** مذهب و رفتارهای معنوی (مثل توکل به خدا)، از طریق ایجاد آرامش ذهنی، کاهش فشار روانی، رابطه با خداوند و ایجاد روحیه مثبت حاصل از شرکت در مراسم مذهبی، عبادت و افزایش احساس حمایت اجتماعی، باعث بهبود عملکرد سیستم ایمنی بدن می‌شود.

راه غیر مستقیم: تحقیقات نشان داده است افراد مذهبی، در مقایسه با دیگر افراد، سبک زندگی سالم‌تری دارند و از رفتارهای پرخطر جنسی، مصرف سیگار، الکل و تغذیه ناسالم اجتناب می‌کنند.

با توجه به تأثیر مستقیم و غیرمستقیم مذهب، باورها و رفتارهای دینی بر سلامت، در ابتدا مثال زیر را بخوانید. سپس نمونه‌هایی از این رفتارها و باورها را که در شما و یا نزدیکانتان تأثیر مثبت داشته، ذکر کنید.

الهام دانش‌آموز تلاشگری است که امسال در کنکور شرکت می‌کند. همکلاسی‌های الهام در مدرسه نیز بسیار با استعداد و تلاشگر هستند. الهام نیز، مانند هر دانش‌آموز پشت کنکوری، به علت رقابت در مدرسه و انتظارات خانواده، تحت فشار روانی است، گاهی شدت فشار به حدی می‌رسد که تمرکز او را در مطالعه از بین می‌برد. چند ماهی است که الهام با کمک گرفتن و توکل به خدا و خواندن دعای مطالعه، توانسته است این فشار روانی را کنترل کند و در مطالعه تمرکز داشته باشد. دعای مطالعه:

بار خدایا مرا از تاریکی‌های وهم و خیال خارج کن
و به من نور فهم و آگاهی عنایت فرما.
خداوندا درهای رحمت را به روی ما بگشا
و گنجینه‌های علومت را بر ما بگستران؛
به حق بخشنده‌گی ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

اَللّٰهُمَّ اُخْرِجْنِيْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ
وَ اَكْرِمْنِيْ بِنُورِ الْفَهْمِ
اَللّٰهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ
وَ انشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عِلْمِكَ
بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ؛



فعالیت ۸-۷

برای فهم بهتر این فصل، همه افراد خانواده خود را در نظر بگیرید و با کمک خودشان آنها را از لحاظ سلامتی و بیماری، روی پیوستار سلامتی جای دهید. سپس تصور کنید نقش یک روان‌شناس سلامت را دارید:

شیوه زندگی هر یک از اعضای خانواده خود را بررسی کنید. الگوهای تغذیه‌ای هر یک از آنان چگونه است؟ آیا عادت به ورزش و یا فعالیت بدنی دارند؟ در زندگی آنان چه فشارهای روانی وجود دارد و روش‌های مقابله با فشار روانی در زندگی‌شان چگونه است؟ هریک از افراد خانواده شما تا چه حد از روش‌های مقابله‌ای سازگارانه و یا ناسازگارانه، در مقابله با فشارهای روانی استفاده می‌کنند؟



یک بیمار خاص را در خانواده خود یا نزدیکان و دوستان در نظر بگیرید و به سؤالات زیر پاسخ دهید.

نام و نام خانوادگی: سن: نوع بیماری:

۱ این فرد در کدام قسمت طیف سلامت قرار می‌گیرد؟.....

۲ مهم‌ترین روش مقابله با فشار روانی ایجاد شده را چه می‌دانید؟

۳ ضمن شناسایی راهکارهای مقابله‌ای این بیمار، راهکارهای مقابله‌ای سازگاران را به وی پیشنهاد دهید.

۴ جهت کاهش فشار روانی ناشی از بیماری، چند راهکار عملیاتی مأخوذ از باورهای دینی ارائه دهید.

واژگان اصلی

روان‌شناسی سلامت، سلامت، بیماری، فشار روانی - مقابله‌های سازگاران، مقابله‌های سازگاران، مقابله‌های ناسازگاران، ارتقا و حفظ سلامتی، سبک زندگی، الگوهای رفتاری، عامل فشارزا، منبع فشار روانی، مقابله‌های ناکارآمد.

منابع

درس ۱

۱. آزه‌ای، جواد، روان‌شناسی از دیدگاه دانشمندان اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، (۱۳۹۱).
۲. براهنی، محمدنقی (و دیگران)، زمینه روان‌شناسی هیلگارد، انتشارات رشد، تهران، (ترجمه)، (۱۳۸۵).
۳. خرازی، سید کمال، حجازی الهه، روان‌شناسی شناختی، انتشارات سمت، تهران، (ترجمه)، (۱۳۸۵).
۴. زارع، حسین و همکاران، روان‌شناسی شناختی حافظه، انتشارات آبیژن، تهران، (ترجمه)، (۱۳۹۲).
۵. زارع، حسین؛ باقر پسندی، مهدی، روان‌شناسی شناختی زبان و تفکر، انتشارات ارجمند، تهران، (ترجمه)، (۱۳۹۴).
۶. زارع، حسین (و همکاران)، روان‌شناسی عمومی، انتشارات دانشگاه پیام نور، (۱۳۸۶).

درس ۲

۱. براون، کارول، روان‌شناسی رشد، ترجمه مهنازعلی‌اکبری دهکردی، تهران: انتشارات روان، (۱۳۹۳).
۲. رایس، ف. فیلیپ، ترجمه مهشید فروغان، تهران: انتشارات ارجمند، (۱۳۸۷).
۳. لطف‌آبادی، حسین، روان‌شناسی رشد ۲، تهران: انتشارات سمت، (۱۳۸۰).
۴. سیف، سوسن؛ کدیور، پروین؛ کریمی‌نوری، رضا و لطف‌آبادی، حسین، روان‌شناسی رشد ۱، تهران: انتشارات سمت، (۱۳۸۸).
۵. علی‌اکبری‌دهکردی، مهناز، مبانی نظری و پژوهشی روان‌شناسی جنسیت و نظریه آندروژنی، انتشارات محراب، (۱۳۹۳).
۶. علی‌اکبری‌دهکردی، مهناز، روان‌شناسی رشد (نظریه‌ها، پژوهش‌ها، آزمون‌ها)، انتشارات دانشگاه پیام نور، (۱۳۹۴).
۷. وزولا، رشد اخلاقی نظریه‌ها و کاربردها، ترجمه مهناز علی‌اکبری‌دهکردی، انتشارات محراب، (۱۳۹۳).
۸. منصور، محمود و دادستان، پریوخ، روان‌شناسی ژنتیک ۲، تهران: انتشارات ژرف، (۱۳۶۹).

درس ۳

۱. خرازی، سید کمال؛ حجازی، الهه (۱۳۸۷)، روان‌شناسی شناختی، انتشارات سمت، تهران، (ترجمه).
۲. رفیعی، حسن. (۱۳۹۵)، زمینه روان‌شناسی اتکینسون و هیلگارد، انتشارات ارجمند، تهران، (ترجمه)
۳. زارع، حسین، شریفی، علی‌اکبر (۱۳۹۵)، روان‌شناسی شناختی، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۴. وفایی، مریم، (۱۳۸۵)، روان‌شناسی شناختی، انتشارات دانشگاه مدرس، تهران، (ترجمه).
۵. تصویر آغاز درس ۳: رشد تکنولوژی آموزشی شماره ۶/ اسفند ۱۳۹۴ (دوره ۳۱، شماره پی در پی ۲۵۴)

درس ۴

۱. خرازی، سیدکمال (۱۳۸۷)، تفکر کودکان: روان‌شناسی رشد شناختی، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران (ترجمه).
۲. رفیعی، حسن. (۱۳۹۵)، زمینه روان‌شناسی اتکینسون و هیلگارد، انتشارات ارجمند، تهران (ترجمه).
۳. زارع، حسین، شریفی، علی‌اکبر، (۱۳۹۵)، روان‌شناسی شناختی، انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
۴. زارع، حسین؛ شریفی، علی‌اکبر، (۱۳۹۳)، توان‌بخشی حافظه، انتشارات دانشگاه پیام‌نور (ترجمه).
۵. تصویر آغاز درس ۴: رشد تکنولوژی آموزشی شماره ۸/ اردیبهشت ۱۳۹۶ (دوره ۳۲، شماره پی در پی ۲۶۴)

درس ۵

۱. زارع، حسین و باقرپسندی، مهدی (۱۳۹۴)، روان‌شناسی شناختی، تألیف آیزنک و کین، انتشارات ارجمند، تهران (ترجمه).
۲. زارع، حسین و شریفی، علی‌اکبر (۱۳۹۵)، روان‌شناسی شناختی، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۳. عبداللهی، محمدحسین و زارع، حسین (۱۳۹۵)، روان‌شناسی شناختی، انتشارات سمت، زیر چاپ.
۴. زارع، حسین و رضایی، علی‌اکبر و مصطفایی، علی (۱۳۹۵)، روان‌شناسی تربیتی، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۵. رفیعی، حسن و با همکاران دلیر، مجتبی (۱۳۹۵)، زمینه روان‌شناسی اتکینسون و هیلگارد، تألیف نولن — هوکسما، فردریکسون، لافروس و لوتز، انتشارات ارجمند، تهران.
۶. سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۵)، روان‌شناسی پرورشی نوین، انتشارات دوران، تهران.
۷. Danek. A.H, wiley J, ollinger. M. (2016). Solving classical insight problems without Aha! Experience: 9 Dot, 8 coin, and matchstick Arithmetic problems. Journal of problem solving, volume 9.

درس ۶

۱. زارع، حسین و باقرپسندی، مهدی (۱۳۹۴)، روان‌شناسی شناختی، تألیف آیزنک و کین، انتشارات ارجمند، تهران، (ترجمه).
۲. زارع، حسین و شریفی، علی‌اکبر (۱۳۹۵)، روان‌شناسی شناختی، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۳. عبداللهی، محمدحسین و زارع، حسین (۱۳۹۵)، روان‌شناسی شناختی، انتشارات سمت، زیر چاپ.
۴. کریمی، یوسف (۱۳۸۸)، روان‌شناسی اجتماعی، تألیف بارون بیرن و برنساکامب، نشر روان.

درس ۷

۱. مارشال ریو، جان، سیدمحمدی، یحیی، انگیزش و هیجان، انتشارات ویرایش، ۱۳۹۵؛

۲. سارافینو، اودارد، ترجمه الهه میزایی و همکاران، روان‌شناسی سلامت، انتشارات رشد (۱۳۹۱):
 ۳. گروه مؤلفان، روان‌شناسی عمومی، فصل هشتم، فشار روانی و روش‌های مقابله با آن، مهناز علی اکبری دهکردی، انتشارات دانشگاه پیام نور (۱۳۸۵):
 ۴. روان‌شناسی عمومی سال سوم دبیرستان، فصل چهارم، Ogdan, Health psychology, Open University press, (2013)

۲. کریمی، یوسف، روان‌شناسی اجتماعی، انتشارات ارسباران، ۱۳۷۶:
 ۳. خدائاهی، محمدکریم، انگیزش و هیجان، انتشارات سمت، ۱۳۷۶:
 ۴. کدیور، پروین، روان‌شناسی یادگیری، انتشارات سمت، ۱۳۷۹:
 ۵. جان، دلیبو، سانتراک (دانشفر، حسین و...)، روان‌شناسی تربیتی، انتشارات رسا، ۱۳۸۷.

درس ۸

۱. احمدی، محمد حسن، آسیب‌شناسی استرس و شیوه‌های کنترل، انتشارات سیادت، (۱۳۹۲):

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای اسناد تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی و دبیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی را در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

کتاب روان‌شناسی - کد ۱۱۱۲۲۴

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	ایرج عثمان پور	کردستان	۲۷	فرهاد تنهای رشوانلو	خراسان رضوی
۲	رویا نصیری	آذربایجان شرقی	۲۸	فرزانه رضایی	لرستان
۳	سوسن آقاسطانی	آذربایجان شرقی	۲۹	اعظم رستگاری مهر	البرز
۴	عطیه تقوی راد	شهرستانهای تهران	۳۰	سپهلا آشوری	شهر تهران
۵	علیرضا منفرد	بوشهر	۳۱	جلال قنبری	مازندران
۶	طیبه جوادی	خراسان جنوبی	۳۲	فوزیه صیادی	ایلام
۷	عصمت اکبر زاده فتح آبادی	کرمان	۳۳	مطلب نصیری	ازبیل
۸	نسربین گله داری	کردستان	۳۴	ساسان غزنوی	ازبیل
۹	هاجر کرچی	شهرستانهای تهران	۳۵	غابد مجیدی	مرکزی
۱۰	ناهد اکبری	کرمانشاه	۳۶	شهرام آذریندار	گیلان
۱۱	احمدرضا اکبری	اصفهان	۳۷	فاطمه مولایی	زنجان
۱۲	علی حسن هادی پور	همدان	۳۸	سپهلا نوزادی	کرمان
۱۳	صمد کشاورز	شهر تهران	۳۹	صفر علی رضانخانی	یزد
۱۴	معصومه یحیی زاده	آذربایجان غربی	۴۰	فاطمه کیخایی	فارس
۱۵	زهرا گل برای امیری	مازندران	۴۱	محبوبه محمودی	البرز
۱۶	سید محمد علی میردلمی	گلستان	۴۲	علی مصلحی راد	قزوین
۱۷	راسته درویشی	بوشهر	۴۳	مولود ارقند	قم
۱۸	ساحره عبداللهی	گلستان	۴۴	نسرین دانایی	سمنان
۱۹	فاطمه عذرا بهمنی	خراسان جنوبی	۴۵	میترا آزادگان	قم
۲۰	سولماز خسروانی	مرکزی	۴۶	ثریا خباز	فارس
۲۱	فاطمه آذر فر	خراسان رضوی	۴۷	حبیبه قرشی	آذربایجان غربی
۲۲	اکرم احمدی	چهارمحال و بختیاری	۴۸	حسین قاسمی	خراسان شمالی
۲۳	اسیه نجف نژاد	گیلان	۴۹	مرضیه سلیمانی	خراسان شمالی
۲۴	شپین گل محمدی	یزد	۵۰	رحیم بهمنی	کچکلبوه و بویراحمد
۲۵	فریبا اسدی	هرمزگان	۵۱	احمد میرزاییکی	ایلام
۲۶	رضا منوچهریان	سیستان و بلوچستان			

